مهربان‌ترین حاکم

نقد نظریهٔ خشونت در عصر ظهور

داوود ملاحسنی

بسم الله الرحمن الرحیم

مهربان ترین حاکم: نقد نظریه خشونت در عصر ظهور

نویسنده:

داود ملاحسنی

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵

مهربان ترین حاکم: نقد نظریه خشونت در عصر ظهور ----- ۸

مشخصات کتاب ----- ۸

اشاره ----- ۸

تقدیم به: ----- ۱۲

تشکر و قدردانی ----- ۱۳

فهرست مطالب ----- ۱۴

مقدمه ----- ۱۷

فصل اول: روایات بیانگر کشتار و خونریزی در عصر ظهور(دیدگاه افراطی) ----- ۲۱

اشاره ----- ۲۱

۱. روایات مربوط به خونریزی ها و کشتارهای پیش از ظهور ----- ۲۳

اشاره ----- ۲۳

۱-۱. روایات صریح ----- ۲۳

۱-۲. روایات غیر صریح ----- ۲۹

۲. روایات مربوط به کشتار و خونریزی پس از ظهور ----- ۳۱

۳. روایات مربوط به کشتار و خونریزی هنگام ظهور ----- ۳۲

اشاره ----- ۳۲

۳-۱. روایات ابو بصیر ----- ۳۳

۳-۲. روایات ابو هریره ----- ۴۰

۳-۳. روایات مفضل بن عمر ----- ۴۳

۳-۴. روایات ابوجارود ----- ۴۶

۳-۵. روایات مرفوعه، مرسل و غیر مسند ----- ۴۹

۳-۶. روایات متفرقه ----- ۶۶

اشاره ----- ۶۶

پاسخی دیگر در نقد دیدگاه افراطی ---- ۸۴

اشاره ---- ۸۴

الف)جنگ ذات العیون(سال دوازده ه.ق، زمان خلیفه اول ابوبکر) ---- ۸۴

ب)کشتار هفتاد هزار نفر برای یک قسم (سال دوازده ه.ق، زمان خلیفه اول ابوبکر) ---- ۸۸

پ) کشتار سی هزار نفر در یک روز (سال ۱۲ هجری قمری، زمان خلیفه اول ابوبکر) ---- ۸۹

ت) کشتار یک صد هزار نفر را در یک روز (سال سیزده ه.ق، زمان خلیفه دوم عمر) ---- ۹۰

د)کشتار چهل هزار نفر، در یک روز (سال ۱۴، زمان خلیفه دوم عمر) ---- ۹۰

ذ) جنگ برای آب و غذا و غنیمت (سال چهارده ه.ق، زمان خلیفه دوم عمر) ---- ۹۲

و) فتح همدان و کشته های بی شمار (سال ۲۷ه.ق، زمان خلیفه سوم عثمان) ---- ۹۳

ه) پول بدهید، از شهرتان خارج می شویم (سال ۲۷ه. ق، زمان خلیفه سوم عثمان(---- ۹۴

ی) جنگ گرگان، همه را کشتند، جز یک نفر (سال سی ه.ق، زمان خلیفه سوم عثمان) ---- ۹۵

۴. یک شبهه و پاسخ به آن ---- ۹۶

نتیجه گیری ---- ۱۰۴

فصل دوم: انقیاد تام خلایق بدون هیچگونه خونریزی و کشتار(دیدگاه تفریطی) ---- ۱۰۷

اشاره ---- ۱۰۷

۱. بیان و نقد روایاتی که این دیدگاه را بازگو و تقویت می کند ---- ۱۰۸

۲. روایات متعارض و بیان دیدگاه صحیح ---- ۱۱۰

نتیجه گیری ---- ۱۱۳

فصل سوم: همسانی سیره حکومتی مهدی موعود(عج) با سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (دیدگاه میانه) ---- ۱۱۵

اشاره ---- ۱۱۵

۱. وحدت رویه حضرت مهدی(عج) با رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمومنین علیه السلام ---- ۱۱۶

۲. چگونگی رفتار امیر المومنین علی علیه السلام با دشمنان ---- ۱۱۹

۳. چگونگی مقابله حضرت مهدی (عج) با دشمنان حقیقی ---- ۱۲۳

نتیجه گیری نهایی ---- ۱۲۶

ملحقات و ضمائم ---- ۱۲۹

فهرست روایات ---- ۱۳۰

اسامی و شرح حال تفصیلی راویان ---------- ۱۵۶
حال رجال در یک نگاه ---------- ۱۶۲
فهرست منابع ---------- ۱۷۲
درباره مرکز ---------- ۱۸۰

مهربان ترین حاکم: نقد نظریه خشونت در عصر ظهور

مشخصات کتاب

سرشناسه:ملاحسنی، داود، ۱۳۶۷ -

عنوان و نام پدیدآور:مهربان ترین حاکم ((نقد نظریه خشونت در عصر ظهور))/ نویسنده داود ملاحسنی.

مشخصات نشر:قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری:۱۴۴ ص.؛ ۵/۲۱×۵/۱۴س م.

شابک: ۷-۶۳-۷۱۲۰-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی:فیپا

موضوع:مهدویت

موضوع:مهدویت-- احادیث

رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ ۹م۷۳م/ BP ۲۲۴

رده بندی دیویی:۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۳۷۲۵۴۹۳

ص: ۱

اشاره

مهربان ترین حاکم

«نقد نظریه خشونت در عصر ظهور»

نویسنده: داوود ملاحسنی

مهربان ترین حاکم

مؤلف: داوود ملاحسنی

ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)

ویراستار: فاطمه اکبری

طراح جلد و صفحه آرا: مسعود سلیمانی

نوبت چاپ: اول/ زمستان ۱۳۹۳

شابک: ۷-۶۳-۷۱۲۰-۶۰۰-۹۷۸

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

* قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج) / خیابان شهدا/ کوچه آمار(۲۲)/ بن بست شهید علیان/ پ: ۲۶/ همراه: ۰۹۱۰۹۶۷۸۹۱۱/ تلفن: ۳۷۷۴۹۵۶۵ و ۳۷۷۳۷۸۰۱(داخلی ۱۱۷و۱۱۶)/۳۷۸۴۱۱۳۰ (فروش)/ ۳۷۸۴۱۱۳۱ (مدیریت)/ فاکس:۳۷۷۳۷۱۶۰ و ۳۷۷۴۴۲۷۳

* تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)/ تلفن: ۸۸۹۵۹۰۴۹/ فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹/ ص.پ:۳۵۵۱۵۶۵۵

m www.mahdi۳۱۳.com

m www.mahdaviat.ir

m info@mahdaviat.ir

m Entesharatbonyad@chmail.ir

تقدیم به:

بسم الله الرحمن الرحیم

یگانه منجی بشریت حضرت صاحب الزمان(عج) همو که؛

اگر چه سینه ها لبریز فریاد است و روح و جان ما آلوده از ظلم و بیداد ولی به امید وی دست دعامان به سمت آسمان رفته و روز جمعه دلهامان به سمت کعبه می چرخد... به این امید که پیش از رفتن خورشید از دروازه های شب طلوع دیگری جان جهان را آذین سازد.

تشکر و قدردانی

سپاس خدای را که سخنوران، در ستودن او بمانند و شمارندگان، شمردن نعمت های او ندانند و کوشندگان، حق او را گزاردن نتوانند. و سلام و دورد بر محمّد و خاندان پاک او، طاهران معصوم، هم آنان که وجودمان وامدار وجودشان است؛ و نفرین پیوسته بر دشمنان ایشان تا روز رستاخیز...

براساس وظیفه شایسته است که:

از پدر و مادر عزیزم، این دو معلم بزرگوارم که همواره بر کوتاهی و درشتی من، قلم عفو کشیده؛ کریمانه از کنار غفلت هایم گذشته اند و در تمام عرصه های زندگی یار و یاوری بی چشم داشت برای من بوده اند؛

و از استاد با کمالات و شایسته؛ جناب آقای دکتر دیاری که در کمال سعه صدر، با خوش خلقی و فروتنی، از هیچ کمکی در این عرصه بر من دریغ نکردند و زحمت راهنمایی این پایان نامه را برعهده گرفتند؛

و

همچنین از جناب حجت الاسلام والمسلمین نصرت الله آیتی (عضو هیئت علمی پژوهشکده آینده روشن) و حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی برای هدایت های علمی ایشان تشکر می کنم.

باشد که این کم ترین، بخشی از زحمات آنان را سپاس گوید.

فهرست مطالب

مقدمه.. ۹

فصل اول: روایات بیانگر کشتار و خونریزی در عصر ظهور(دیدگاه افراطی)

۱. روایات مربوط به خونریزی ها و کشتارهای پیش از ظهور ۱۵

۱-۱. روایات صریح.. ۱۵

۲-۱. روایات غیر صریح... ۲۱

۲. روایات مربوط به کشتار و خونریزی پس از ظهور.. ۲۳

۳. روایات مربوط به کشتار و خونریزی هنگام ظهور... ۲۴

۱-۳. روایات ابو بصیر.. ۲۵

۲-۳. روایات ابو هریره... ۳۲

۳-۳. روایات مفضل بن عمر.. ۳۵

۴-۳. روایات ابوجارود.. ۳۸

۵-۳. روایات مرفوعه، مرسل و غیر مسند.. ۴۱

۶-۳. روایات متفرقه.. ۵۸

پاسخی دیگر در نقد دیدگاه افراطی.. ۷۶

الف)جنگ ذات العیون(سال دوازده ه.ق، زمان خلیفه اول ابوبکر)............................ ۷۶

ب)کشتار هفتاد هزار نفر برای یک قسم (سال دوازده ه.ق، زمان خلیفه اول ابوبکر)... ۸۰

ج) کشتار سی هزار نفر در یک روز (سال ۱۲ هجری قمری، زمان خلیفه اول ابوبکر).... ۸۱

د) کشتار یک صد هزار نفر را در یک روز (سال سیزده ه.ق، زمان خلیفه دوم عمر).... ۸۲

ه)کشتار چهل هزار نفر، در یک روز (سال ۱۴، زمان خلیفه دوم عمر)........................... ۸۲

و) جنگ برای آب و غذا و غنیمت (سال چهارده ه.ق، زمان خلیفه دوم عمر)............ ۸۴

ز) فتح همدان و کشته های بی شمار (سال ۲۷ه.ق، زمان خلیفه سوم عثمان)................ ۸۵

ح) پول بدهید، از شهرتان خارج می شویم (سال ۲۷ه. ق، زمان خلیفه سوم عثمان(...... ۸۶

ط) جنگ گرگان، همه را کشتند، جز یک نفر (سال سی ه.ق، قمری، زمان خلیفه سوم عثمان) ۸۷

۴. یک شبهه و پاسخ به آن.. ۸۸

نتیجه گیری... ۹۶

فصل دوم : انقیاد تام خلایق بدون هیچگونه خونریزی و کشتار(دیدگاه تفریطی)

۱. بیان و نقد روایاتی که این دیدگاه را بازگو و تقویت می کنند ۱۰۰

۲. روایات متعارض و بیان دیدگاه صحیح.. ۱۰۲

نتیجه گیری... ۱۰۵

فصل سوم: همسانی سیره حکومتی مهدی موعود(عج)

با سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله(دیدگاه میانه)

۱. وحدت رویه حضرت مهدی(عج) با رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمومنین علیه السلام ۱۰۸

۲. چگونگی رفتار امیر المومنین علی علیه السلام با دشمنان ۱۱۱

۳. چگونگی مقابله حضرت مهدی عجّل الله تعالی فرجه الشّریف با دشمنان حقیقی.... ۱۱۵

نتیجه گیری نهایی.. ۱۱۸

ملحقات و ضمائم.. ۱۲۱

فهرست روایات.. ۱۲۲

اسامی و شرح حال تفصیلی راویان... ۱۲۸

حال رجال در یک نگاه.. ۱۳۴

فهرست منابع.. ۱۳۷

مقدمه

مبحث مهدویت، بحثی مشترک میان تمامی ادیان و مذاهب است و همگی منتظر یک منجی هستند که با آمدن وی تمامی جهان پر از عدل و داد شود. باید گفت در این میان دشمنان و فرصت طلبان نیز وارد این بحث مهم شده، هرکدام به فراخور حال خویش به این بحث بسیار مهم آسیب زده، آن را منحرف کرده و چهره قیام و عدالت فراگیر او را مخدوش ساخته اند.

از جمله مباحثی که در این میان بسیار مهم و قابل توجه است، اندیشه و ذهنیت رایج مسلمانان است. آنان بر این باورند که حضرت مهدی(عج) با چهره ای خشن ظهور می کند و با تکیه بر شمشیر و کشتارِ مخالفان خود به تشکیل حکومت و کسب قدرت موفق می شود. این ذهنیت و تصور از چهره امام زمان(عج) در روایاتی ریشه دارد که در این باره در برخی کتابها نوشته می شود و گاه بر روی منبرها برای مردم بازگو می گردد. به موجب پاره ای از این روایات، که از نظر سندی و متنی مشکل جدی دارند، حضرت مهدی(عج) به هنگام ظهور چنان با خشونت و درشتی با مردم رفتار می کند و کشتار و خونریزی به راه می اندازد که بیشتر آنان آرزو می کنند ای کاش هرگز او را نبینند و عده ای دیگر نیز نسبت به ایشان دچار تردید می شوند و او را از آل محمد صلی الله علیه و آله نمی دانند.

در مقابل این دیدگاه برخی دیگر بر این باورند که امام زمان(عج) به هنگام ظهور از راه ولایت و تصرف تکوینی همه خلایق را مطیع و مسخّر خود می کند و کارها را با اعجاز و به صورت غیر عادی انجام می دهد؛ بنابراین اصلًا از کشتار و جنگ با مخالفان هیچ خبری نیست آن چنان که حتی به اندازه خونریزی حجامت هم خونی ریخته نمی شود و تمامی امور به آسانی و بدون هیچ زحمتی پیش می رود.

ما در این نوشتار برآنیم که به نقد و بررسی این دو دیدگاه افراطی و تفریطی بپردازیم و یک دیدگاه میانه و درست از چهره امام زمان(عج) به هنگام ظهور و قیام به نمایش بگذاریم و به این نتیجه برسیم که روایاتی که این دو اندیشه نادرست را بیان می کنند، دچار مشکل سندی و محتوایی هستند؛ همچنین نشان دهیم که ظهور حضرت نه آن قدر با خونریزی و کشتار انجام می شود که از دیدگاه عقل و شرع بعید به نظر می رسد و نه آن چنان از جنگ با دشمنان به دور است که بتوان گفت همه کارها به آسانی و راحتی انجام می پذیرد بلکه از آن جا که امام زمان(عج) مظهر رحمه للعالمین است و خواستار هدایت همه مردم می باشند، آنان را به سوی حق دعوت می کند اما به ناچار با دشمنان حقیقی خداوند که به هیچ وجه حق را نمی پذیرند و همواره خواستار سلطه جویی، قدرت طلبی و ظلم وستم بر مردم هستند، وارد جنگ می شود تا آنها را از بین ببرد و زمین را از آلودگی وجود آنان پاک کند و عدل و عدالت را در همه زمین برقرار نماید.

با توجه به اینکه در برخی روایات مربوط به ویژگی ها و شرایط ظهور حکومت جهانی امام زمان(عج) مطالبی غیر واقعی و برساخته از دروغ به پیشوایان

معصوم دین نسبت داده شده است، زدودن غبار دروغ و افتراء از چهره احادیث مربوط به قیام مصلح کل و موعود آخرالزمان(عج) و پاسخگویی به شبهات و نیز بیان واقعیت های قیام براساس عدالت و معنویت آن حضرت، امری بایسته و ضروری می نماید.

هدف از انجام این تحقیق پاکسازی افکار درباره چهره قیام امام مهدی(عج) از خشونت و کشتار به چهره ای از عدل و داد و رأفت و ایجاد انگیزه و گرایش در مردم برای هرچه نزدیک تر شدن قیام و ظهور امام مهدی(عج) است.

حال با توجه به این توصیفات این پرسش اصلی پیش می آید که:

- چگونه و با چه مبنا و معیاری می توان درستی روایاتی را که بیانگر قیام امام همراه با خشونت و کشتار است را شناسایی کرد؟

- مصادر و سندهای روایاتی که بر قیام امام مهدی(عج) و همراهی آن با شمشیر و خشونت دلالت می کند تا چه حد دارای اعتبار و قابل پذیرش هستند؟

- آیا دیدگاهی که قیام امام مهدی(عج) را بدون هیچگونه درگیری توصیف می کند، پذیرفتنی و قابل اثبات است؟

- امام مهدی(عج) پیش از رویارویی و درگیری چه اقدامات اولیه ای برای هدایت و اصلاح مخالفان انجام می دهد؟

در مقام پاسخ به این پرسش ها می توان چنین فرضیاتی را ارائه و به بررسی آنها پرداخت:

- با معیار بررسی سند روایاتی که بیانگر قیام همراه با درگیری و کشتار افراطی است، مشخص می شود که این روایات دارای مشکل سندی و غیر قابل اعتماد هستند.

- اسناد و بعضی از منابع این روایات که بر قیام امام مهدی(عج) و همراهی آن با شمشیر و خشونت دلالت می کند، دچار تردید و ضعف است.

- روایاتی که بیانگر دیدگاه تفریطی هستند و قیام حضرت را بدون کوچکترین درگیری و کشتار معرفی می کنند، مشکل جدّی سندی و دلالی دارند و بی اعتبار می باشند.

- سیره حضرت مهدی(عج) همان سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمومنین علیه السلام است؛ بنابراین رفتار حضرت مهدی(عج) به هنگام رویارویی با مخالفان نیز پیرو سیره جد بزرگوارشان خواهد بود. قیام امام مهدی(عج) همراه با جنگ و درگیری هایی است که پیش از آن هدایت و روشنگری انجام شده باشد؛ اما این جنگ ها به صورت افراطی و تفریطی که برخی روایات بیانگر آن است، انجام نمی گیرد.

و همچنین امام زمان(عج) به هنگام قیام با دشمنان حقیقی خدا، با آنان به طور قاطع برخورد می کند و با دوستان خدا رئوف و مهربان است.

فصل اول: روایات بیانگر کشتار و خونریزی در عصر ظهور(دیدگاه افراطی)

اشاره

اخبار و روایاتی که در آنها کشـتار و خونریزی در حجم گسترده ای مطرح شده اند، به سه دسـته تقسـیم می شوند. دسته ای از آنها به ملاحم، فتن و خونریزی های پیش از ظهور مربوط می شود و به دوران ظهور و قیام حضـرت مهـدی(عج) هیچ ارتباطی نـدارد و تنهـا بـه اوضـاع نابسامـان جهـان پیش از ظهـور اشـاره می کنـد کـه ممکـن اسـت برخی آن را بـه اشـتباه بـه حضـرت مهدی(عج) نسبت داده باشند.

دسـته ای دیگر از این روایـات به دوران پس از حکومت حضـرت مهـدی(عـج)؛ یعنی دوران رجعت مربوط می باشـد که باید گفت این مقوله هم با دوران ظهور و حکومت امام ارتباطی نـدارد. در این جا توضـیح یک نکته ضـروری می نمایـد و آن این که مـا در بیـان روایات کشـتار به هنگام رجعت در پی بررسـی سـندی و متنی آنها نیستیم و فقط این حقیقت روشن را بیان می کنیـم که برخی از کشـتارهایی که ممکن است به حضـرت نسـبت داده شـود، مربـوط به دوره رجعت است و هیـچ ارتبـاطی به ایشان ندارد.

دسـته آخر این روایات که در آنها کشـتار در حجم وسیع مطرح شده است و مهم ترین و گسترده ترین بخش تحقیق ما را دربر می گیرد کشتار ها و خونریزی های وسیع مربوط به هنگام ظهور و حکومت امام زمان(عج) است که باید گفت این روایات از نظر سندی و متنی مشکل جدّی دارند و برخی از آنها

با اغراض گوناگونی به کتاب های روایی وارد شـده انـد. این روایات نیز در ادامه خواهـد آمد و به دقت نقد و بررسـی خواهد شد.

پس از مروری کلّی بر این سه دسته از روایات، هر یک از این دسته ها را به طور جداگانه بررسی می نماییم.

۱. روایات مربوط به خونریزی ها و کشتارهای پیش از ظهور

اشاره

روایات مربوط به خونریزی ها و کشـتارهای پیش از ظهور به دو شـکل است: گروهی از آنها به روشـنی می گوید که پیش از روی دادن ظهور امـام در جهـان مرگ و کشـتار زیـاد است و گروهی دیگر از روایـات بیـانگر جنگ ها و قتل و غارت ها بین صنوف گوناگون همچون سفیانی و مخالفان وی می باشد که نشانگر کشتار و خونریزی گسترده پیش از ظهور است.

۱-۱. روایات صریح

ابتدا به بیان روایاتی می پردازیم که به طور صریح به کشتار ها و خونریزی های وسیع پیش از ظهور اشاره می کند:

۱-۱-۱. وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنِ الْحُسَیْنِ بن سَعِیدٍ عَنْ صَفْوَانَ بن یَحْیَی عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بن الْحَجَّاجِ عَنْ سُلَیْمَانَ بن خَالِدٍ قَالَ: سَمِعْتُ ابـا عَبْـدِ اللَّهِ علیه السـلام یَقُولُ: قُـدَّامَ الْقَـائِمِ مَوْتَتَـانِ مَوْتٌ أَحْمَرُ وَ مَوْتٌ أَبْیَضُ حَتَّی یَـذْهَبَ مِنْ کُلِّ سَـبْعَهٍ خَمْسَهٌ الْمَوْتُ الْأَحْمَرُ السَّیْفُ وَ الْمَوْتُ الْأَبْیَضُ الطَّاعُونُ.(۱)

سلیمان بن خالد گوید:

۱- محمد بن علی، ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، تصـحیح علی اکبر غفاری، قم، موسـسه نشـر اسـلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۵ق، ج۲، ص۶۵۵.

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: پیش از قیام قائم(عج) دو مرگ و میر عمومی رخ می دهد، یکی مرگ سرخ و دیگر مرگ سپید، تا به جایی که از هر هفت تن پنج تن برود. مرگ سرخ با شمشیر و مرگ سپید با طاعون است.

۲-۱-۱. وَ قَالَ علی بن موسی الرضا علیه السلام : « قُدَّامَ هَذَا الْأَمْرِ قَتْلٌ بَیُوحٌ». قُلْتُ: وَ مَا الْبَیُوحُ؟ قَالَ: «دَائِمٌ لَا یَفْتُرُ».(۱)

امام رضا علیه السلام فرموده:

پیش روی این امر (قیام حضرت) کشتاری بیوح می باشد. پرسیدم: بیوح چیست؟ امام علیه السلام فرمودند: کشتاری وسیع و دائم که قطع نمی شود.

۳-۱-۱. وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ أَبِی أَیُّوبَ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ وَ مُحَمَّدِ بن مُسْلِمٍ قَالا: سَمِعْنَا ابا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یَقُولُ: لَا یَکُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى یَذْهَبَ ثلث [ثُلُثَا] النَّاسِ. فَقِیلَ لَهُ: إِذَا ذَهَبَ ثلث [ثُلُثَا] النَّاسِ فَمَا یَبْقَى؟ فَقَالَ علیه السلام: أَ مَا تَرْضَوْنَ أَنْ تَکُونُوا الثُّلُثَ الْبَاقِیَ.(۲)

ابو بصیر و محمّد بن مسلم گویند از امام صادق علیه السلام شنیدیم که می فرمود:

این امیر واقع نشود تا آنکه دوسوم مردم از بین بروند، گفته شد: چون دوسوم مردم از بین بروند پس چه کسی باقی می ماند؟ فرمود: آیا دوست نمی دارید که شما آن ثلث باقی باشید؟!

۴-۱-۱. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بن مُحَمَّدِ بن سَعِیدٍ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ هِشَامِ بن سَالِمٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: النِّدَاءُ حَقٌّ؟ قَالَ: إِی وَ اللَّهِ حَتَّى یَسْمَعَهُ کُلُّ قَوْمٍ بِلِسَانِهِمْ وَ قَالَ علیه السلام: لَا یَکُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى

۱- عبدالله بن جعفر، حمیری، قرب الاسناد، تحقیق موسسه آل البیت لاحیاء التراث، چاپ اول، قم، موسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۱۳ق، ص ۱۷۰.

۲- ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۶۵۵-۶۵۶.

يَذْهَبَ تِسْعَةُ أَعْشَارِ النَّاس.(۱)

زراره گوید:

به امام صادق علیه السلام عرض کردم که آن آواز (آسمانی) حقیقت دارد؟ فرمود: آری به خدا قسم؛ چندان که هر قومی به زبان خودشان آن را می شنوند و فرمود: این امر نخواهد شد تا زمانی که نه دهم مردم از بین بروند.

۵-۱-۱. أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بن الْحُسَيْنِ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن يَحْيَى الْعَطَّارُ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن حَسَّانَ الرَّازِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن عَلِيٍّ الْكُوفِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بن جَبَلَةَ عَنْ عَلِيِّ بن أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ مَتَى خُرُوجُ الْقَائِمِ علیه السلام؟ ... ثُمَّ قَالَ: يَا ابا مُحَمَّدٍ إِنَّهُ لَا بُدَّ أَنْ يَكُونَ قُدَّامَ ذَلِكَ الطَّاعُونَانِ؛ الطَّاعُونُ الْأَبْيَضُ وَ الطَّاعُونُ الْأَحْمَرُ. قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ أَيُّ شَيْءٍ هُمَا؟ فَقَالَ: أَمَّا الطَّاعُونُ الْأَبْيَضُ فَالْمَوْتُ الْجَارِفُ وَ أَمَّا الطَّاعُونُ الْأَحْمَرُ فَالسَّيْف.(۲)

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده؛ گوید:

به آن حضرت عرض کردم: فدایت گردم خروج قائم(عج) چه زمانی خواهد بود؟... سپس فرمود: ای أبا محمّد ناگزیر پیش از وقوع آن، دو طاعون روی خواهد داد: طاعون سفید و طاعون سرخ، عرض کردم: فدایت گردم آن دو چه هستند؟ فرمود:[امّا] طاعون سفید مرگ همه گیر و عمومی است و امّا طاعون سرخ

۱- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، تحقیق فارس حسون، چاپ اول، قم، انوارالهدی، ۱۴۲۲ق، ص۲۸۲-۲۸۳، ب۱۴، ح۵۴.

۲- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، تحقیق فارس حسون، چاپ اول، قم، انوارالهدی، ۱۴۲۲ق، ص۳۰۱، ب۱۶، ح ۶.

همان شمشیر است.

۶-۱-۱. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بن مُحَمَّدِ بن سَعِيدٍ ابن عُقْدَهَ قَالَ: حَدَّثَنِی أَحْمَدُ بن يُوسُفَ بن يَعْقُوبَ ابو الْحَسَنِ الْجُعْفِيُّ مِنْ كِتَابِهِ قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بن مِهْرَانَ عَنِ الْحَسَنِ بن عَلِيِّ بن أَبِی حَمْزَهَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِی بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ ابو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: لَا بُدَّ أَنْ يَكُونَ قُدَّامَ الْقَائِمِ سَنَهٌ يَجُوعُ فِيها النَّاسُ وَ يُصِيبُهُمْ خَوْفٌ شَدِيدٌ مِنَ الْقَتْلِ وَ نَقْصٌ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ فَإِنَّ ذَلِكَ فِی كِتَابِ اللَّهِ لَبَيِّنٌ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَهَ: وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْ ءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَراتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِين.(۱)

ابو عبداللّه عليه السلام فرمود:

ناچار بايد پيش از قيام قائم(عج) سالی باشد كه مردم در آن سال گرسنه بمانند و از دو ناحيه ترس و سختی آنان را فرا گيرد از كشتار و از كم بود ثروتها و جانها و ميوه ها و اين مطلب در كتاب خدا به طور روشن بيان شده است؛ سپس اين آيه را تلاوت فرمود: (وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْ ءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَراتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ)(۲)

۷-۱-۱. أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بن الْحُسَيْنِ قَالَ: أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بن يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بن حَسَّانَ الرَّازِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بن عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بن أَبِی الْبِلَادِ عَنْ عَلِيِّ بن مُحَمَّدِ بن الْأَعْلَمِ الْأَزْدِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: بَيْنَ يَدَيِ الْقَائِمِ مَوْتٌ أَحْمَرُ وَ مَوْتٌ أَبْيَضُ وَ جَرَادٌ فِی حِينِهِ وَ جَرَادٌ فِی غَيْرِ حِينِهِ أَحْمَرُ كَالدَّمِ فَأَمَّا الْمَوْتُ

۱- نعمانی، محمد بن ابراهيم، غيبت نعمانی، تحقيق فارس حسون، چاپ اول، قم، انوارالهدی، ۱۴۲۲ق، ص۲۵۹، ب۱۴، ح ۶.
۲- بقره(۲)، ۱۵۵.

الْأَحْمَرُ فَبِالسَّيْفِ وَ أَمَّا الْمَوْتُ الْأَبْيَضُ فَالطَّاعُون.(۱)

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

پیشاپیش قائم(عج) مرگ سرخ و مرگ سفید و ملخی فصلی و ملخی غیر فصلی که همچون خون سرخ رنگ است، خواهد بود اما مرگ سرخ به وسیله شمشیر است و اما مرگ سفید یعنی طاعون.

۸-۱-۱. حَدَّثَنَا يَحْيَى بن الْيَمَانِ، عَنْ كَيْسَانَ الرُّوَاسِيِّ الْقَصَّارِ، وَكَانَ ثِقَةً قَالَ: حَدَّثَنِي مَوْلَايَ، قَالَ: سَمِعْتُ عَلِيًّا، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَقُولُ: لَا يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ حَتَّى يُقْتَلَ ثُلُثٌ، وَيَمُوتُ ثُلُثٌ، وَيَبْقَى ثُلُثٌ.(۲)

امیرالمومنین علیه السلام می فرماید:

حضرت مهدی(عج) قیام نمی کند مگر اینکه یک سوم مردم کشته شوند و یک سوم دیگر آن بمیرند و یک سوم آخر باقی بمانند.

۹-۱-۱. وَ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بن الْخَصِيبِ عَنْ أَبِي الْمُطَّلِبِ جَعْفَرِ بن مُحَمَّدِ بن الْمُفَضَّلِ عَنْ مُحَمَّدِ بن سِنَانٍ الزَّاهِرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بن عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ عَنْ مَدِيحِ بن هَارُونَ بن سَعْدٍ، قَالَ: سَمِعْتُ ابا الطُّفَيْلِ عَامِرَ بن وَاثِلَهَ يَقُولُ: سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام يَقُولُ لِعُمَر... عُمَرُ وَ قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِمَّا تَقُولُ، فَهَلْ لَكَ عَلَامَهٌ؟ قَالَ: نَعَمْ قَتْلٌ فَظِيعٌ، وَ مَوْتٌ سَرِيعٌ، وَ طَاعُونٌ شَنِيعٌ، وَ لَا يَبْقَى مِنَ النَّاسِ فِي ذَلِكَ إِلَّا ثُلُثُهُم. (۳)

امیرالمومنین علیه السلام در پاسخ به سوال عمر که از ایشان پرسید آیا برای آن (خروج قائم) علامتی است؟ فرمود:

۱- نعمانی، محمدبن ابراهیم، الغیبه، تحقیق فارس حسون، چاپ اول، قم، انوارالهدی، ص۲۸۶، ب۱۴، ح ۶۱.

۲- نعیم بن حماد، مروزی، الفتن، تحقیق سهیل زکار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق، ج۱، ص۳۳۳، ح۹۵۹.

۳- خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایه الکبری، چاپ اول، بیروت، موسسه البلاغ، ۱۴۰۶ق، ص۳۱-۳۲.

بلی، کشتاری وحشتناک و موتی سریع و طاعونی نفرت انگیز؛ و درآن زمان تنها یک سوم مردم باقی می مانند.

۱۰-۱-۱. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بن مُحَمَّدِ بن سَعِيدٍ ابن عُقْدَهَ قَالَ: حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بن يُوسُفَ بن يَعْقُوبَ ابو الْحَسَنِ الْجُعْفِيُّ مِنْ كِتَابِهِ قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بن مِهْرَانَ قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بن عَلِيِّ بن أَبِي حَمْزَهَ عَنْ أَبِيهِ وَ وُهَيْبِ بن حَفْصٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بن عَلِيٍّ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ:. . . لَا يَقُومُ الْقَائِمُ عليه السلام إِلَّا عَلَى خَوْفٍ سَدِيدٍ [شَدِيدٍ] مِنَ النَّاسِ وَ زَلَازِلَ وَ فِتْنَهٍ وَ بَلَاءٍ يُصِيبُ النَّاسَ وَ طَاعُونٍ قَبْلَ ذَلِكَ وَ سَيْفٍ قَاطِعٍ بَيْنَ الْعَرَبِ... .(۱)

امام باقر علیه السلام فرمودند:

قائم(عج) قیام نمی کند مگر در حال ترس سخت مردم و زلزله ها و گرفتاری و بلایی که مردم را فرا می گیرد و پیش از آن طاعون و شمشیری برنده در میان عرب.

۱۱-۱-۱. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بن مُحَمَّدِ بن سَعِيدٍ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن الْمُفَضَّلِ بن إِبْرَاهِيمَ وَ سَعْدَانُ بن إِسْحَاقَ بن سَعِيدٍ وَ أَحْمَدُ بن الْحُسَيْنِ بن عَبْدِ الْمَلِكِ وَ مُحَمَّدُ بن أَحْمَدَ بن الْحَسَنِ الْقَطَوَانِيُّ قَالُوا جَمِيعاً: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بن مَحْبُوبٍ الزَّرَّادُ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بن سِنَانٍ قَالَ: سَمِعْتُ ابا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: يَشْمَلُ النَّاسَ مَوْتٌ وَ قَتْلٌ حَتَّى يَلْجَأَ النَّاسُ عِنْدَ ذَلِكَ إِلَى الْحَرَمِ فَيُنَادِي مُنَادٍ صَادِقٌ مِنْ شِدَّهِ الْقِتَالِ فِيمَ الْقَتْلُ وَ الْقِتَالُ؟ صَاحِبُكُمْ فُلَانٌ.(۲)

عبداللَّه بن سنان گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرماید:

۱- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص۲۶۲، ب۱۴، ح ۱۳.

۲- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص۲۶۲، ب۱۴، ح ۱۳.

مردم را مرگ و کشتاری فرا گیرد تا آن جا که مردم در آن حال به حرم پناه جویند، پس ندا کننده ای صادق از شدّت کشتار آواز دهد: کشت و کشتار برای چیست؟ صاحب شما، فلانی است.

۱۲-۱-۱. أَحْمَدُ بن مُحَمَّدِ بن سَعِيدٍ ابن عُقْدَهَ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن الْمُفَضَّلِ بن إِبْرَاهِيمَ بن قَيْسٍ وَ سَعْدَانُ بن إِسْحَاقَ بن سَعِيدٍ وَ أَحْمَدُ بن الْحُسَيْنِ بن عَبْدِ الْمَلِكِ وَ مُحَمَّدُ بن أَحْمَدَ بن الْحَسَنِ الْقَطَوَانِيُّ قَالُوا جَمِيعاً: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بن مَحْبُوبٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بن زِيَادٍ الْخَارِقِيِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللَّهِ علیه السلام کَانَ ابو جَعْفَرٍ علیه السلام يَقُولُ: لِقَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ غَيْبَتَانِ إِحْدَاهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْأُخْرَى فَقَالَ: نَعَمْ وَ لَا يَكُونُ ذَلِكَ حَتَّى يَخْتَلِفَ سَيْفُ بنی فُلَانٍ وَ تَضِيقَ الْحَلْقَهُ وَ يَظْهَرَ السُّفْيَانِيُّ وَ يَشْتَدَّ الْبَلَاءُ وَ يَشْمَلَ النَّاسَ مَوْتٌ وَ قَتْلٌ يَلْجَئُونَ فِيهِ إِلَى حَرَمِ اللَّهِ وَ حَرَمِ رَسُولِهِ صلی الله علیه و آله. (۱)

ابوبصیر گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: ابو جعفر علیه السلام می فرمود: قائم آل محمّد(عج) را دو غیبت است که یکی از دیگری طولانی تر است. فرمود: آری و این کار نخواهد شد تا آنکه بنی فلان شمشیر به روی همدیگر بکشند و حلقه جنگ تنگ تر شود و سفیانی ظاهر شود و گرفتاری به شدّت برسد، مردم را مرگی و کشتاری فرا گیرد که به حرم خدا و حرم رسولش صلی الله علیه و آله پناه برند.

۲-۱. روایات غیر صریح

دسته ای دیگر از احادیث بیانگر جنگ ها و کشتار گروه های مختلف از جمله سفیانی و... می باشد که می توان گفت این روایات به گونه ای کشتار زیاد پیش از

۱- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص۲۷۵، ب۱۴، ح۳۵.

ظهور (به طور غیر صریح) را نشان می دهد.

۱-۲-۱. حدَّثَنَا الْوَلِیدُ، عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ، عَنِ الْوَلِیدِ بن هِشَامٍ الْمُعَیْطِیِّ، عَنْ أَبَانَ بن الْوَلِیدِ بن عُقْبَهَ بن أَبِی مُعَیْطٍ، سَمِعَ ابن عَبَّاسٍ، رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ یَقُولُ: یَخْرُجُ السُّفْیَانِیُّ فَیُقَاتِلُ حَتَّی یَبْقَرَ بُطُونَ النِّسَاءِ، وَیَغْلِی الْأَطْفَالَ فِی الْمَرَاجِلِ.(۱)

ابن عباس گوید: سفیانی قیام می کند و چنان می جنگد تا آن جا که شکم زنان را می درد و کودکان را در دیگ ها می جوشاند.

۲-۲-۱. حَدَّثَنَا الْحَکَمُ بن نَافِعٍ، عَنْ جَرَّاحٍ، عَنْ أَرْطَاهَ، قَالَ: یَدْخُلُ السُّفْیَانِیُّ الْکُوفَهَ فَیَسْبِیهَا ثَلَاثَهَ أَیَّامٍ، وَیَقْتُلُ مِنْ أَهْلِهَا سِتِّینَ أَلْفًا.(۲)

ارطاه گوید:سفیانی داخل کوفه می شود و سه روز آن جا را به بند می کشد و شش هزار نفر از اهالی آن جا را می کشد.

۳-۲-۱. حَدَّثَنَا الْحَکَمُ بن نَافِعٍ، عَنْ جَرَّاحٍ، عَنْ أَرْطَاهَ، قَالَ: یَقْتُلُ السُّفْیَانِیُّ کُلَّ مَنْ عَصَاهُ، وَیَنْشُرُهُمْ بِالْمَنَاشِیرِ وَیَطْبُخُهُمْ بِالْقُدُورِ سِتَّهَ أَشْهُرٍ.(۳)

نیز ارطاه گوید: سفیانی هرکس را که با او به مخالفت بپردازد می کشد و آن ها را اره کرده و در دیگ هایی می جوشاند به مدت شش ماه.

۴-۲-۱. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن عَبْدِ اللَّهِ التِّیهِرْتِیُّ، عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بن مَسْلَمَهَ، سَمِعَ ابا قَبِیلٍ، یَقُولُ: یَبْعَثُ السُّفْیَانِیُّ جَیْشًا إِلَی الْمَدِینَهِ فَیَأْمُرُ بِقَتْلِ کُلِّ مَنْ کَانَ فِیهَا مِنْ بنی هاشِمٍ حَتَّی الْحُبَالَی.(۴)

۱- مروزی، نعیم بن حماد، الفتن، ج ۱، ص۳۰۶، ح ۸۸۹.

۲- مروزی، نعیم بن حماد، الفتن، ج ۱، ص۳۰۸، ح ۸۹۳.

۳- مروزی، نعیم بن حماد، الفتن، ج ۱، ص۹۴، ح ۲۲۳.

۴- مروزی، نعیم بن حماد، الفتن، ج ۱، ص۳۲۶، ح ۹۳۱.

روایت است که ابوقبیل گفته: سفیانی سپاهی را به سوی مدینه روانه می کند و به آنها دستور می دهد که هرکس در مدینه است را بکشند، حتی زنان باردار را.

۲. روایات مربوط به کشتار و خونریزی پس از ظهور

همانطورکه پیش از این یادآور شدیم، دسته ای از روایات جنگ و کشتار نیز مربوط به دوران پس از ظهور و حکومت حضرت مهدی(عج) و به اصطلاح دوران رجعت مربوط است و به دوران ظهور و حکومت امام زمان(عج) ارتباطی ندارد که عبارتند از:

۲-۱. عَن رُفاعهَ بن موسی قالَ: قالَ ابو عَبدِ الله علیه السلام: إنّ أَولَ مَن یَکرُّ إِلی الدُّنیا الحسینُ بن علیٍّ علیه السلام وَ أَصحابُه وَ یزیدُ بن معاویهَ و أَصحابُه فَیقتُلهم حَذوَ القُذهِ بِالقُذَهِ.(۱)

امام صادق علیه السلام فرموده اند: همانا اولین کسی که به دنیا رجعت می کند، امام حسین علیه السلام به همراه یارانشان و یزید بن معاویه نیز به همراه یارانش می باشند، سپس امام علیه السلامآنها را موبه مو می کشد.

۲-۲. وَ عَنْ أَبِی سَعِیدٍ سَهْلِ بن زِیَادٍ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بن مَحْبُوبٍ حَدَّثَنَا ابن فُضَیْلٍ حَدَّثَنَا سَعْدٌ الْجَلَّابُ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ الْحُسَیْنُ بن عَلِیٍّ علیه السلام لِأَصْحَابِه:... إِنَّ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام یَدْفَعُ إِلَیَّ سَیْفَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَیَبْعَثُنِی إِلَی الشَّرْقِ وَ الْغَرْبِ وَ لَا آتِی عَلَی عَدُوٍّ إِلَّا أَهْرَقْتُ دَمَه...(۲)

۱- عیاشی سلمی سمرقندی، محمد بن مسعود بن عیاش، تفسیرعیاشی، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، بی تا، تهران، المکتبه العلمیه الاسلامیه، ج ۲، ص۲۸۲، ح ۲۳.

۲- راوندی، قطب الدین، الخرائج و الجرائح، تصحیح موسسه امام مهدی، چاپ اول، قم، موسسه امام مهدی، ۱۴۰۹ ق، ج۲، ص۸۴۸، ح ۶۳.

امام صادق علیه السلام فرمود که امام حسین علیه السلام به اصحابش فرمودند: همانا امیرالمومنین علیه السلام شمشیر رسول خدا صلی الله علیه و آله را به من می سپرد و مرا به شرق و غرب می فرستد. ومن به دشمنی برنمی خورم تا اینکه خون او را می ریزم.

۳-۲. قَالَ جَابِرٌ: قَالَ ابو جَعْفَرٍ علیه السلام: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صلی الله علیه و آله فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ رُبَما يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كانُوا مُسْلِمِينَ قَالَ: هُوَ أَنَا إِذَا خَرَجْتُ أَنَا وَ شِيعَتِي، وَ. . . وَ نَقْتُلُ بنی أُمَيَّه، فَعِنْدَهَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كانُوا مُسْلِمِينَ.(۱)

امام علی علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود: همانا مراد من هستم هنگامی که من و شیعیانم قیام کنیم ... و بنی امیه را می کشیم، آن هنگام کسانی که کفر ورزیده اند، آرزو می کنند که ای کاش مسلمان بودند.

نکته

چنانکه آمد، برخی روایات جنگ و کشتار مربوط به زمان پیش و پس از دوران ظهور و حکومت حضرت مهدی(عج) است که برخی به اشتباه این کشتارها را نیز به حضرت نسبت داده، چهره ای خشن تر از ایشان نشان می دهند امّا بررسی این روایات نشان می دهد که نباید این کشتارها را به اشتباه به ایشان نسبت داد.

۳. روایات مربوط به کشتار و خونریزی هنگام ظهور

اشاره

در این بخش به بیان روایاتی می پردازیم که به دوران ظهور و حکومت حضرت بقیه الله علیه السلام اشاره دارد و در آنها چهره ای خشن و خونریز از حضرت به

۱- حلی، عزالدین حسن بن سلیمان، مختصر بصائر الدرجات، چاپ اول، نجف، الحیدریه، ۱۳۷۰ق، ص۱۷.

نمایش گذاشته شده است. البته خواهیم دید که این روایات از نظر سندی مشکل جدّی دارد و در اسناد آنها راویان دروغگو، غالی و ناشناخته وجود دارد که در ادامه به بررسی و نقد آنها خواهیم پرداخت.

۱-۳. روایات ابو بصیر

۱-۱-۳. أَخْبَرَنَا عَلِیُّ بن الْحُسَیْنِ بِإِسْنَادِهِ (قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن یَحْیَی الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بن حَسَّانَ الرَّازِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بن عَلِیٍّ الْکُوفِی) عَنْ أَحْمَدَ بن مُحَمَّدِ بن أَبِی نَصْرٍ عَنْ عَاصِمِ بن حُمَیْدٍ الْحَنَّاطِ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ قَالَ: قَالَ ابو جَعْفَرٍ علیه السلام: یَقُومُ الْقَائِمُ بِأَمْرٍ جَدِیدٍ وَ کِتَابٍ جَدِیدٍ وَ قَضَاءٍ جَدِیدٍ عَلَی الْعَرَبِ شَدِیدٌ لَیْسَ شَأْنُهُ إِلَّا السَّیْفَ لَا یَسْتَتِیبُ أَحَداً وَ لَا یَأْخُذُهُ فِی اللَّهِ لَوْمَةُ لَائِمٍ.(۱)

ابو بصیر گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: آن قائم(عج)، به امری نوین و کتابی تازه و قضایی جدید قیام خواهد نمود، بر عرب سخت گران است (یا سخت خواهد گرفت) او را کاری جز با شمشیر نیست، توبه هیچ کس را نمی پذیرد، و در کار خدا از ملامت هیچ شخص خرده گیری باک ندارد.

بررسی روایت

در سند روایت محمد بن علی کوفی وجود دارد که وی فردی بسیار بدنام و دروغگوست و علمای رجال بر بی اعتباری روایات وی حکم کرده اند. این شخص در زمان امام حسن عسکری علیه السلام می زیسته و از معاصران فضل بن شاذان بوده است. فضل بن شاذان از بزرگان رُوات شیعه و مورد توجه امام حسن عسکری علیه السلام می باشد؛ این مرد بزرگوار در وصف محمد بن علی کوفی می گوید:

۱- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، صفحه ۲۳۸، ب۱۳، ح ۱۹.

«رجلٌ كذابٌ: او مردی بسیار دروغگوست. همچنین فضل در مورد وی گفته است:كِدتُ أقنتُ عليه: نزدیک بود در قنوت نماز لعن و نفرینش کنم.»(۱)

۲-۱-۳. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بن مُحَمَّدِ بن سَعِيدٍ ابن عُقْدَةَ قَالَ: حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بن يُوسُفَ بن يَعْقُوبَ ابو الْحَسَنِ الْجُعْفِيُّ مِنْ كِتَابِهِ قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بن مِهْرَانَ قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بن عَلِيِّ بن أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِيهِ وَ وُهَيْبِ بن حَفْصٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بن عَلِيٍّ عليه السلام أَنَّهُ قَال: . . . إِذَا خَرَجَ يَقُومُ بِأَمْرٍ جَدِيدٍ وَ كِتَابٍ جَدِيدٍ وَ سُنَّةٍ جَدِيدَةٍ وَ قَضَاءٍ جَدِيدٍ عَلَى الْعَرَبِ شَدِيدٌ وَ لَيْسَ شَأْنُهُ إِلَّا الْقَتْلَ لَا يَسْتَبْقِي أَحَداً وَ لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةُ لَائِم ...؛(۲)

هنگامی که آن حضرت خروج کند، با أمری نوین و فرمانی جدید و طریقه ای نو و حکمی تازه قیام خواهد کرد، بر عرب سخت گران است، او را کاری جز کشتار نباشد، و هیچ یک را باقی نگذارد و در راه خدا سرزنش هیچ ملامت کننده ای او را تحت تأثیر قرار نمی دهد...

بررسی روایت

در سند روایت علی بن ابی حمزه بطائنی وجود دارد، این مرد یکی از سران و بزرگان واقفیه است.(۳)

شیخ طوسی نیز به واقفی بودن وی اشاره می کند.(۴) ابن غضائری نیز او را مورد

۱- طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، تصحیح حسن مصطفوی، مشهد، ۱۳۴۸ش، دانشگاه مشهد، ص۵۴۶.
۲- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص۲۶۲، ب۱۴، ح۱۳.
۳- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، چاپ ششم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسین، ۱۳۶۵ش، ص ۲۵۰.
۴- محمد بن حسن، الفهرست، ۱جلد، تصحیح جواد قیومی، قم، موسسه نشرالفقاهه، چاپ اول، ۱۴۱۷ق، ص۲۸۳.

لعن قرار داده است.(۱) بنابر این ویژگی ها، این راوی نمی تواند مورد اعتماد باشد. همچنین حسن بن علی بن ابی حمزه از دیگر راویان این روایت نیز فردی دروغگو و غالی(۲) است.(۳)

۳-۱-۳. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بن مُحَمَّدِ بن سَعِيدٍ ابن عُقْدَةَ قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بن يُوسُفَ بن يَعْقُوبَ ابو الْحَسَنِ الْجُعْفِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بن مِهْرَانَ قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بن عَلِيِّ بن أَبِی حَمْزَةَ عَنْ أَبِيهِ وَ وُهَيْبٍ عَنْ أَبِی بَصِيرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَكُنْ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْعَرَبِ وَ قُرَيْشٍ إِلَّا السَّيْفُ مَا يَأْخُذُ مِنْهَا إِلَّا السَّيْفَ وَ مَا يَسْتَعْجِلُونَ بِخُرُوجِ الْقَائِمِ وَ اللَّهِ مَا لِبَاسُهُ إِلَّا الْغَلِيظُ وَ مَا طَعَامُهُ إِلَّا الشَّعِيرُ الْجَشِبُ وَ مَا هُوَ إِلَّا السَّيْفُ وَ الْمَوْتُ تَحْتَ ظِلِّ السَّيْفِ.(۴)

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: هنگامی که قائم(عج) قیام کند میان او و عرب و قریش جز شمشیر چیزی نخواهد بود، از آنان چیزی دریافت نخواهد کرد جز شمشیر و چرا شما به فرا رسیدن زمان خروج قائم شتاب می کنید، به خدا قسم لباس او جز جامه درشت و خوراکش جز نان جوین نامطبوع نخواهد بود، و جز شمشیر چیزی در کار نیست و مرگ در سایه

۱- واسطی بغدادی، احمد بن حسین، رجال ابن غضائری، ۱جلد، تحقیق سیدمحمدرضاجلالی، چاپ اول، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۲ق، ص۸۳.

۲- غالی: کسانی هستند که در مقام ائمه علیه السلام غلو نموده، ایشان را تا سر حد مقام الوهیت رسانده اند (ابوالفتح محمد بن عبدالکریم بن ابی بکر احمد شهرستانی، الملل و النحل، تحقیق محمد سید کیلانی، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۲ق، ج۱، ص۱۷۳)

۳- طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، ص۴۴۳.

۴- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص۲۳۹، ب۱۳، ح۲۱.

شمشیر است. (جز شمشیر و مرگ در سایه آن چیزی در کار نیست)

بررسی روایت

در سند این روایت نیز علی بن ابی حمزه وجود دارد که شرح حال وی گذشت. اما دیگر راوی ضعیف این سند حسن بن علی بن ابی حمزه است که وی شخصی بسیار ضعیف، دروغگو و غالی است(۱) و علامه حلی در خلاصه الاقول، وی را واقفی می داند.(۲)

۴-۱-۳. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن مُوسَی بن الْمُتَوَکِّلِ رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِیُّ بن الْحُسَیْنِ السَّعْدَآبَادِیُّ عَنْ أَحْمَدَ بن أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِیِّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ مُحَمَّدِ بن أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ عَلِیِّ بن أَبِی حَمْزَهَ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ قَالَ: قَالَ ابو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ: (هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَ دِینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ)(۳) فَقَالَ: وَ اللَّهِ مَا نَزَلَ تَأْوِیلُهَا بَعْدُ وَ لَا یَنْزِلُ تَأْوِیلُهَا حَتَّی یَخْرُجَ الْقَائِمُ علیه السلام فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ علیه السلام لَمْ یَبْقَ کَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِیم وَ لَا مُشْرِکٌ بِالْإِمَامِ إِلَّا کَرِهَ خُرُوجَهُ حَتَّی أَنْ لَوْ کَانَ کَافِراً أَوْ مُشْرِکاً فِی بَطْنِ صَخْرَهٍ لَقَالَتْ: یَا مُؤْمِنُ! فِی بَطْنِی کَافِرٌ فَاکْسِرْنِی وَ اقْتُلْهُ.(۴)

ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام در تفسیر این قول خدای تعالی (هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَ دِینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی

۱- طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، ص۴۴۳.

۲- حلی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال(رجال)، تصحیح سید محمد صادق بحرالعلوم، چاپ دوم، قم، مکتبه الرضی، ۱۳۸۱ق، ص۲۱۳.

۳- توبه(۹)، ۳۳.

۴- ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص ۶۷۰، ب۵۸، ح۱۶.

الـدِّینِ کُلِّهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْـرِکُونَ) فرمود: به خـدا سوگنـد تأویـل این آیه هنوز نـازل نشـده است و نـازل نخواهـد شـد تـا آنکه قائم(عج) خروج کند و چون خروج کرد کافران به خدای عظیم و مشرکان به امام را ناخوش آید و اگر کافر یا مشرکی در دل صخره ای باشد، آن صخره گوید: ای مؤمن! در دل من کافری است آن را بشکن و او را بکش.

بررسی روایت

در سند این روایت نیز علی بن ابی حمزه وجود دارد که ویژگیهایش پیش از این بیان شد.

۵-۱-۳. حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بن أَحْمَدَ عَنْ عُبَیْدِ اللَّهِ بن مُوسَـی عَنِ الْحَسَنِ بن عَلِیٍّ عَنِ ابن أَبِی حَمْزَهَ عَنْ أَبِی بَصِـیرٍ فِی قَوْلِهِ(... أَمْهِلْهُمْ رُوَیْداً)(۱) لِوَقْتِ بَعْثِ الْقَائِمِ علیه السلام فَیَنْتَقِمُ لِی مِنَ الْجَبَّارِینَ وَ الطَّوَاغِیتِ- مِنْ قُرَیْشٍ وَ بنی أُمَیَّهَ وَ سَائِرِ النَّاسِ.(۲)

امام صادق علیه السـلام در تفسـیر این آیه فرمودند که این (مهلت) برای زمان قیام قائم(عج) است؛ پس انتقام مرا از زورگویان و طاغوت قریش و بنی امیه و سائر مردم دیگر می گیرد.

بررسی روایت

در سند روایت علی بن ابی حمزه و حسن بن علی بن ابی حمزه وجود دارد که شرح حال هر دو پیش از این بیان شده.

۶-۱-۳. عَنْهُ (فضل بن شاذان) عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بن أَبِی هاشِمٍ عَنْ

۱- طارق(۸۶)، ۱۷.

۲- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیرقمی، تصحیح سید طیب موسوی جزائری، قم، مکتبه العلامه، ۱۳۸۷ق، ج۲، ص۴۱۶.

عَلِيِّ بن أَبِی حَمْزَةَ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ فِی حَدِیثٍ لَهُ اخْتَصَرْنَاهُ قَال: ... ثُمَّ یَتَوَجَّهُ إِلَی الْكُوفَهِ فَیَنْزِلُهَا وَ تَكُونُ دَارُهُ وَ یُبَهْرِجُ سَبْعِینَ قَبِیلَةً مِنْ قَبَائِلِ الْعَرَب؛(۱)

... سپس قائم(عج) به سوی کوفه می رود و در آن جا سکنی می گزیند و آن جا منزلش میشود و هفتاد قبیله از قبائل عرب را می کشد.

بررسی روایت

در سند این روایت نیز علی بن ابی حمزه وجود دارد که پیش از این درباره او گفته شد.(۲)

۷-۱-۳. وَ حَدَّثَنَا عَلِیُّ بن أَحْمَدَ عَنْ عُبَیْدِ اللَّهِ بن مُوسَی عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بن جَبَلَهَ عَنِ الْحَسَنِ بن عَلِیِّ بن أَبِی حَمْزَهَ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ قَالَ: سَمِعْتُ ابا جَعْفَرٍ الْبَاقِرَ علیه السلام یَقُولُ: فِی صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ سُنَنٌ مِنْ أَرْبَعَهِ أَنْبِیَاء... قُلْتُ: وَ مَا سُنَّهُ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله؟ قَالَ: إِذَا قَامَ سَارَ بِسِیرَهِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِلَّا أَنَّهُ یُبَیِّنُ آثَارَ مُحَمَّدٍ وَ یَضَعُ السَّیْفَ عَلَی عَاتِقِهِ ثَمَانِیَهَ أَشْهُرٍ هَرْجاً هَرْجاً حَتَّی رَضِیَ اللَّهُ قُلْتُ: فَكَیْفَ یَعْلَمُ رِضَا اللَّهِ؟ قَالَ: یُلْقِی اللَّهُ فِی قَلْبِهِ الرَّحْمَه.(۳)

ابو بصیر گوید: شنیدم امام باقر علیه السلام می فرمود: «در صاحب این امر روشها و شیوه هایی از چهار پیامبر است... پس عرض کردم: سنّت محمّد صلی الله علیه و آله کدام است؟ فرمود: چون قیام کند، همچون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رفتار خواهد کرد، جز اینکه او آثار رسول خدا صلی الله علیه و آله را

۱- طوسی، محمد بن حسن، غیبت طوسی، چاپ اول، قم، موسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ق، ص۴۷۵.

۲- رک: ص۱۷.

۳- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص۱۶۸، ب۱۰، ح۵.

روشن می سازد و شمشیر برگردن خویش حمایل ساخته، هشت ماه به شدّت کُشت و کُشتار می کند تا اینکه خدا راضی شود، پرسیدم: چگونه از رضایت خاطر خداوند آگاه می گردد؟ فرمود: خداوند به دل او رحمت می اندازد».

بررسی روایت

در سند روایت حسن بن علی بن ابی حمزه وجود دارد که پیش از این توصیف شد. این روایت افزون بر مشکل سندی از نظر متنی نیز مشکل دارد؛ زیرا مضمون آن با روایات درستی که سیره حضرت مهدی(عج) را همان سیره پیامبر صلی الله علیه و آله نشان می دهد و ایشان را همچون پیامبر صلی الله علیه و آله مظهر رحمت معرفی می کند، مخالف است.

۸-۱-۳. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بن مُحَمَّدِ بن سَعِيدٍ قَالَ: حَدَّثَنَا ابو عَبْدِ اللَّهِ يَحْيَى بن زَكَرِيَّا بن شَيْبَانَ عَنْ يُونُسَ بن كُلَيْبٍ عَنِ الْحَسَنِ بن عَلِيِّ بن أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ ابو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: ... يُجَرِّدُ السَّيْفَ عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ يَقْتُلُ هَرْجاً فَأَوَّلُ مَا يَبْدَأُ بِبَنِي شَيْبَةَ فَيَقْطَعُ أَيْدِيَهُمْ وَ يُعَلِّقُهَا فِي الْكَعْبَةِ وَ يُنَادِي مُنَادِيهِ هَؤُلَاءِ سُرَّاقُ اللَّهِ ثُمَّ يَتَنَاوَلُ قُرَيْشاً فَلَا يَأْخُذُ مِنْهَا إِلَّا السَّيْفَ وَ لَا يُعْطِيهَا إِلَّا السَّيْف.(۱)

ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: ... و هشت ماه شمشیر برهنه بر دوش دارد و بی باکانه می کشد، نخستین مرحله شروعش با بنی شبیه است (پرده داران خانه کعبه) پس دستهای ایشان را می برد و آنها را در کعبه می آویزد و منادی آن حضرت اعلام می کند: اینان دزدان خدایند، سپس به قریش می پردازد، از ایشان جز شمشیر دریافت نمی کند و به ایشان جز شمشیر ارزانی نمی دارد.

۱- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص۳۱۹-۳۲۱، ب۱۹، ح۲۱.

(فقط شمشیر ردّ و بدل می کند)

بررسی روایت

در سند روایت یونس کلیب وجود دارد که وی فردی ناشناخته است، همچنین حسن بن علی و پدرش دو تن از روات بسیار ضعیف و واقفی مذهب هستند که ویژگی هایشان بیان شد.

۲-۳. روایات ابو هریره

تعداد دیگری از این روایات ضعیف از فردی به نام ابوهریره نقل شده است. یکی از مسائلی که بسیاری از علمای رجال اهل سنت بر آن اتفاق نظر دارند، این است که ابوهریره مدلِّس(۱) بود و سخنی که از دیگران می شنید را به رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت می داد. ذهبی از بزرگترین رجالیون اهل سنت در شرح حال ابوهریره می نویسد:

قالَ یزیدُ بن هارونَ: «سَمِعتُ شُعبَهَ یقولُ: کانَ أبوهُریره یدلِّسُ(۲)». ابوهریره تدلیس می کرد.

همچنین ابن ابی الحدید به نقل از استادش ابوجعفر اسکافی می نویسد: «عَن علی أنّه قالَ: ألا إنّ أکذَبَ النّاسِ – أو قالَ: أکذبَ الأحیاءِ- عَلی رسولِ الله أبوهریرةُ الدّوسی». از امیرمؤمنان علیه السلام روایت شده است که فرمود: آگاه باشید

۱- تدلیس: عملی که راوی خواسته است با دست بردن در حدیث عیبی که در سند حدیث است را مخفی کند (محمدرضا، جدیدی نژاد، معجم مصطلحات الرجال و الدرایه، ۱جلد، قم، دارالحدیث، چاپ اول، ۱۴۲۲ق، ص۳۸).

۲- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان، سیر اعلام النبلاء، چاپ سوم، بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۰۵ق، ج۲، ص۶۰۸.

که دروغگوترین مردم بر رسول خدا صلی الله علیه و آله ابو هریره می باشد.(۱)

اکنون به ذکر روایاتی که از این شخص نقل شده، می پردازیم:

۱-۲-۳. حَدَّثَنَا ابو بَکْرِ بن أَبِی النَّضْرِ، حَدَّثَنَا ابو النَّضْرِ قَالَ: حَدَّثَنِی الْمُرَجَّی بن رَجَاءٍ الْیَشْکُرِیُّ، حَدَّثَنَا عِیسَی بن هِلَالٍ، عَنْ بَشِیرِ بن نَهِیکٍ قَالَ: سَمِعْتُ ابا هُرَیْرَهَ، یَقُولُ: حَدَّثَنِی خَلِیلِی ابا الْقَاسِمِ صلی الله علیه و آله قَالَ: «لَا تَقُومُ السَّاعَهُ حَتَّی یَخْرُجَ عَلَیْهِمْ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَیْتِی، فَیَضْرِبَهُمْ حَتَّی یَرْجِعُوا إِلَی الْحَقِّ». قَالَ: قُلْتُ: وَکَمْ یَکُونُ؟ قَالَ: «خَمْسٌ، وَاثْنَانِ». قَالَ: قُلْتُ: مَا خَمْسٌ وَاثْنَانِ؟ قَالَ: لَا أَدْرِی.(۲)

ابوهریره می گوید که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: قیامت برپا نمی شود تا اینکه مردی از اهلبیت من به سوی آنها قیام می کند، سپس آن قدر آنها را می زند تا اینکه به سوی حق بازگردند. می گوید که گفتم: که چه قدر می باشد؟ فرمود: پنج ودو. گفتم: پنج و دو چیست؟ فرمود: نمی دانم.

۲-۲-۳. غُنْدَرٌ، عَنْ شُعْبَهَ، عَنْ سِمَاکٍ، عَنْ أَبِی الرَّبِیعِ، عَنْ أَبِی هُرَیْرَهَ، قَالَ: وَیْلٌ لِلْعَرَبِ مِنْ شَرٍّ قَدِ اقْتَرَبَ: إِمَارَهُ الصِّبْیَانِ ؛ إِنْ أَطَاعُوهُمْ أَدْخَلُوهُمُ النَّارَ , وَإِنْ عَصَوْهُمْ ضَرَبُوا أَعْنَاقَهُمْ؛(۳)

وای بر حال عرب از بدی و شری که نزدیک شده است: زمامداری کودکان؛ اگر آنها را اطاعت کنند، ایشان آنها را به

۱- عبدالحمید بن هبهالله، ابن أبی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق، ج۴، ص۶۸.

۲- تمیمی، ابی یعلی موصل احمد بن علی، مسند ابی یعلی، تحقیق حسین سلیم اسد، چاپ اول، دمشق، دارالمامون للتراث، ۱۴۰۴ ق، ج۱۲، ص۱۹، ح۶۶۶۵.

۳- ابو بکر عبدالله بن محمد، ابن ابی شیبه، المصنف فی الأحادیث والآثار، تحقیق کمال یوسف الحوت، چاپ اول، الریاض، مکتبه الرشد، ۱۴۰۹ق، ج۷، ص ۴۶۱، ح۳۷۲۳۶.

آتش وارد می کنند و اگر عصیان و نافرمانی کنند، گردن آنها را می زنند.

۳-۲-۳. حِدَّثَنَا ابن نُمَیْرٍ عَنْ حَنْظَلَهَ قَالَ: سَمِعْتُ سَالِمًا قَالَ سَمِعْتُ ابا هُرَیْرَهَ یَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: یُقْبَضُ الْعِلْمُ وَ یَظْهَرُ الْفِتَنُ وَ یَکْثُرُ الْهَرْجُ. قِیلَ: یَا رَسُولَ اللَّهِ! وَمَا الْهَرْجُ؟ قَالَ: الْقَتْلُ.(۱)

ابوهریره می گوید که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: وای بر حال عرب از بدی و شری که نزدیک شده است، علم کم میشود و هرج زیاد می شود. گفتم: ای رسول خدا هرج چیست؟ فرمود: همان قتل و کشتار است.

۴-۲-۳. عَنْ أَبِی هُرَیْرَهَ أن رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: لَا تَقُومُ السَّاعَهُ حَتَّی یُقَاتِلَ الْمُسْلِمُونَ الْیَهُودَ فَیَقْتُلَهُمْ الْمُسْلِمُونَ حَتَّی یَخْتَبِئَ الْیَهُودِیُّ وَرَاءَ الْحَجَرِ أَوْ الشَّجَرِهِ فَیَقُولُ الْحَجَرُ أَوْ الشَّجَرُ: یَا مُسْلِمُ! یَا عَبْدَ اللَّهِ! هَذَا یَهُودِیٌّ خَلْفِی فَتَعَالَ فَاقْتُلْهُ إِلَّا الْغَرْقَدَ فَإِنَّهُ مِنْ شَجَرِ الْیَهُودِ؛(۲)

قیامت برپا نمی شود تا اینکه مسلمانان با یهودیان به جنگ بپردازند، سپس مسلمانان به کشتار آنها می پردازند به طوریکه یهودیان پشت سنگ یا درخت پنهان می شوند، سپس آن سنگ یا درخت می گوید: ای مسلمان ای بنده خدا، همانا این یهودی است که پشت من پنهان است؛ پس بیا و او را بکش به جز غرقد(۳) ، زیرا که آن درخت از یهودیان است.

۱- شیبانی، احمد بن حنبل، مسند احمد، بیروت، دارالفکر، بیتا، ج۳، ص۵۳۶.

۲- شیبانی، احمد بن حنبل، مسند احمد، بیروت، دارالفکر، بیتا، ج۲، ص۴۱۷.

۳- غرقد: درخت بزرگی است که از خانواده بوته های خاردار است. (محمد بن مکرم، ابن منظور، لسان العرب، تحقیق جمال الدین میردامادی، چاپ سوم، بیروت، دار الفکر للطباعه و النشر و التوزیع- دار صادر، ۱۴۱۴ق، ج۳، ص۳۳۵).

۵-۲-۳. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن الصَّبَّاحِ قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ يَعْنِى ابن زَكَرِيَّا عَنْ سُهَيْلٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِى هُرَيْرَةَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله علیه و آله: لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَعُودَ أَرْضُ الْعَرَبِ مُرُوجًا وَأَنْهَارًا وَحَتَّى يَسِيرَ الرَّاكِبُ بَيْنَ الْعِرَاقِ وَمَكَّةَ لَا يَخَافُ إِلَّا ضَلَالَ الطَّرِيقِ وَحَتَّى يَكْثُرَ الْهَرْجُ. قَالُوا: وَمَا الْهَرْجُ يَا رَسُولَ اللَّهِ ؟قَالَ: الْقَتْلُ.(۱)

ابوهریره گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: قیامت برپا نمی شود تا اینکه زمین عرب به مرغزارها و رودها تبدیل شود و تا اینکه سواره ای بین عراق و مکه سیر نمیکند و از چیزی نمیترسد مگر از گم شدن در راه و تا اینکه هرج زیاد شود. گفتند: ای رسول خدا هرج چیست؟ فرمود که قتل است.

یک اشکال و پاسخ:

ممکن است اشکال شود که با توجه به وجود کلمه «الساعه» در روایات پیشین، این روایات به قیامت مربوط است و به دوران ظهور امام ربطی ندارد؛ اما در پاسخ می گوییم که در متن روایت آمده است که این قتل و کشتار پیش از برپایی قیامت است و مسلماً دوران ظهور حضرت نیز از مصداق های آشکار پیش از قیامت می باشد. همچنین عنوان این روایات در کتاب های حدیثی (بلاد العرب فی عصر ظهور الامام مهدی(عج)) آمده است.

۳-۳. روایات مفضل بن عمر

مفضل بن عمر کسی است که هم مدح او را گفته اند و هم مورد طعن و سرزنش قرار گرفته؛ شیخ مفید درباره وی می گوید: او از شیوخ اصحاب امام صادق علیه السلام و از ثقات فقهای صالح می باشد ولی نجاشی درباره او می گوید: او

۱- شیبانی، احمد بن حنبل، مسند احمد، ج۲، ص ۳۷۰.

فردی فاسد المذهب و مضطرب الروایه است؛[(۱)] اما بنابر قاعده مورد قبول رجال در تعارض بین مدح و ذم، ذم مقدم می باشد.[(۲)] بنابراین وی فردی غیر قابل قبول است.

۱-۳-۳. وَ بِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بن عَلِیٍّ الْکُوفِیِّ قَالَ: حَدَّثَنَا یُونُسُ بن یَعْقُوبَ عَنِ الْمُفَضَّلِ بن عُمَرَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: مَا عَلَامَهُ الْقَائِمِ؟ قَالَ: إِذَا اسْتَدَارَ الْفَلَکُ فَقِیلَ: مَاتَ أَوْ هَلَکَ؟ فِی أَیِّ وَادٍ سَلَکَ؟ قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاکَ، ثُمَّ یَکُونُ مَا ذَا؟ قَالَ: لَا یَظْهَرُ إِلَّا بِالسَّیْفِ....[(۳)]

مفضّل بن عمر گوید: «به امام صادق علیه السلام عرض کردم: نشانه قائم(عج) چیست؟ فرمود: آنگاه روزگار گردش کند و گویند: او مرده یا هلاک شده؟ در کدامین سرزمین می گردد (به سر می برد)؟ عرض کردم: فدایت شوم سپس چه خواهد شد؟ فرمود: ظهور نمی کند مگر با شمشیر».

بررسی روایت

در سند این روایت افزون بر مفضل بن عمر، محمد بن علی کوفی وجود دارد که وی نیز شخصی ضعیف است و شرح حالش پیش از این بیان شده است.

۲-۳-۳. أَخْبَرَنَا عَبْدُ الْوَاحِدِ بن عَبْدِاللَّهِ قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بن مُحَمَّدِ بن رَبَاحٍ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن الْعَبَّاسِ بن عِیسَی قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بن عَلِیٍّ الْبَطَائِنِیُّ عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْمُفَضَّلِ قَالَ: سَمِعْتُ ابا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یَقُولُ: إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ بَیْتاً یُقَالُ لَهُ بَیْتُ الْحَمْدِ

۱- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص۴۱۶.

۲- رک: کاظم، شانه چی، درایه الحدیث، ص۱۱۷-۱۱۸.

۳- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص۱۵۹، ب۱۰، ح۱۹.

فِيهِ سِرَاجٌ يَزْهَرُ مُنْذُ يَوْمَ وُلِدَ إِلَى يَوْمٍ يَقُومُ بِالسَّيْفِ لَا يُطْفَأُ.(۱)

مفضّل گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرماید: «همانا صاحب این امر را خانه ای است که بدان «خانه حمد» گویند، در آن جا چراغی است که روشنی می بخشد و از آن هنگام که (صاحب امر) زاده شده تا روزی که با شمشیر قیام کند، خاموش نخواهد شد».

بررسی روایت

در سند روایت افزون بر مفضل، راویان ضعیف دیگری همچون ابن ابی حمزه و حسن بن علی بن ابی حمزه هستند که درباره آنها پیش از این سخن به میان آمد.

۳-۳-۳. حمدویه قالَ: حَدَّثَنَا محمدٌ بن عیسی عن یونسِ بن عَبْدِ الرَّحْمَنِ عن یحیی الحلبی عَنِ الْمُفَضَّلِ بن عُمَرَ قال: سمعتُ ابا عبدِ الله علیه السلام یقولُ: لو قامَ قائِمُنا بَدأَ بِکَذّابی الشّیعه فَقَتَلَهُم؛(۲)

چنانچه قائم(عج) قیام کند، ابتدا به دروغگویان شیعه می پردازد و آنها را به قتل می رساند.

نکته

آنچه با عقل به نظر می رسد این است که کشتن هر دروغگویی درست به نظر نمی رسد و با سیره حضرت سازگاری ندارد، زیرا امام مظهر رحمت است؛ بنابراین ابتدا روشنگری کرده، سپس وارد جنگ می شود و نااهلان را از بین می برد.

۴-۳-۳. حَدَّثَنَا علیٌ بن حاتَم، عَن حَسنِ بن محمَّد بن عبدِ الواحِد، عَن حَفصِ بن عُمر بن سالِم، عَن محمّدِ بن حُسینِ بن عجلان، عَن مُفضَّلِ بن عُمَر قالَ:سأَلتُ ابا عَبدِ اللهِ علیه السلام عَن قَولِ اللهِ عزَّ وجلَّ:

۱- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص۲۴۵، ب۱۳، ح۳۱.

۲- محمد بن حسن، طوسی، اختیار معرفه الرجال، ص۲۹۹، ش ۵۳۳.

(وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ العَذَابِ الاَدنَى دُونَ العَذَابِ الاكبرِ)(۱) قالَ: «الاَدنى غِلاءُ السِّعر، والاَكبَرُ المَهدىُّ بِالسِّيفِ».(۲)

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه می فرمایـد: عذاب ناچیزتر گرانی و بالارفتن قیمت هاست و امّا عذاب بزرگتر (قیام) مهدی(عج) با شمشیر.

۴-۳. روایات ابوجارود

دیگر راوی ضعیفی که در اسناد این روایات ضعیف وجود دارد، فردی به نام أبوجارود است، که مذهب زیدیه دارد.(۳) امام باقر علیه السلام به این فرد نسبت سرحوب را داده است. سرحوب نام شیطانی کور است که در دریا زندگی می کند.(۴)

۱-۴-۳. وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بن مُحَمَّدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ ابن حُمْرَانَ الْمَدَائِنِیُ، عَنْ عَلِیِّ بن أَسْبَاطٍ، عَنِ الْحَسَنِ بن بَشِیرٍ، عَنْ أَبِی الْجَارُودِ، عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام، قَال: فَیَضَعُ السَّیْفَ فِیهِمْ عَلَی ظَهْرِ النَّجَفِ عَشِیَّةَ الْإِثْنَیْنِ مِنَ الْعَصْرِ إِلَی الْعِشَاءِ، فَیَقْتُلُهُمْ أَسْرَعَ مِنْ جَزْرِ جَزُورٍ، فَلَا یَفُوتُ مِنْهُمْ رَجُلٌ، وَ لَا یُصَابُ مِنْ أَصْحَابِهِ أَحَدٌ، دِمَاؤُهُمْ قُرْبَانٌ إِلَی اللَّهِ. ثُمَّ یَدْخُلُ الْکُوفَهَ فَیَقْتُلُ مُقَاتِلِیهَا حَتَّی یَرْضَی اللَّهُ (عَزَّ وَ جَلَّ)... وَ یَفْتَحُ اللَّهُ عَلَیْهِ شَرْقَ الْأَرْضِ وَ غَرْبَهَا، یُقْتَلُ النَّاسُ حَتَّی لَا یُرَی إِلَّا دَیْنُ مُحَمَّدٍ (صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ).(۵)

۱- سجده(۳۲)، ۲۱.

۲- ابن جحام، محمد بن عباس بزاز، تاویل ما نزل من القرآن الکریم فی النبی وآله، تحقیق فارس تبریزیان، چاپ اول، قم، الهادی، ۱۴۲۰ق، ص۲۴۲، ح۲۲۵.

۳- طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، ص۲۰۴.

۴- طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، ص۲۲۹.

۵- طبری، محمد بن جریر، دلائل الامامه، چاپ سوم، قم، مکتبه الرضی، ۱۳۶۳ش، ص۲۴۱، ح۴۳۵.

ابو جارود به نقل از امام صادق علیه السلام می گوید: سپس شمشیر را بر روی آنها می کشد تا پشت کوفه از عصرگاه دوشنبه تا شامگاه، سپس آنها را سریع تر از ذبح کردن حیوان قربانی می کشد، سپس هیچ یک از مردان ایشان طوری نمی شود، همانا خونهای آنها قربانی برای خداست. سپس به کوفه داخل می شود و آن قدر از سپاه آن جا را می کشد تا خدا راضی شود... و خداوند شرق و غرب زمین را برای او می گشاید و آن قدر از مردم می کشد که جز دین محمد باقی نمی ماند.

بررسی روایت

در سند روایت افزون بر ابوجارود، علی بن اسباط کوفی نیز وجود دارد که وی درآغاز فردی فطحی بوده است.(۱) اما در اینکه آیا او از مذهب فطحی به سوی حق بازگشته یا خیر اختلاف است.

۲-۴-۳. (مرسلًا) وَ رَوَی ابو الْجَارُودِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی حَدِیثٍ طَوِیلٍ أَنَّهُ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ علیه السلام سَارَ إِلَی الْکُوفَهِ فَیَخْرُجُ مِنْهَا بِضْعَهَ عَشَرَ أَلْفَ نَفْسٍ یُدْعَوْنَ الْبُتْرِیَّهَ عَلَیْهِمُ السِّلَاحُ فَیَقُولُونَ لَهُ ارْجِعْ مِنْ حَیْثُ جِئْتَ فَلَا حَاجَهَ لَنَا فِی بنی فَاطِمَهَ فَیَضَعُ فِیهِمُ السَّیْفَ حَتَّی یَأْتِیَ عَلَی آخِرِهِمْ ثُمَّ یَدْخُلُ الْکُوفَهَ فَیَقْتُلُ بِهَا کُلَّ مُنَافِقٍ مُرْتَابٍ وَ یَهْدِمُ قُصُورَهَا وَ یَقْتُلُ مُقَاتِلَتَهَا حَتَّی یَرْضَی اللَّهُ عَزَّ وَ عَلا.(۲)

ابو الجارود از امام باقر علیه السلام در حدیثی طولانی روایت کند که فرمود: چون قائم(عج) قیام کند بسوی کوفه رهسپار شود، پس

۱- طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، ص۵۶۲.

۲- محمد بن نعمان، مفید، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ص۳۶۴.

متجاوز از ده هزار نفر از آن جا بیرون آیند که آنها را بتریه(۱) گویند و همگی سلاح جنگ بر تن دارند، و گویند: از همان جا که آمده ای بازگرد که ما نیازی به اولاد فاطمه نداریم، آن جناب شمشیر در ایشان نهد تا همه آنان را نابود سازد، سپس داخل کوفه شود و هر منافق دو دلی را بکشد، و قصرهای آن جا را ویران کند و جنگجویانش را بکشد تا خدای عزوجلّ خوشنود گردد.

بررسی روایت

علاوه بر وجود ابوجارود در سند، این روایت مرسل نیز می باشد.

۳-۴-۳. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن هَمَّام وَ مُحَمَّدُ بن الْحَسَنِ بن جُمْهُورٍ جَمِيعاً عَنِ الْحَسَنِ بن مُحَمَّدِ بن جُمْهُورٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سُلَيْمَانَ بن سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنِ الْقَاسِمِ بن الْوَلِيدِ الْهَمْدَانِي عَنِ الْحَارِثِ الْأَعْوَرِ الْهَمْدَانِيِّ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: بِأَبِي ابن خِيَرَهِ الْإِمَاءِ يَعْنِي الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِهِ علیه السلام يَسُومُهُمْ خَسْفاً وَ يَسْقِيهِمْ بِكَأْسٍ مُصَبَّرَهٍوَ لَا يُعْطِيهِمْ إِلَّا السَّيْفَ هَرْجاً فَعِنْدَ ذَلِكَ تَتَمَنَّى فَجَرَهُ قُرَيْشٍ لَوْ أَنَّ لَهَا مُفَادَاهً مِنَ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا لِيُغْفَرَ لَهَا لَا نَكُفُّ عَنْهُمْ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ.(۲)

حارث بن عبد اللّه أعور همدانی گوید: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «پدرم فدای فرزند برگزیده کنیزان- یعنی قائم فرزندانش(عج) - که آنان را خوار می سازد و جام شرنگ به ایشان می نوشاند و به آنان جز شمشیر خونریز مرگ آفرین نخواهد داد، پس در این هنگام زشتکاران قریش آرزو می کنند که ای کاش دنیا و هر آنچه در آن است، از آن ایشان بود و آن را فدا می دادند تا گناهانشان

۱- بتریه: یک دسته از زیدیه هستند که به کثیرالنواء منسوبند و او معروف به أبتر بوده است (ابوالفتح محمد بن عبدالکریم بن ابی بکر احمد شهرستانی، الملل و النحل، ج۱، ص۱۶۱).

۲- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص۲۳۴-۲۳۵، ب۱۳، ح۱۱.

بخشوده شود ولی دست از ایشان برنخواهیم داشت تا آنکه خداوند راضی شود».

بررسی روایت

این روایت مهمل(۱) نیز می باشد، زیرا یکی از روات سند به نام قاسم بن ولید همدانی نه اسمش در کتب رجالی موجود است و نه ویژگی های وی، همچنین محمد بن حسن بن جمهور که بنابر نظر آیت الله خویی همان محمد بن جمهور است(۲)، شخصی فاسدالمذهب و ضعیف است.(۳)

۵-۳. روایات مرفوعه، مرسل و غیر مسند

دسته دیگری از این روایات ضعیف از احادیث مرفوع(۴)، مرسل(۵) و غیر مسند است که در اصطلاح برخی از این دسته احادیث، روایاتی هستند که از وسط یا آخر سلسله سند آن یک یا چند نفر از راویان افتاده باشند، ولی راوی تصریح به رفع نماید و برخی دیگر روایاتی هستند که در سند آنها الفاظ مبهمی چون عن رجل و ... به کار رفته است که اینها باعث ضعف این روایات گردیده و آنها را غیر قابل اعتماد می کند. اکنون به بیان و بررسی این روایات می پردازیم:

۱- مهمل: حدیثی است که در سلسله سند آن، نام برخی از راویان در کتب رجالی ذکر نشده باشند(کاظم، شانه چی، درایه الحدیث، ص۸۸).

۲- موسوی خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، چاپ سوم، قم، مدینه العلم، ۱۴۰۳ ق، ج۱۵، ص۱۷۸

۳- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص۳۳۷ .

۴- مرفوع: حدیثی که از وسط یا آخر سلسله سند آن یک یا چند نفر از راویان افتاده باشند لکن راوی تصریح به رفع نماید. (کاظم، شانه چی، درایه الحدیث، ص۵۸).

۵- مرسل:روایتی که در سند آن افتادگی بیش از یک نفر رخ داده باشد (کاظم، شانه چی، درایه الحدیث، ص ۸۰).

۱-۵-۳. عَن أَميرِ المُؤمنينَ علی بن أَبی طالبٍ علیه السلام: ... فَیُکَبِّرُ المُسلمونَ ثَلاثَ تَکبیراتٍ، فَتکونُ کَالرَّملَهِ عَلی نَشَزٍ فَیَدخُلونَها، فَیقتُلونَ بِها خَمسَ مِائهِ أَلفِ مُقاتِلٍ، ویَقتَسِمونَ الأَموالَ، حتّی یَکونَ النّاسُ فی الفَیء شَیئاً واحِداً، لِکُلِ إنسانٍ مِنهم مِائهُ ألفِ دینارٍ، ومائهُ رأسٍ، ما بَینَ جاریهٍ وغلامٍ؛ (۱)

...پس مسلمانان، سه تکبیر می گویند و مانند ریگ و شن های روانی که از بلندی ها فرو می ریزند، داخل [روم] می شوند و در آن جا، پانصد هزار جنگجو را می کشند و غنائم و اموال را به طور مساوی تقسیم می کنند، و به هر یک از آنان، صد هزار دینار و صد کنیز و یا غلام می رسد.

بررسی روایت

این روایت مرسل است. افزون بر مشکل سندی از نظر محتوا و مضمون نیز قابل اعتماد نیست. آشکار است که جاعلان اینگونه احادیث در خدمت حکومت های جائر بوده اند و برای توجیه پاره ای جنگ های پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و قتل عام ها و کشتار های زیادی که انجام شد، این چنین مجعولاتی را به کتاب های روایی وارد کرده اند.

۲-۵-۳. وَ فِی حَدِیثِ مُقَاتِلٍ عَنْ زَیْنِ الْعَابِدِینَ علیه السلام عَنْ أَبِیهِ علیه السلام: ... یَا وَلَدِی، یَا عَلِیُّ! وَ اللَّهِ لَا یَسْکُنُ دَمِی حَتَّی یَبْعَثَ اللَّهُ الْمَهْدِیَّ فَیَقْتُلَ عَلَی دَمِی مِنَ الْمُنَافِقِینَ الْکَفَرَهِ الْفَسَقَهِ سَبْعِینَ أَلْفا.(۲)

۱- مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر، تحقیق عبدالفتاح محمد الحلو، چاپ اول، قم، مسجد مقدس جمکران - نصایح، ۱۴۱۶ق، ص ۱۸۹-۱۹۱ ب۹، ف۱.

۲- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل أبی طالب علیه السلام، چاپ اول، قم، علامه، ۱۳۷۹ق، ج۴، ص۸۵.

امام حسین علیه السلام به امام سجاد علیه السلام فرمودند: ای فرزندم ای علی جان! به خدا سوگند همانا خون من آرام نمی گیرد (همواره می جوشد) تا اینکه خدا مهدی(عج) را برانگیزد و به انتقام خون من هفت هزار نفر از منافقان کافر فاسق را بکشد.

بررسی روایت

این روایت نیز مرسل بوده و قابل اعتماد نیست.

۳-۵-۳. عَن ابی جَعفرٍ: لَو قَد قامَ قائِمُنا بَدَأَ بِالَّذینَ یَنتَحِلونَ حُبَّنا، فَیَضرِبُ أَعناقَهم. (۱)

امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر قائم علیه السلام قیام کند، ابتدا از کسانی شروع می کند که به دروغ ادعای محبت ما را دارند، پس گردن آنها را می زند.

بررسی روایت

این روایت نیز مرسل بوده و قابل اعتماد نیست.

۳-۵-۴. مَا رَوَیْنَاهُ بِإِسْنَادِنَا إِلَی جَدِّی أَبِی جَعْفَرٍ الطُّوسِیِّ عَنْ جَمَاعَهٍ عَنْ هَارُونَ بن مُوسَی التَّلَّعُکْبَرِیِّ عَنِ ابن هَمَّام عَنْ جَمِیلٍ عَنِ الْقَاسِمِ بن إِسْمَاعِیلَ عَنْ أَحْمَدَ بن رِیَاح عَنْ أَبِی الْفَرَجِ أَبَانِ بن مُحَمَّدٍ الْمَعْرُوفِ بِالسِّنْدِی نَقَلْنَاهُ مِنْ أَصْلِهِ قَال. . . قَال (ابا عبدالله): ... کَأَنِّی وَ اللَّهِ صُفْرُ الْقَدَمَیْنِ خَمْشُ السَّاقَیْنِ ضَخْمُ الْبَطْنِ رَقِیقُ الْعُنُقِ ضَخْمُ الرَّأْسِ عَلَی هَذَا الرُّکْنِ وَ أَشَارَ بِیَدِهِ إِلَی الرُّکْنِ الْیَمَانِیِّ یَمْنَعُ النَّاسَ مِنَ الطَّوَافِ حَتَّی یَتَذَعَّرُوا مِنْهُ قَال ثُمَّ یَبْعَثُ اللَّهُ لَهُ رَجُلًا مِنِّی وَ أَشَارَ

۱- ازدی نیشابوری، ابو محمد فضل بن شاذان، الایضاح، چاپ اول، بیروت، موسسه الاعلمی، ۱۴۰۲ق، ص۲۰۸-۲۰۹.

بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ فَيَقْتُلُهُ قَتْلَ عَادٍ وَ ثَمُودَ وَ فِرْعَوْنَ ذِی الْأَوْتَاد. (۱)

امام صادق علیه السلام فرمودند: پس خداوند مردی را از خاندان من بر می انگیزد (و با دستانش به سینه اش اشاره کرد) پس او را همچون کشتن قوم عاد و ثمود و فرعون دارنده میخ ها می کشد.

بررسی روایت

در سند این روایت لفظ مبهم «جماعه» وجود دارد که باعث ارسال و ضعف آن گردیده است، افزون بر آن احمد بن رباح در کتب رجال توصیف و توثیق نشده است؛ بنابراین این حدیث مجهول نیز می باشد.

۵-۵-۳. وَ بِهِ (حَدَّثَنَا ابو سُلَیْمَانَ أَحْمَدُ بن هَوْذَهَ قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِیمُ بن إِسْحَاقَ النَّهَاوَنْدِی) عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بن حَمَّادٍ عَنِ ابن أَبِی حَمْزَهَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ نَزَلَتْ سُیُوفُ الْقِتَالِ عَلَى کُلِّ سَیْفٍ اسْمُ الرَّجُلِ وَ اسْمُ أَبِیهِ؛(۲)

هنگامی که حضرت قائم(عج) قیام می کند، شمشیرهای جنگی فرود می آید که بر هر شمشیر نام مردی معین و نام پدرش نوشته شده است.

بررسی روایت

این روایت افزون بر وجود علی بن ابی حمزه که ویژگی آن پیش از این آمده است، مرسل نیز می باشد؛ زیرا علی بن ابی حمزه بدون واسطه و به صورت مستقیم از امام صادق علیه السلام نقل روایت می کند در صورتیکه باید بین وی و امام صادق علیه السّلام واسطه وجود داشته باشد.

۱- ابن طاووس، علی بن موسی، اقبال الاعمال، تعلیق شیخ حسین اعلمی، چاپ اول، بیروت، موسسه الاعلمی، ۱۴۱۷ق، ص ۵۸۲.

۲- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص ۲۵۱-۲۵۲، ب ۱۳، ح ۴۵.

۶-۵-۳. ابو الْقَاسِمِ الشَّعْرَانِيُّ يَرْفَعُهُ عَنْ يُونُسَ بن ظَبْيَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بن الْحَجَّاجِ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ أَتَى رَحْبَهَ الْكُوفَهِ فَقَالَ بِرِجْلِهِ هَكَذَا وَ أَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى مَوْضِعٍ ثُمَّ قَالَ: احْفِرُوا هَاهُنَا فَيَحْفِرُونَ فَيَسْتَخْرِجُونَ اثْنَيْ عَشَرَ أَلْفَ دِرْعٍ وَ اثْنَيْ عَشَرَ أَلْفَ سَيْفٍ وَ اثْنَيْ عَشَرَ أَلْفَ بَيْضَهٍ لِكُلِّ بَيْضَهٍ وَجْهَيْنِ ثُمَّ يَدْعُو اثْنَيْ عَشَرَ أَلْفَ رَجُلٍ مِنَ الْمَوَالِي مِنَ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ فَيُلْبِسُهُمْ ذَلِكَ ثُمَّ يَقُولُ مَنْ لَمْ يَكُنْ عَلَيْهِ مِثْلُ مَا عَلَيْكُمْ فَاقْتُلُوه.(۱)

امام صادق علیه السلام می فرماید: قائم(عج) هنگام قیام به محلی در کوفه به نام «رحبه» وارد می شود، با پا و دست خود به مکانی اشاره می کند و دستور می دهد آن جا را حفر نمایند. سپس از آن محل دوازده هزار زره و دوازده هزار شمشیر و دوازده هزار کلاهخود که هر کلاهخودی دو رو دارد، بیرون می آورند، سپس دوازده هزار نفر از دوستان خود از عرب و عجم را فراخوانده و آن سلاحها را برای پوشیدن و حمل کردن به آنان تحویل می دهد؛ سپس می گوید: هرکس چنین پوششی نداشته باشد را، بکشید.

بررسی روایت

افزون بر اضطراب موجود در متن روایت و نامفهوم بودن آن، سند آن نیز از چند جهت ضعیف است؛ یکی اینکه ابوالقاسم شعرانی فردی ناشناخته است و نامی از وی در کتابهای رجالی نیامده است و دیگری یونس بن ظبیان است که فردی ضعیف، غالی(۲) و شخصی است که نجاشی در مورد وی گفته است: کل

۱- مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی تا، ص۳۳۴.

۲- طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، ص۳۶۳.

آنچه که وی نوشته مختلط(۱) است.(۲) علاوه بر اینها ابوالقاسم شعرانی نیز بدون ذکر طریق، این روایت را از ابن ظبیان نقل کرده است و به اصطلاح حدیث مرفوعه یا منقطع می باشد.

۷-۵-۳. وَمِنها (عَن علی علیه السلام): ... بِأَبی ابن خَیرهِ الإِماءِ لا یُعطیهِم إِلا السَّیفَ هَرجاً هَرجاً مَوضوعاً عَلی عاتِقِه ثَمانِیهَ أَشهُرٍ حَتّی تَقولَ قُرَیش: لَو کانَ هذا مِن وُلدِ فاطمهَ لَرَحِمنا.(۳)

امیرالمومنین علیه السلام می فرماید: پدرم به فدای فرزند برگزیده از کنیزان،به آنها جز شمشیر خونریز و با شدت نمی دهد، درحالی که شمشیرش را هشت ماه بر دوش می کشد تا اینکه قریش می گوید: اگر این شخص از فرزندان فاطمه بود قطعا بر ما رحم می کرد.

بررسی روایت

این روایت مرسل و غیر معتمَد است.

۸-۵-۳. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بن عَلِیٍّ قَالَ: حَدَّثَنَا الْحُسَیْنُ بن عَبْدِ اللَّهِ السَّعْدِیُّ قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بن مُوسَی الْخَشَّابُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بن الْحُسَیْنِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ فُلَانٍ الْکَرْخِیِّ قَالَ: قَالَ رَجُلٌ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام ... قال(ابی عبد الله علیه السلام): وَ کَذَلِکَ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَیْتِ لَمْ یَظْهَرْ أَبَداً حَتَّی تَخْرُجَ وَدَائِعُ اللَّهِ؛ فَإِذَا خَرَجَتْ یَظْهَرُ عَلَی مَنْ یَظْهَرُ فَیَقْتُلُه.(۴)

امام صادق علیه السلام فرمودند: و همچنین است قائم ما اهل بیت، ظهور

۱- تخلیط: آمیختن یک حدیث با حدیث دیگر. (محمدرضا، جدیدی نژاد، معجم مصطلحات الرجال و الدرایه، ص۱۵۱).

۲- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص۴۴۸.

۳- ابن أبی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، ج۷، ص۵۸.

۴- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیرقمی، ج۲، ص۳۱۶.

نمی کنـد مگر اینکه امـانت های الهی هویـدا شونـد؛ چنانچه این امانات آشـکار شونـد قائم(عـج) ظهور کرده و بر هرکس که پیروز شود او را می کشد.

بررسی روایت

در سند این روایت چندین لفظ و عبارت مبهم وجود دارد که عبارتند از: «عن بعض اصحابه»، «فلان الکرخی»، «رجل»، که این عبارت های مبهم باعث ارسال سند و ضعف آن گشته است.

۹-۵-۳. جَاءَ مَرْفُوعاً عَنْ عَمْرِو بن شِمْرٍ عَنْ جَابِرِ بن یَزِیدَ عَنْ أَبِی عَبْدِاللَّهِ علیه السلام: ... وَ إِنَّ لَنا لَلْآخِرَهَ وَ الْأُولی فَأَنْذَرْتُکُمْ ناراً تَلَظَّی (۱) قَالَ: هُوَ الْقَائِمُ إِذَا قَامَ بِالْغَضَبِ وَ یَقْتُلُ مِنْ کُلِّ أَلْفٍ تِسْعَ مِائَهٍ وَ تِسْعَهً وَ تِسْعِین؛(۲)

امام صادق علیه السـلام در تفسیر این آیه فرموده اند: او همان قائم(عج) است و هنگامی که با غضب و نارحتی قیام کند، از هر هزار نفر نهصد و نود و نه نفر را می کشد.

بررسی روایت

این روایت هم مرفوع و بی اعتبـار است و هم راویان آن افراد ضـعیفی هسـتند. یکی از راویان آن عمرو بن شـمر است که بنابر گفته نجاشـی بسـیار ضعیف است.(۳) و راوی دیگر، جـابر بـن یزیـد اسـت کـه او هم بنـابر سـخن نجاشـی فردی مختلـط بـوده است.(۴)

۱- لیل(۹۲)، ۱۴.

۲- استرآبـادی، علی، تأویـل الآیات الظاهره فی فضائل العتره الطاهره، جلـد، چاپ اول، قم، مـدرسه امام مهـدی، ۱۴۰۷ق، ج۲، ص۸۰۷، ح۱.

۳- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص۲۸۷.

۴- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۱۲۹.

۱۰-۵-۳. وَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بن الْحَسَنِ بن أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بن الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنِ الْعَبَّاسِ بن مَعْرُوفٍ عَنْ مُحَمَّدِ بن سِنَانٍ عَنْ رَجُلٍ قَالَ: سَأَلْتُ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی قَوْلِهِ تَعَالَی وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنا لِوَلِیِّهِ سُلْطاناً فَلا یُسْرِفْ فِی الْقَتْلِ إِنَّهُ کانَ مَنْصُوراً(اسرا:۳۳) قَالَ: ذَلِکَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ یَخْرُجُ فَیَقْتُلُ بِدَمِ الْحُسَیْنِ علیه السلام فَلَوْ قَتَلَ أَهْلَ الْأَرْضِ لَمْ یَکُنْ مُسْرِفاً وَ قَوْلُهُ فَلا یُسْرِفْ فِی الْقَتْلِ لَمْ یَکُنْ لِیَصْنَعَ شَیْئاً یَکُونُ سَرَفاً ثُمَّ قَالَ ابو عَبْدِ اللَّهِ: علیه السلام یَقْتُلُ وَ اللَّهِ ذَرَارِیَّ قَتَلَةِ الْحُسَیْنِ علیه السلام بِفَعَالِ آبَائِهَا.(۱)

محمّد بن سنان، از شخصی نقل نموده که وی گفت:از حضرت ابی عبداللّه علیه السلام از تفسیر آیه شریفه: «وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنا لِوَلِیِّهِ سُلْطاناً فَلا یُسْرِفْ فِی الْقَتْلِ إِنَّهُ کانَ مَنْصُوراً». پرسیدم، حضرت فرمودند: مقصود از «ولی» قائم آل محمّد صلی الله علیه و آله بوده که خروج نموده پس به خون خواهی حضرت سیّد الشهداء علیه السلام شروع به کشتن می نماید به طوری که اگر همه اهل زمین را بکشد، اسراف نکرده است. و در ذیل این فقره از آیه «فلا یُسْرِفْ فِی الْقَتْلِ» می فرماید: حضرت قائم(عج) اقدام به چیزی که اسراف محسوب شود، نمی کنند. سپس امام صادق علیه السلام فرمودند: به خدا قسم حضرت قائم(عج) اعقاب کشندگان سیّد الشّهداء علیه السلام را به واسطه عمل آباء و اجدادشان خواهد کشت.

بررسی روایت

در سند روایت لفظ مبهم «عن رجل» وجود دارد که باعث ارسال سند شده

۱- ابن قولویه، جعفربن محمد، کامل الزیارات، تحقیق جواد قیومی، چاپ اول، قم، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۷ق، ص۶۳، ب۱۸، ح۵.

است، افزون بر آن محمد بن سنان کسی است که هم مدح آن آمده است و هم ضعیف شمرده شده است[(۱)] که بنابر قواعد رجالی و تعارض بین مدح و ذم، ضعف بر مدح مقدّم می باشد.

۱۱-۵-۳. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بن زِيَادِ بن جَعْفَرٍ الْهَمَدَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بن إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بن صَالِحٍ الْهَرَوِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بن مُوسَى الرِّضَا علیه السلام يَا ابن رَسُولِ اللَّهِ! مَا تَقُولُ فِي حَدِيثٍ رُوِيَ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ قَتَلَ ذَرَارِيَّ قَتَلَهِ الْحُسَيْنِ علیه السلام بِفِعَالِ آبَائِهَا؟ فَقَالَ علیه السلام: هُوَ كَذَلِكَ. فَقُلْتُ: فَقَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَ وَ لا تَزِرُ وازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرى مَا مَعْنَاهُ؟ فَقَالَ: صَدَقَ اللَّهُ فِي جَمِيعِ أَقْوَالِهِ لَكِنَّ ذَرَارِيَّ قَتَلَهِ الْحُسَيْنِ يَرْضَوْنَ أَفْعَالَ آبَائِهِمْ وَ يَفْتَخِرُونَ بِهَا وَ مَنْ رَضِيَ شَيْئاً كَانَ كَمَنْ أَتَاهُ وَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا قُتِلَ فِي الْمَشْرِقِ فَرَضِيَ بِقَتْلِهِ رَجُلٌ فِي الْمَغْرِبِ لَكَانَ الرَّاضِي عِنْدَ اللَّهِ شَرِيكَ الْقَاتِلِ وَ إِنَّمَا يَقْتُلُهُمُ الْقَائِمُ إِذَا خَرَجَ لِرِضَاهُمْ بِفِعْلِ آبَائِهِمْ. قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: بِأَيِّ شَيْءٍ يَبْدَأُ الْقَائِمُ فِيهِمْ إِذَا قَامَ؟ قَالَ: يَبْدَأُ بِبَنِي شَيْبَهَ وَ يَقْطَعُ أَيْدِيَهُمْ لِأَنَّهُمْ سُرَّاقُ بَيْتِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَل.[(۲)]

احمد بن زیاد بن جعفر همدانی رضی الله عنها از علی بن ابراهیم، از پدرش، از عبدالسلام ابن صالح هروی، نقل می کند که وی می گوید: محضر مبارک حضرت ابی الحسن علی بن موسی الرضا علیهما السلام عرض کردم: ای فرزند رسول خدا ! درباره روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده و آن حضرت فرمودند: هر گاه حضرت قائم(عج) خروج

۱- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص۳۲۸.

۲- ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرایع، تحقیق سید محمد صادق بحرالعلوم، نجف، مکتبه الحیدریه، ۱۳۸۵ق، ج۱، ص۲۲۹، ۱۶۴، ح۱.

کنند فرزندان قاتلان امام حسین علیه السلام را به دلیل کردار پدرانشان می کشد، چه می فرمایید؟حضرت فرمودند: واقع همین است. عرض کردم: پس فرموده حقّ تعالی در قرآن: «وَ لا تَزِرُ وازِرَةٌ وِزْرَ أُخْری؛ هیچ کس بار گناه دیگری را به دوش نگیرد» معنایش چیست؟حضرت فرمودند: خداوند در تمام اقوالش صادق است ولی با وجود این باید توجّه داشته باشی که فرزندان قاتلان امام حسین علیه السلام به افعال و کردار پدرانشان راضی بوده و به آنها افتخار می کردند و به مقتضای «کسی که به چیزی راضی باشد، همچون شخصی است که آن چیز را انجام داده» آنها نیز همچون قاتلان سیّدالشهداء می باشند. و اگر شخص در مشرق کشته شود و دیگری در مغرب راضی و خوشنود باشد راضی با قاتل نزد خدا شریک در قتل می باشد و چون این فرزندان به کردار پدرانشان راضی می باشند لاجرم حضرت قائم(عج) وقتی خروج نمودند، ایشان را می کشند. راوی می گوید محضرش عرضه داشتم: چرا وقتی حضرت قیام فرمودند، اوّل ایشان را می کشد؟ حضرت فرمودند: حضرت قائم(عج) ابتدا بنی شیبه را می کشند به این روش که دستهایشان را قطع می فرماید، زیرا آنها سارقان بیت اللّه عزّ و جلّ می باشند.

بررسی روایت

گرچه این حدیث در پی توضیح روایت و علت آن می باشد؛ اما از چند جهت مشکل دارد: اولاً: سند این روایت منقطع و ناشناخته است، زیرا احمد بن زیاد همدانی آن را از علی بن ابراهیم و او از پدرش (ابراهیم بن هاشم)و ابراهیم از عبدالسلام بن صالح هروی نقل نموده است درحالی که روایت باید بیش از چهار راوی داشته باشد تا به امام علیه السلام برسد، قطعاً افراد دیگری در زنجیره

سلسله سند بوده اند که اکنون معلوم نیست چه کسانی هستند. ثانیاً: مضمون روایت با محکمات قرآن، فقه اسلامی و عقل منافات دارد، زیرا مجازات یک شخص راضی به قتل، شرعاً و عقلاً قصاص وی نیست.

۱۲-۵-۳. قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن الْقَاسِمِ بن عُبَیْدٍ مُعَنْعَناً عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: ... فَإِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَرَفُوا کُلَّ نَاصِبٍ [نَصَبَ] عَلَیْهِ فَإِنْ أَقَرَّ بِالْإِسْلَامِ وَ هُوَ [وَ هِیَ] الْوَلَایَهُ وَ إِلَّا ضُرِبَتْ عُنُقُهُ أَوْ أَقَرَّ بِالْجِزْیَهِ فَأَدَّاهَا کَمَا یُؤَدِّی [یُؤَدُّونَ] أَهْلُ الذِّمَّه.(۱)

امام صادق علیه السلام می فرماید: پس هنگامی که قائم(عج) قیام کند، افراد ناصبی را به حضور قائم(عج) می آورند؛ پس اگر به اسلام اقرار کند که همان ولایت ائمه است؛ رهایش می کند وگرنه گردنش زده می شود و یا از او مانند اهل ذمّه جزیه می گیرد.

بررسی روایت

این روایت مرسل است زیرا راوی با حذف واسطه که معلوم نیست چه کسانی بوده اند، روایت را به امام صادق علیه السلام نسبت داده است.

۱۳-۵-۳. وَ بِإِسْنَادِهِ(السَّید عَلی بن عَبدالحَمید فی کتاب الغَیبه) إِلَی کِتَابِ الْفَضْلِ بن شَاذَانَ رَفَعَهُ إِلَی عَبْدِ اللَّهِ بن سِنَانٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: یَقْتُلُ الْقَائِمُ علیه السلامحَتَّی یَبْلُغَ السُّوقَ. قَالَ: فَیَقُولُ لَهُ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ أَبِیهِ إِنَّکَ لَتُجْفِلُ النَّاسَ إِجْفَالَ النَّعَم فَبِعَهْدٍ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَوْ بِمَا ذَا قَالَ وَ لَیْسَ فِی النَّاسِ رَجُلٌ أَشَدَّ مِنْهُ بَأْساً فَیَقُومُ إِلَیْهِ رَجُلٌ مِنَ الْمَوَالِی فَیَقُولُ لَهُ لَتَسْکُتَنَّ أَوْ لَأَضْرِبن عُنُقَکَ فَعِنْدَ ذَلِکَ

۱- کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات کوفی، قم، داوری، بی تا، ص۲۹۲-۲۹۳، ح۳۹۵.

يُخْرِجُ الْقَائِمُ علیه السلام عَهْداً مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله.(۱)

امام صادق علیه السلام فرمود: قائم(عج) می کشد تا می رسد به بازار؛ سپس مردی از اولاد پدرش به او می گوید: تو با مردم مثل چهارپایان رفتار می کنی، آیا این برخورد به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله می باشد یا چیز دیگر؟ و در میان مردم مردی شدیدتر از او نیست، سپس مردی از موالی به سمت وی بلند می شود، پس به وی می گوید: ساکت می شوی یا گردنت را بزنم؛ سپس قائم(عج) در آن هنگام دستوری از پیامبر صلی الله علیه و آله را ارائه می دهد.

بررسی روایت

درباره سند این روایت نه از سند سید علی بن عبدالحمید(صاحب کتاب الغیبه) به کتاب فضل بن شاذان اطلاع درستی در دست است و نه از سند فضل بن شاذان به عبدالله بن سنان، بنابراین،این حدیث، مرسل و غیر قابل اعتماد است.

۱۴-۵-۳. وَ بِإِسْنَادِهِ(السَّید عَلی بن عَبدالحَمید فی کتابِ الغَیبه)عَنِ الْكَابُلِيِّ عَنْ عَلِيِّ بن الْحُسَيْنِ علیه السلام قَالَ: يَقْتُلُ الْقَائِمُ علیه السلام مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَهِ حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى الْأَجْفَر.(۲)

امام سجاد علیه السلام فرمودند: قائم(عج) آن قدر از اهل مدینه می کشد تا به محلی به نام اجفر می رسد.

۱- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحارالانوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار علیه السلام، تحقیق جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت، دارإحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص۳۸۷ ب۲۷، ح۲۰۳.
۲- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحارالانوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار علیه السلام، تحقیق جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت، دارإحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص۳۸۷، ب۲۷، ح۲۰۴.

بررسی روایت

از سند الغیبه سید علی بن عبدالحمید به کابلی اطلاعی در دست نیست و نمی توان به آن اعتماد کرد.

۱۵-۵-۳. وَ بِإِسْنَادِهِ(السَّید عَلی بن عَبدالحَمید فی کتابِ الغَیبه)رَفَعَهُ إِلَی أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی خَبَرٍ طَوِیلٍ إِلَی أَنْ قَالَ: وَ یَنْهَزِمُ قَوْمٌ کَثِیرٌ مِنْ بنی أُمَیَّهَ حَتَّی یَلْحَقُوا بِأَرْضِ الرُّومِ. . . فَیَبْعَثُ إِلَیْهِمُ الْقَائِمُ علیه السلام أَنْ أَخْرِجُوا هَؤُلَاءِ الَّذِینَ أَدْخَلْتُمُوهُم. . . فَإِذَا قَرَأَ عَلَیْهِمُ الْکِتَابَ وَ رَأَوْا هَذَا الشَّرْطَ لَازِماً لَهُمْ أَخْرَجُوهُمْ إِلَیْهِ فَیَقْتُلُ الرِّجَالَ وَ یَبْقُرُ بُطُونَ الْحَبَالَی.(۱)

امام باقر علیه السلام می فرماید: هنگام قیام قائم(عج) عده زیادی از بنی امیه فرار می کنند و به کشور روم پناه می برند... سپس قائم(عج) عده ای را همراه با دستور کتبی برای تحویل گرفتن آنها به آن کشور می فرستد که این کسانی را که به کشور خود راه داده اید، اخراج کنید... پس هنگامی که دستور را بر حاکم می خوانند، آن پناهندگان را اخراج می کنند، سپس قائم(عج) مردهای آنان را می کشد و شکم زنان آبستن را می درد.

بررسی روایت

از سند الغیبه به ابوبصیر اطلاعی در دست نیست، همچنین این روایت مرفوعه و ضعیف است، افزون بر ضعف سند متنی کاملاً مضطرب دارد، زیرا شکافتن و پاره کردن شکم زنان آبستن در هیچ حالتی حتی در حال جنگ جایز نیست.

۱- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحارالانوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار علیه السلام، تحقیق جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت، دارإحیاء التراث العربی، ۱۳۰۳ق، ج ۵۲، ص۳۸۷، ب۲۷، ح۲۰۴.

۱۶-۵-۳. وَ بِإِسْنَادِهِ (السَّید عَلی بن عَبدالحَمید فی کتابِ الغَیبه) رَفَعَهُ إِلَی عَبْدِاللَّهِ بن سِنَانٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ علیه السلام لَمْ یَکُنْ بَیْنَهُ وَ بَیْنَ الْعَرَبِ وَ الْفُرْسِ إِلَّا السَّیْفُ لَا یَأْخُذُهَا إِلَّا بِالسَّیْفِ وَ لَا یُعْطِیهَا إِلَّا بِهِ. (۱)

امام صادق علیه السلام می فرماید: هنگامی که قائم(عج) قیام کند، بین او وعرب و عجم جز شمشیر نخواهد بود، جز شمشیر از آنها نمی گیرد و جز شمشیر به آنها نمی دهد.

بررسی روایت

علامه مجلسی رحمه الله این روایت را از کتاب الغیبه بدون ذکر سند از عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که از سند کامل آن اطلاعی در دست نیست. همچنین متن روایت نیز دارای ضعف و اضطراب است، زیرا قرار دادن شمشیر یعنی زور و قدرت سلاح به عنوان ملاک حاکم نیز خلاف ضرورت دین و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می باشد.

۱۷-۵-۳. وَ بِإِسْنَادِهِ(السَّید عَلی بن عَبدالحَمید فی کتابِ الغَیبه)رَفَعَهُ إِلَی جَابِرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَال:... وَ یَقْتُلُ النَّاسَ حَتَّی لَا یَبْقَی إِلَّا دِینُ مُحَمَّد؛(۲)

... قائم(عج) آن قدر از مردم می کشد تا اینکه جز دین محمد باقی نماند.

بررسی روایت

سند این روایت نیز از الغیبه سید علی بن عبدالحمید می باشد که از سند آن تا

۱- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحارالانوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار علیه السلام، تحقیق جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت، دارإحیاء التراث العربی، ۱۳۰۳ق، ج ۵۲، ص۳۸۷، ب۲۷، ح۲۰۴.
۲- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحارالانوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار علیه السلام، تحقیق جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت، دارإحیاء التراث العربی، ۱۳۰۳ق، ج ۵۲، ص۳۸۷، ب۲۷، ح۲۰۴.

امام باقر علیه السلام اطلاعی در دست نیست و همچنین روایت مرفوعه نیز می باشد، بنابراین قابل اعتماد نیست.

۱۸-۵-۳. وَ رَوَی عَبْدُ اللَّهِ بن الْمُغِیرَهِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ علیه السلام أَقَامَ خَمْسَمِائَهٍ مِنْ قُرَیْشٍ فَضَرَبَ أَعْنَاقَهُمْ ثُمَّ أَقَامَ خَمْسَمِائَهٍ فَضَرَبَ أَعْنَاقَهُمْ ثُمَّ أَقَامَ خَمْسَمِائَهٍ أُخْرَی حَتَّی یَفْعَلَ ذَلِکَ سِتَّ مَرَّات. قُلْتُ: وَ یَبْلُغُ عَدَدُ هَؤُلَاءِ هَذَا؟ قَالَ: نَعَمْ مِنْهُمْ وَ مِنْ مَوَالِیهِم؛(۱)

آنگاه که قائم آل محمد(عج) قیام کند، پانصد تن از قریش را به پا دارد و گردنشان را بزند، سپس پانصد تن دیگر را به پا دارد و گردن زند، آنگاه پانصد تن دیگر تا شش بار (که روی هم سه هزار نفر شوند) گوید: من گفتم: شماره آنان به این حد رسد؟ فرمود: آری؛ خودشان و دوستدارانشان.

بررسی روایت

شیخ مفید نیز این روایت را بدون ذکر سند کامل بیان می کند و از سند آن اطلاعی در دست نیست و افزون بر مشکل سندی، متن روایت نیز دچار اضطراب است، بنابراین قابل اعتماد نیست.

۱۹-۵-۳. وَذَکَرَ الإمامُ ابو الحَسنِ مُحمَّدٌ بن عبید الکَسائی، فی قِصَصِ الأَنبیاء، قالَ: قالَ کعبُ الأحبارِ: یَخرجُ المَهدیُّ إلی بِلادِ الرّوم، وَجَیشُه مائهُ أَلفٍ، فَیدعُو مَلکَ الرّومَ إلی الإیمانِ فَیَأبی، فَیقتَتلانِ شَهرَینِ، فَیَنصُرَ اللهُ تَعالی المهدیَّ، وَیَقتُلَ مِن أَصحابه خَلقاً کَثیراً، وینهَزمُ، وَیَدخُل إلی القُسطَنطینیهِ فَینزِل المهدیُّ علی بابِها، ولَها یَومئذٍ سَبعهُ أَسوارٍ، فَیُکَبّرُ المهدیُّ سَبعَ تکبیراتٍ، فَیَخِرُّ کلُ سورٍ

۱- مفید، محمد بن نعمان، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ص۳۶۴.

مِنها، فَعِندَ ذلکَ یَأخذُها المهدیُّ، وَیَقتُلُ مِن الرّومِ خَلقاً کَثیراً، ویُسلِمُ عَلی یَدیهِ خلقٌ کثیرٌ؛(۱)

مهدی(عج) به سوی سرزمین روم یورش می برد در حالی که سربازان وی صد هزار نفر می باشد، سپس پادشاه روم را به ایمان فرا می خواند ولی او سر باز می زند، سپس به مدت دو ماه با هم می جنگند و خداوند مهدی(عج) را یاری می کند و مهدی تعداد زیادی از اصحاب و یاران پادشاه روم را به قتل می رساند و به قسطنطنیه داخل می شود، پس مهدی(عج) به دروازه شهر وارد می شود در حالیکه دارای هفت دیوار است سپس مهدی(عج) هفت مرتبه تکبیر گفته، پس از آن همه دیوارهای شهر فرو می ریزد، سپس در آن هنگام مهدی(عج) شهر را در دست گرفته، تعداد زیادی از مردم آن جا را به قتل می رساند و به دست وی مردم زیادی به اسلام روی می آورند.

بررسی روایت

این حدیث از زبان کعب الاحبار است و چون به پیامبر(عج) اسناد داده نشده، موقوف(۲) است و اعتباری ندارد، افزون بر این کعب الاحبار شخصیت قابل قبولی نیست، بنابراین نمی توان به این روایت اعتماد کرد.

۲۰-۵-۳. قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن الْقَاسِمِ بن عُبَیْدٍ مُعَنْعَناً عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَی... وَ إِنَّ لَنا [لَهُ] لَلْآخِرَهَ وَ الْأُولی فَأَنْذَرْتُکُمْ ناراً تَلَظّی الْقَائِمُ صلی الله علیه و آله إِذَا قَامَ بِالْغَضَبِ فَقَتَلَ مِنْ کُلِّ أَلْفٍ

۱- مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، عقدالدرر، ص۲۷۳.

۲- موقوف: حدیثی است که توسط صحابی معصوم نقل شده بدون اینکه آن را به معصوم اسناد دهد. (کاظم، شانه چی، درایه الحدیث، ص۷۹).

تِسْعَمِائَهٍ وَ تِسْعَهً وَ تِسْعِین؛(۱)

... قائم(عج) هنگامی که با غضب قیام کند، از هر هزار نفر نهصد و نود و نه نفررا می کشد.

بررسی روایت

این روایت مرسل می باشد، زیرا راوی با حذف واسطه که معلوم نیست چه کسانی بوده اند، روایت را به امام صادق علیه السلام نسبت داده است. افزون بر این محمد بن قاسم بن عبید فردی ناشناخته است.

۲۱-۵-۳. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بن مُحَمَّدِ بن سَعِیدٍ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِیُّ بن الْحَسَنِ التَّیْمُلِیُّ عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْحَسَنِ بن عَلِیِّ بن یُوسُفَ وَ مُحَمَّدِ بن عَلِیٍّ الْکُوفِیِ عَنْ سَعْدَانَ بن مُسْلِمٍ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: بَیْنَا الرَّجُلُ عَلَی رَأْسِ الْقَائِمِ یَأْمُرُهُ وَ یَنْهَاهُ إِذْ قَالَ أَدِیرُوهُ فَیُدِیرُونَهُ إِلَی قُدَّامِهِ فَیَأْمُرُ بِضَرْبِ عُنُقِهِ فَلَا یَبْقَی فِی الْخَافِقَیْنِ شَیْ ءٌ إِلَّا خَافَهُ؛(۲)

... در آن میان که مردی بر بالین قائم(عج) ایستاده و امر و نهیش می کند، ناگاه حضرت می فرماید: او را برگردانید، پس او را به پیش روی آن حضرت باز می گردانند و آن حضرت دستور می دهد گردن او زده شود، پس در خاور و باختر چیزی باقی نمی ماند مگر اینکه از او می ترسد.

بررسی روایت

در سند روایت افزون بر محمد بن علی کوفی که شرح حال او پیش از این بیان شد، همچنین علی بن حسن تیملی که طبق گفته آیت الله خویی همان

۱- کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات کوفی، ص۲۱۴.

۲- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص۲۴۵-۲۴۶، ب۱۳، ح۳۲.

علی بن حسن بن علی بن فضال است(۱) شخصی فطحی(۲) مذهب می باشد.(۳) همچنین این روایت با توجه به عبارت مبهم (عن بعض رجاله) موجود در سند آن، مرسل است.

۶-۳. روایات متفرقه

اشاره

۱-۶-۳. أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بن الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بن حَسَّانَ الرَّازِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بن عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بن مُحَمَّدِ بن أَبِي نَصْرٍ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بن مُسْلِمٍ قَالَ: سَمِعْتُ ابا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا يَصْنَعُ الْقَائِمُ إِذَا خَرَجَ لَأَحَبَّ أَكْثَرُهُمْ أَلَّا يَرَوْهُ مِمَّا يَقْتُلُ مِنَ النَّاسِ أَمَا إِنَّهُ لَا يَبْدَأُ إِلَّا بِقُرَيْشٍ فَلَا يَأْخُذُ مِنْهَا إِلَّا السَّيْفَ وَ لَا يُعْطِيهَا إِلَّا السَّيْفَ حَتَّى يَقُولَ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ لَيْسَ هَذَا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَوْ كَانَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ لَرَحِمَ؛(۴)

اگر مردم می دانستند هنگامی که قائم(عج) خروج کند چه خواهد کرد، بیشتر آنان دوست می داشتند او را ملاقات نکنند؛ بس که خواهد کشت، بدانید که او شروع نخواهد کرد مگر با قریش، و از آنان جز شمشیر دریافت نمی کند و به قریش جز شمشیر ارزانی نمی دارد (معامله او با قریش تنها با شمشیر است) تا آن جا که بیشتر مردمان گویند: این مرد از تبار محمّد نیست که اگر از آل محمّد بود، حتماً رحمت و دلسوزی می داشت.

۱- موسوی خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، ج۱۱، ص۳۴۵.

۲- فطحیه: این گروه قائل به امامت دوازده امام همراه با عبدالله افطح پسر امام صادق علیه السلام هستند که او را میان امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام قرار می دهند(محمدرضا، جدیدی نژاد، معجم مصطلحات الرجال و الدرایه، ص۱۱۴).

۳- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص۲۵۸.

۴- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص۲۳۸، ب۱۳، ح۱۸.

بررسی روایت

در سند این روایت محمدبن علی کوفی وجود دارد که وی فرد بسیار ضعیفی است و شرح حال او پیش از این بیان شد.

۲-۶-۳. أَخْبَرَنَا عَلِیُّ بن الْحُسَیْنِ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ مُحَمَّدِ بن عَلِیٍّ الْکُوفِیِّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بن أَبِی هَاشِمٍ عَنْ أَبِی خَدِیجَهَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ عَلِیّاً علیه السلام قَالَ: کَانَ لِی أَنْ أَقْتُلَ الْمُوَلِّیَ وَ أُجْهِزَ عَلَی الْجَرِیحِ وَ لَکِنِّی تَرَکْت ذَلِکَ لِلْعَاقِبَهِ مِنْ أَصْحَابِی إِنْ جُرِحُوا لَمْ یُقْتَلُوا وَ الْقَائِمُ لَهُ أَنْ یَقْتُلَ الْمُوَلِّیَ وَ یُجْهِزَ عَلَی الْجَرِیحِ؛ (۱)

ابو خدیجه از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: همانا علی علیه السلام فرمود: مرا چنین اختیاری بود که فراریان از جبهه جنگ را بکشم و کار مجروحان را یکسره سازم ولی من به ملاحظه آینده نگری برای یاران خود این کار را نکردم که چون مجروح شدند، کشته نشوند ولی برای امام قائم(عج) مقرّر است که آنان را که از جنگ می گریزند، بکشد و کار زخمی ها را یکسره سازد.

بررسی روایت

این روایت نیز مانند سند پیشین است و در سند آن نیز محمد بن علی کوفی وجود دارد.

۳-۶-۳. أَخْبَرَنَا عَلِیُّ بن الْحُسَیْنِ قَالَ: حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بن یَحْیَی الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بن حَسَّانَ الرَّازِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بن عَلِیٍّ الْکُوفِیِّ عَنْ أَحْمَدَ بن مُحَمَّدِ بن أَبِی نَصْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بن بُکَیْرٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ زُرَارَهَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ صَالِحٌ مِنَ الصَّالِحِینَ سَمِّهِ لِی أُرِیدُ

۱- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص۲۳۶، ب۱۳، ح۱۵.

الْقَائِمَ علیه السلام . فَقَالَ: اسْمُهُ اسْمِی. قُلْتُ: أَ یَسِیرُ بِسِیرَهِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله ؟ قَالَ: هَیْهَاتَ هَیْهَاتَ یَا زُرَارَهُ، مَا یَسِیرُ بِسِیرَتِهِ. قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاکَ لِمَ؟ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله سَارَ فِی أُمَّتِهِ بِالْمَنِ،کَانَ یَتَأَلَّفُ النَّاسَ وَ الْقَائِمُ یَسِیرُ بِالْقَتْلِ بِذَاکَ أُمِرَ فِی الْکِتَابِ الَّذِی مَعَهُ أَنْ یَسِیرَ بِالْقَتْلِ وَ لَا یَسْتَتِیبَ أَحَداً؛ وَیْلٌ لِمَنْ نَاوَاه ...؛(۱)

به آن حضرت عرض کردم: صالحی از صالحان را برایم نام ببر و منظورم حضرت قائم(عج) بود، پس فرمود: اسم او اسم من است، عرض کردم: آیا همچون رفتار محمّد صلی الله علیه و آله رفتار می کند؟ فرمود: هرگز هرگز ای زراره؛ رفتار او را پیش نمی گیرد. عرض کردم: فدایت شوم برای چه؟ فرمود: همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله در امّت خود چنان رفتار می کرد که همراه با بخشش بود (مردم را عفو و مرهون منّت خود می ساخت) و دلهای مردم را به خود جذب می نمود؛ یعنی با مهر رفتار می کرد ولی رفتار قائم(عج) با خشونت و کشتار است، زیرا در کتابی که به همراه دارد مأمور شده است که با کشتار رفتار کند و از کسی توبه نپذیرد، وای بر کسی که با او دشمنی کند و به ستیز برخیزد.

بررسی روایت

در سند این نیز روایت محمد بن علی کوفی وجود دارد که فردی ضعیف است و توصیف آن قبلاً بیان شده، مضمون روایت نیز با روایات درستی که سیره حضرت مهدی(عج) را همان سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله می داند، مخالفت دارد.

۴-۶-۳. أَخْبَرَنَا عَلِیُّ بن الْحُسَیْنِ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن یَحْیَی الْعَطَّارُ بِقُمَ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن حَسَّانَ الرَّازِیُّ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن عَلِیٍّ

۱- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص۲۳۶، ب۱۳، ح۱۴.

الْكُوفِيُ عَنْ مُعَمَّرِ بن خَلَّادٍ قَالَ: ذُكِرَ الْقَائِمُ عِنْدَ أَبِی الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام فَقَالَ: أَنْتُمُ الْيَوْمَ أَرْخَى بَالًا مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ. قَالُوا: وَ كَيْفَ؟ قَالَ: لَوْ قَدْ خَرَجَ قَائِمُنَا علیه السلام لَمْ يَكُنْ إِلَّا الْعَلَقُ وَ الْعَرَقُ وَ النَّوْمُ عَلَى السُّرُوجِ وَ مَا لِبَاسُ الْقَائِمِ علیه السلام إِلَّا الْغَلِيظُ وَ مَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَشِب؛(۱)

معمّر بن خلّاد گوید: نزد امام ابی الحسن الرّضا علیه السلام از قائم(عج) یاد شد، پس فرمود: شما امروز آسوده تر از آن روز هستید، عرض کردند: چگونه؟ فرمود: اگر قائم ما علیه السلام خروج کند جز خون بسته شده و عرق و بر روی زین های اسبان خفتن چیزی در کار نخواهد بود و لباس قائم(عج) جز جامه خشن و خوراک او جز غذای ناگوار و نامطبوع نخواهد بود.

بررسی روایت

در سند این روایت نیز محمد بن علی کوفی وجود دارد که شرح حالش بیان شد.

۵-۶-۳. عَنْهُ عَنْ صَالِحٍ عَنْ مُحَمَّدِ بن عَبْدِ اللَّهِ بن مِهْرَانَ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بن بَشِيرٍ عَنْ عُثَيْمِ بن سُلَيْمَانَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بن عَمَّارٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِذَا تَمَنَّى أَحَدُكُمُ الْقَائِمَ فَلْيَتَمَنَّهُ فِی عَافِيَةٍ فَإِنَّ اللَّهَ بَعَثَ مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله رَحْمَةً وَ يَبْعَثُ الْقَائِمَ نَقِمه؛(۲)

معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام روایت کند که آن حضرت فرمود: هرگاه یکی از شما آرزوی دیدار حضرت قائم(عج) را کند، باید آرزو کند که این دیدار در تندرستی و عافیت باشد (و

۱- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص۲۹۵-۲۹۶، ب۱۵، ح۵.

۲- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، تحقیق غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق، ج۸، ص۲۳۳، ح۳۰۶.

مشمول اصلاحات آن بزرگوار نگردد) زیرا خداوند محمد صلی الله علیه و آله را به مهر و عطوفت مبعوث فرمود، و حضرت قائم(عج) را برای انتقام برانگیزد.

بررسی روایت

در سند روایت محمد بن عبدالله بن مهران وجود دارد که این شخص فردی متهم به غلو و ضعیف است(۱)، همچنین این روایت مهمل نیز می باشد؛ زیرا در مورد دو تن از روات این سند اطلاعی در کتاب های رجالی وجود ندارد، یکی عبدالملک بن بشیر و دیگری عیثم بن سلیمان.

۶-۶-۳. عَلِيُّ بن مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بن الْعَبَّاسِ عَنِ الْحَسَنِ بن عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَاصِمِ بن حُمَيْدٍ عَنْ أَبِی حَمْزَةَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فی حدیث إلی أن قال: قُلْتُ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ(هَلْ تَرَبَّصُونَ بنا إِلَّا إِحْدَی الْحُسْنَیَیْنِ)(۲) قَالَ: إِمَّا مَوْتٌ فِی طَاعَهِ اللَّهِ أَوْ إِدْرَاکُ ظُهُورِ إِمَامٍ وَ نَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِهِمْ مَعَ مَا نَحْنُ فِیهِ مِنَ الشِّدَّهِ أَنْ یُصِیبَهُمُ اللَّهُ بِعَذابٍ مِنْ عِنْدِهِ. قَالَ: هُوَ الْمَسْخُ أَوْ بِأَیْدِینَا وَ هُوَ الْقَتْلُ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَل لِنَبِیِّهِ صلی الله علیه و آله : قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنَّا مَعَکُمْ مُتَرَبِّصُونَ وَ التَّرَبُّصُ انْتِظَارُ وُقُوعِ الْبَلَاءِ بِأَعْدَائِهِمْ؛(۳)

(آن دو سرانجام نیک)یا مرگ در راه اطاعت خداست و یا درک ظهور امام، ولی ما در مورد آنها انتظار می بریم با این وضع سخت و ناهنجاری که داریم که خداوند از نزد خود عذابی بدانها بفرستد. فرمود که آن عذاب یا مسخ است یا به دست ما (آنها را عذاب

۱- طوسی، محمد بن حسن، رجال طوسی، تصحیح جواد قیومی اصفهانی، چاپ سوم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسین، ۱۳۷۳ش، ص ۳۹۱.

۲- توبه(۹)، ۵۲.

۳- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، ج۸، ص۲۸۵ه، ح ۴۳۱.

کند)که آن کشتن آنها است. خدای جلّ حلاله به پیامبرش فرمود: بگو منتظر باشید که ما نیز با شما از منتظران هستیم و مقصود انتظار وقوع بلا به دشمنان است.

بررسی روایت

در سند روایت علی بن عباس وجود دارد که وی به غلو و ضعف شخصیّت متهم است.(۱) همچنین این روایت مهمل نیز می باشد؛ زیرا از حسن بن عبدالرحمن(حمانی) اطّلاعاتی در کتابهای رجالی وجود ندارد.

۷-۶-۳. بِهَذَا الْإِسْنَادِ(عَلِيُّ بن مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بن الْعَبَّاسِ عَنِ الْحَسَنِ بن عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَاصِمِ بن حُمَيْدٍ عَنْ أَبِی حَمْزَه) عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ(قُلْ ما أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَ ما أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعالَمِينَ)... قال: وَ سَيَخْتَلِفُونَ فِی الْكِتَابِ الَّذِی مَعَ الْقَائِمِ الَّذِی يَأْتِيهِمْ بِهِ حَتَّی يُنْكِرُهُ نَاسٌ كَثِيرٌ فَيُقَدِّمُهُمْ فَيَضْرِبُ أَعْنَاقَهُم؛(۲)

محققاً درکتابی که با قائم(عج) است و برای آنها خواهد آورد، اختلاف خواهند کرد تا بدان حد که جمع زیادی آن را انکار می کنند، سپس قائم(عج) آنها را پیش آورده و گردن آنها را می زند.

بررسی روایت

در سند این روایت نیز علی بن عباس و حسن بن عبدالرحمن(حمانی) وجود دارد که شرح حالشان پیش از این بیان شد.

۸-۶-۳. حَدَّثَنَا رِشْدِينُ، عَنِ ابن لَهِيعَهَ، عَنْ عَيَّاشِ بن عَبَّاسٍ الزُّرَقِيِّ،

۱- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص۲۵۵.

۲- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، ج۸، ص۲۸۷، ح۴۳۲.

عَنِ ابن زُرَيْرٍ، عَنْ عَلِيٍّ، رَضِىَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: يُرْسِلُ اللَّهُ عَلَى أَهْلِ الشَّام مَنْ يُفَرِّقُ جَمَاعَتَهُمْ، حَتَّى لَوْ قَاتَلَتْهُمُ الثَّعَالِبُ غَلَبَتْهُمْ، وَعِنْدَ ذَلِكَ يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِى فِي ثَلَاثِ رَايَاتٍ،. . .، أَمَارَتُهُمْ: أَمِتْ أَمِتْ...؛(۱)

خداوند کسی را به سوی شام می فرستد که جماعت آنان را متفرق می سازد به طوریکه اگر گرگ ها به مقابله با آنان بیایند، آنها را شکست می دهند. در آن هنگام است مردی از خاندان من قیام می کند در قالب سه پرچم... شعار آنها بکُش بکُش است.

بررسی روایت

در سند روایت ابن لهیعه وجود دارد که وی فردی ضعیف است چنان که ابن معین در توصیف وی گفته است: «ضعیفٌ لا یحتجُ به».(۲)

۹-۶-۳. حَدَّثَنَا ابن وَهْبٍ، عَنِ ابن لَهِيعَةَ، عَنِ الْحَارِثِ بن يَزِيدَ، سَمِعَ ابن زُرَيْرٍ الْغَافِقِيَّ، سَمِعَ عَلِيًّا، يَقُولُ:... لَا يَلْقَاهُ عَدُوٌّ إِلَّا هَزَمَهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ، شِعَارُهُمْ: أَمِتْ أَمِتْ؛(۳)

... قائم به دشمنی برنمی خورد مگر اینکه به اذن خداوند او را شکست می دهد؛ شعار قائم(عج) و اصحابش بکُش بکُش است.

بررسی روایت

در سند این روایت نیز ابن لهیعه وجود دارد که شرح حال وی گذشت.

۱۰-۶-۳. حَدَّثَنَا سُوَيْدُ بن عَبْدِ الْعَزِيزِ، عَنْ إِسْحَاقَ بن أَبِي فَرْوَةَ، وَابن شَابُورَ، جَمِيعًا عَنْ مَكْحُولٍ، عَنْ حُذَيْفَةَ بن الْيَمَانِ، رَضِىَ اللَّهُ عَنْهُ

۱- مروزی، نعیم بن حماد، الفتن، ج۱، ص۳۴۹، ح۱۰۰۷.

۲- ذهبی، شمس الدین ابو عبد الله محمد بن أحمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، تحقیق الشیخ علی محمد معوض والشیخ عادل أحمد عبدالموجود، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۵م، ج۴، ص۱۶۷.

۳- مروزی، نعیم بن حماد، الفتن، ج۱، ص۳۴۸، ح۱۰۰۵.

قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: ... ثُمَّ یَفْتَرِقُونَ وَیَخْتَبِئُونَ تَحْتَ کُلِّ شَجَرٍ وَحَجَرٍ، حَتَّی یَقُولَ الشَّجَرُ: یَا عَبْدَ اللَّهِ یَا مُسْلِمُ! تَعَالَ، هَذَا یَهُودِیٌّ وَرَائِی فَاقْتُلْهُ؛(۱)

سپس پراکنده می شوند و زیر هر درخت و سنگی پنهان می گردند تا اینکه درخت می گوید: ای بنده خدا، ای مسلمان! بیا این جا، این یک یهودی است که پشت سر من است، پس او را بکش.

بررسی روایت

در سند روایت سوید بن عبد العزیز وجود دارد که نسائی در مورد وی گفته است او ثقه نیست و ضعیف است.(۲)

۱۱-۶-۳ عِدَّهٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بن زِیَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بن الْحَسَنِ بن شَمُّونٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بن عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ مَالِکِ بن عَطِیَّهَ عَنْ أَبَانِ بن تَغْلِبَ قَالَ: قَالَ لِی ابو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام :دَمَانِ فِی الْإِسْلَامِ حَلَالٌ مِنَ اللَّهِ لَا یَقْضِی فِیهِمَا أَحَدٌ حَتَّی یَبْعَثَ اللَّهُ قَائِمَنَا أَهْلَ الْبَیْتِ فَإِذَا بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ قَائِمَنَا أَهْلَ الْبَیْتِ حَکَمَ فِیهِمَا بِحُکْمِ اللَّهِ لَا یُرِیدُ عَلَیْهِمَا بَیِّنَهً الزَّانِی الْمُحْصَنُ یَرْجُمُهُ وَ مَانِعُ الزَّکَاهِ یَضْرِبُ عُنُقَه؛(۳)

ابن شمّون گوید که امام صادق علیه السلام فرمود: دو خون است که ریختن آنها از طرف خداوند حلال است، ولی تا قبل از قیام قائم(عج) اجازه آنها داده نشده است، پس هر گاه خداوند او را برانگیزد، بدون بینه قضاوت کرده (و اجازه ریختن آنها را خواهد

۱- مروزی، نعیم بن حماد، الفتن، ج۲، ص۵۶۸، ح۱۵۹۱.

۲- عسقلانی الشافعی، أحمد بن علی بن حجر ابو الفضل، تهذیب التهذیب، چاپ اول، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۴ق، ج۴، ص۲۴۲.

۳- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، ج۳، ص۵۰۳، ح۵.

داد) یکی خون زناکاری است که دارای همسر است و او را سنگسار می کند و دیگری خون مانع الزّکات است که حضرت گردن وی را می زند.

بررسی روایت

در سند این روایت افراد بسیار ضعیفی وجود دارد؛ یکی محمدبن حسن شمون که وی فردی غالی(۱)، واقفی مذهب، ضعیف و فاسد المذهب است(۲). دیگری عبدالله بن عبدالرحمن الاصمّ فردی ضعیف و غالی که از دروغسازان بصره بوده است.(۳)

نکته

همین روایت در کمال الدین نیز با سندی متفاوت نقل شده است که سند آن عبارت است از:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن الْحَسَنِ بن أَحْمَدَ بن الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ يَعْقُوبَ بن يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بن أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبَانِ بن عُثْمَانَ عَنْ أَبَانِ بن تَغْلِبَ قَالَ: قَالَ ابو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:... .(۴)

۱۲-۶-۳. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بن مُحَمَّدِ بن سَعِيدٍ ابن عُقْدَةَ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بن الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بن خَالِدٍ عَنْ ثَعْلَبَةَ بن مَيْمُونٍ عَنِ الْحَسَنِ بن هَارُونَ بَيَّاعِ الْأَنْمَاطِ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام جَالِساً فَسَأَلَهُ الْمُعَلَّى بن خُنَيْسٍ أَيَسِيرُ الْقَائِمُ إِذَا قَامَ بِخِلَافِ سِيرَةِ عَلِيٍّ عليه السلام فَقَالَ نَعَمْ وَ ذَاكَ أَنَّ عَلِيّاً سَارَ بِالْمَنِّ وَ الْكَفِّ لِأَنَّهُ عَلِمَ أَنَّ شِيعَتَهُ

۱- طوسی، محمد بن حسن، رجال طوسی، ص۴۰۲.

۲- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص۳۳۵.

۳- حلی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال(رجال)، ص۲۳۸.

۴- ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۶۷۱، ح۲۱.

سَيُظْهَرُ عَلَيْهِمْ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَنَّ الْقَائِمَ إِذَا قَامَ سَارَ فِيهِمْ بِالسَّيْفِ وَ السَّبْيِ وَ ذَلِکَ أَنَّهُ يَعْلَمُ أَنَّ شِيعَتَهُ لَمْ يُظْهَرْ عَلَيْهِمْ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدا؛(۱)

حسن بن هارون نمدفروش گويد: نزد امام صادق عليه السلام نشسته بودم که معلّی بن خنيس از آن حضرت پرسيد: آيا وقتی امام قائم عليه السلام قيام نمود بر خلاف روش علی عليه السلام رفتار خواهد کرد؟ فرمود: آری، بدان جهت که علی با منّت گذاشتن و دست برداشتن (از مردم و مخالفين) رفتار می نمود برای اينکه می دانست پس از او پيروانش به زودی مغلوب دشمنان خواهند شد و اينکه قائم(عج) چون قيام کند در ميان ايشان با شمشير و اسير ساختن رفتار خواهد کرد، زيرا او می داند که شيعه او پس از او هرگز مغلوب دشمنان نمی شوند.

بررسی روايت

در سند اين روايت محمد بن خالد وجود دارد که مرحوم آيت الله خويی وی را به نظر نجاشی مهمل دانسته است(۲)، همچنين حسن بن هارون نيز ناشناخته است. افزون بر اينها مضمون روايت نيز با روايتهای ديگری که سيره حضرت مهدی(عج) را همان سيره اميرالمومنين عليه السلام می داند، مخالف است؛ بنابراين نمی توان به آن اعتماد کرد.

۱۳-۶-۳. أَحْمَدُ بن إِدْرِيسَ عَنْ عَلِيِّ بن الْفَضْلِ عَنْ أَحْمَدَ بن عُثْمَانَ عَنْ أَحْمَدَ بن رِزْقٍ عَنْ يَحْيَى بن الْعَلَاءِ الرَّازِيِ قَالَ: سَمِعْتُ ابا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: يُنْتِجُ اللَّهُ تَعَالَى فِي هَذِهِ الْأُمَّهِ رَجُلًا مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُ يَسُوقُ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ بَرَکَاتِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ فَيُنْزِلُ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ يُخْرِجُ

۱- نعمانی، محمد بن ابراهيم، غيبت نعمانی، ص۲۳۷، ب۱۳، ح۱۶.

۲- موسوی خويی، ابوالقاسم، معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواه، ج ۱۶، ص۶۲.

الْأَرْضُ بَذْرَهَا وَ تَأْمَنُ وُحُوشُهَا وَ سِبَاعُهَا وَ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً وَ يَقْتُلُ حَتَّى يَقُولَ الْجَاهِلُ: لَوْ كَانَ هَذَا مِنْ ذُرِّيَّةِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله لَرَحِمَ؛(۱)

خداونـد متعـال در این امت مردی را به وجود می آورد که او از من است و من از او می بـاشم. خداونـد به سـبب وی برکـات آسمانها و زمین را به پیش می راند، سپس آسمان باران خود را فرو می فرستد و زمین ثمره خود را آشکار می کند و حیوانات نا اهلی و وحشـی قابل اعتماد می شونـد، وی زمین را پر از عدل و داد می کند همانطورکه از ظلم و جور پر شده است، وچنان می کشد که فرد جاهل می گوید: اگر این مرد از ذریه محمد بود قطعا رحم می کرد.

بررسی روایت

در سـند روایت احمد بن عثمان وجود دارد که وی فردی ناشناخته است، خود این روایت نیز مجهول است زیرا یکی از روات آن(علی بن فضل) مجهول الحال(۲) می باشد.

۱۴-۶-۳ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بن مُحَمَّدِ بن سَعِيدٍ قَالَ: حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بن مُحَمَّدِ بن الْحَسَنِ بن حَازِمٍ قَالَ: حَدَّثَنَا عُبَيْسُ بن هِشَامٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بن جَبَلَهَ عَنْ عَلِيِّ بن أَبِي الْمُغِيرَهِ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بن شَرِيكٍ الْعَامِرِيُ عَنْ بِشْرِ بن غَالِبٍ الْأَسَدِيِّ قَالَ: قَالَ لِيَ الْحُسَيْنُ بن عَلِيٍّ علیه السلام يَا بِشْرُ مَا بَقَاءُ قُرَيْشٍ إِذَا قَدَّمَ الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ مِنْهُمْ خَمْسَمِائَهِ رَجُلٍ فَضَرَبَ أَعْنَاقَهُمْ صَبْراً ثُمَّ قَدَّمَ خَمْسَمِائَهٍ فَضَرَبَ أَعْنَاقَهُمْ صَبْراً ثُمَّ

۱- طوسی، محمد بن حسن، غیبت طوسی، ص۱۸۸، ح ۱۴۹.

۲- مجهول الحال: راوی که توثیق نشده است (محمدرضا، جدیدی نژاد معجم مصطلحات الرجال و الدرایه، ص۱۴۷).

خَمْسَمِائَةٍ فَضَرَبَ أَعْنَاقَهُمْ صَبْراً. قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ أَ يُبْلَغُونَ ذَلِكَ؟ فَقَالَ الْحُسَيْنُ بن عَلِيٍّ علیه السلام: إِنَّ مَوْلَى الْقَوْمِ مِنْهُمْ قَالَ فَقَالَ لِي بَشِيرُ بن غَالِبٍ أَخُو بِشْرِ بن غَالِبٍ: أَشْهَد أَنَّ الْحُسَيْنَ بن عَلِيٍّ علیه السلام عَدَّ عَلَى أَخِي سِتَّ عَدَّاتٍ أَوْ قَالَ سِتَّ عَدَدَاتٍ عَلَى اخْتِلَافِ الرِّوَايَه؛(۱)

بشر بن غالب اسدی گوید: حسین بن علی علیهما السلام به من فرمود: ای بشر، قریش را چه به جای می ماند هنگامی که قائم مهدی(عج) پانصد نفر از ایشان را پیش کشد و دست بسته گردن آنها را بزند، سپس پانصد نفر دیگر از ایشان را جملگی دست بسته گردنهایشان را بزند و دیگر بار پانصد نفر از آنان را دست بسته گردن بزند. راوی گوید: به آن حضرت عرض کردم: خداوند حال شما را اصلاح فرماید، آیا آنان بدان مقدار می رسند؟ پس حسین بن علی علیهما السلام فرمود: همانا هم پیمان و هم عقیده هر قوم جزئی از آنان محسوب می شود. راوی گوید: بشیر بن غالب برادر بشر بن غالب به من گفت: من گواهم که حسین بن علی علیهما السلام شش مرتبه برای برادرم بر شمرد- یا شش بار گفت- بر اساس اختلاف روایات.

بررسی روایت

در سند روایت قاسم بن محمد بن حسن بن حازم وجود دارد که وی فردی ناشناخته است و بشر بن غالب اسدی فردی است که ویژگی وی در کتب رجالی بیان نشده است و به اصطلاح حدیثی مجهول می باشد، مضمون روایات نیز با محکمات دینی و عقلی تطبیق نمی کند، به ویژه کشتن به شکل «صبراً» یعنی کشتن با بستن و در تنگنا قرار دادن مقتول.

۱- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص ۲۴۰-۲۴۱، ب۱۳، ح۲۳.

۱۵-۶-۳. حَدَّثَنَا حَمْزَةُ بن یَعْلَی عَنْ مُحَمَّدِ بن الْفُضَیْلِ عَنِ الرِّبْعِیِّ عَنْ رُفَیْدٍ مَوْلَی أَبِی هُبَیْرَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام :جُعِلْتُ فِدَاکَ یَا ابن رَسُولِ اللَّهِ! یَسِیرُ الْقَائِمُ بِسِیرَهِ عَلِیِّ بن أَبِی طَالِبٍ فِی أَهْلِ السَّوَادِ؟ فَقَالَ: لَا، یَا رُفَیْدُ! إِنَّ عَلِیَّ بن أَبِی طَالِبٍ سَارَ فِی أَهْلِ السَّوَادِ بِمَا فِی الْجَفْرِ الْأَبْیَضِ وَ إِنَّ الْقَائِمَ یَسِیرُ فِی الْعَرَبِ بِمَا فِی الْجَفْرِ الْأَحْمَرِ. قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاکَ وَ مَا الْجَفْرُ الْأَحْمَرُ؟ قَالَ: فَأَمَرَّ إِصْبَعَهُ إِلَی حَلْقِهِ فَقَالَ: هَکَذَا، یَعْنِی الذَّبْحَ...؛(۱)

رفید گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم:یابن رسول الله، آیا قائم(عج) مطابق سیره علی بن ابی طالب علیه السلام با مردم سواد (عراق) عمل می کند؟ فرمود: نه ای رفید! همانا علی بن ابی طالب با اهل سواد مطابق آنچه در جفر ابیض بود عمل می نمود، ولی قائم(عج) با اعراب مطابق آنچه در جفر احمر هست عمل خواهد کرد. پرسیدم: فدایت شوم جفر احمر چیست؟ رفید گفت: حضرت انگشت خود را به حلق خود کشید و فرمود: این چنین، یعنی ذبح.

بررسی روایت

جناب رفید در کتاب های رجالی توثیق نشده است، همچنین محمد بن فضیل فردی ضعیف(۲)و متهم به غلو است.(۳)

در توضیح جفر ابیض و جفر احمر از امام صادق علیه السلام روایتی وارد شده است که بدان اشاره می کنیم:

۱- صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمّد صلی الله علیه و آله، تصحیح محسن بن عباسعلی کوچه باغی، چاپ دوم، قم، مکتبه آیهالله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق، ص۱۵۲، ب۱۴، ح۴.

۲- طوسی، محمد بن حسن، رجال طوسی، ص۳۴۳.

۳- موسوی خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، ج۱۷، ص۱۴۵، ش۱۱۵۴۶.

- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بن مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بن الْحَكَمِ عَنِ الْحُسَيْنِ بن أَبِي الْعَلَاءِ قَالَ: سَمِعْتُ ابا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ: إِنَّ عِنْدِي الْجَفْرَ الْأَبْيَضَ. قَالَ: قُلْتُ: فَأَيُّ شَيْ ءٍ فِيهِ؟ قَالَ: زَبُورُ دَاوُدَ وَ تَوْرَاةُ مُوسَى وَ إِنْجِيلُ عِيسَى وَ صُحُفُ إِبْرَاهِيمَ علیه السلام وَ الْحَلَالُ وَ الْحَرَامُ وَ مُصْحَفُ فَاطِمَةَ مَا أَزْعُمُ أَنَّ فِيهِ قُرْآناً وَ فِيهِ مَا يَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَيْنَا وَ لَا نَحْتَاجُ إِلَى أَحَدٍ حَتَّى فِيهِ الْجَلْدَةُ وَ نِصْفُ الْجَلْدَةِ وَ رُبُعُ الْجَلْدَةِ وَ أَرْشُ الْخَدْشِ وَ عِنْدِي الْجَفْرَ الْأَحْمَرَ. قَالَ: قُلْتُ: وَ أَيُّ شَيْ ءٍ فِي الْجَفْرِ الْأَحْمَرِ؟ قَالَ: السِّلَاحُ وَ ذَلِكَ إِنَّمَا يُفْتَحُ لِلدَّمِ يَفْتَحُهُ صَاحِبُ السَّيْفِ لِلْقَتْلِ. فَقَالَ لَهُ عَبْدُ اللَّهِ بن أَبِي يَعْفُورٍ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ أَ يَعْرِفُ هَذَا بنو الْحَسَنِ؟ فَقَالَ: إِي وَ اللَّهِ كَمَا يَعْرِفُونَ اللَّيْلَ أَنَّهُ لَيْلٌ وَ النَّهَارَ أَنَّهُ نَهَارٌ وَ لَكِنَّهُمْ يَحْمِلُهُمُ الْحَسَدُ وَ طَلَبُ الدُّنْيَا عَلَى الْجُحُودِ وَ الْإِنْكَارِ وَ لَوْ طَلَبُوا الْحَقَّ بِالْحَقِّ لَكَانَ خَيْراً لَهُمْ؛(۱)

حسین بن ابی العلاـ گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: همانا جفر سفید نزد من است. عرض کردم: در آن چیست؟ فرمود: زبور داود، تورات موسی، انجیل عیسی، صحف ابراهیم و حلال و حرام و مصحف فاطمه و معتقد نیستم که در مصحف چیزی از قرآن باشد؛ در آن است آنچه مردم به ما احتیاج دارند و ما به کسی احتیاج نداریم، حتی مجازات یک تازیانه و نصف تازیانه و یک چهارم تازیانه و جریمه خراش در آن هست. و جفر سرخ هم نزد من است. عرض کردم: در جفر سرخ چیست؟ فرمود: اسلحه است و آن تنها برای خونخواهی گشوده می شود و صاحب شمشیر (امام قائم(عج)) آن را برای کشتن باز می کند. ابن ابی یعفور به حضرتش عرض کرد: اصلحک الله. پسران حسن او را می شناسند؟ فرمود:

۱- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، ج۱، ص۲۴۰، ح۳.

آری، به خدا می شناسند؛ چنانکه روز و شب را می شناسند و تشخیص می دهند که این روز است و این شب، ولی حسد و دنیاطلبی ایشان را بر سرپیچی و انکار وامی دارد و اگر ایشان حق را از راه حق جویند، برایشان بهتر است.

۱۶-۶-۳. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بن مُحَمَّدٍ عَنِ ابن سِنَانٍ عَنْ رُفَيْدٍ مَوْلَى أَبِی هُبَيْرَةَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: قَالَ لِی: يَا رُفَيْدُ! كَيْفَ أَنْتَ إِذَا رَأَيْتَ أَصْحَابَ الْقَائِمِ قَدْ ضَرَبُوا فَسَاطِيطَهُمْ فِی مَسْجِدِ الْكُوفَهِ ثُمَّ أَخْرَجَ الْمِثَالَ الْجَدِيدَ عَلَى الْعَرَبِ الشَّدِيدِ قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا هُوَ؟ قَالَ: الذَّبْحُ. قَالَ: قُلْتُ: بِأَیِّ شَیْ ءٍ يَسِيرُ فِيهِمْ بِمَا سَارَ عَلِیٌّ بن أَبِی طَالِبٍ فِی أَهْلِ السَّوَادِ؟ قَالَ: لَا يَا رُفَيْدُ! إِنَّ عَلِيّاً علیه السلام سَارَ بِمَا فِی الْجَفْرِ الْأَبْيَضِ وَ هُوَ الْكَفُّ وَ هُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ سَيَظْهَرُ عَلَى شِيعَتِهِ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَنَّ الْقَائِمَ يَسِيرُ بِمَا فِی الْجَفْرِ الْأَحْمَرِ وَ هُوَ الذَّبْحُ وَ هُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يَظْهَرُ عَلَى شِيعَتِهِ؛(۱)

رفید گوید که امام صادق علیه السلام به من فرمود: ای رفید! چگونه هستی وقتی اصحاب قائم(عج) را مشاهده کنی که خیمه های خود را در مسجد کوفه برپا می دارند، سپس قائم (عج) برنامه ای جدید را که برای اعراب شدید است، ارائه می دهد. رفید گفت: پرسیدم: فدایت شوم، آن برنامه چیست؟ حضرت فرمود: کشتن، گفتم به چه روشی عمل خواهد کرد در مورد آنان، آیا همچون سیره علی در مورد مردم سواد عمل خواهد کرد؟ فرمود: خیر ای رفید! همانا علی بن ابی طالب با جفر ابیض که همان گذشت و کف از دشمن است، عمل می کرد، زیرا او می دانست که در آینده نزدیکی شیعیانش مغلوب دشمنان می شوند؛ اما قائم(عج) مطابق با جفر

۱- صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل صلی الله علیه و آله، ص۱۵۵، ب۱۴، ۱۳.

احمر که همان کشتن است، عمل می کند، زیرا او می داند که شیعیانش شکست نخواهند خورد.

بررسی روایت

در سند رفید وجود دارد که شرح وی در حدیث پیشین گذشت. همچنین ابن سنان نیز مشترک(۱) بین محمد و عبدالله است که محمد بن سنان در رجال نجاشی تضعیف شده است.(۲)

۱۷-۶-۳. عَن سَلامِ بن المُستَنیرِ عَن أَبی جَعفَرٍ علیه السلام فی قَولِه: «وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنا لِوَلِیِّهِ سُلْطاناً- فَلا یُسْرِفْ فِی الْقَتْلِ إِنَّهُ کانَ مَنْصُوراً»(۳) قالَ: هُوَ الحُسَینُ بن عَلی علیه السلام قُتِلَ مَظلوماً وَ نحنُ أَولیاؤُهُ، وَ القائِمُ مِنّا إذا قامَ مِنّا طَلَبَ بِثارِ الحُسینِ، فَیَقتُلَ حتّی یُقالُ: قَد أَسرَفَ فی القَتلِ، وَ قالَ:. . . المَقتولُ الحُسینُ علیه السلام و وَلیُّه القائِمُ، و الإسرافُ فی القَتلِ- أَن یَقتُلَ غَیرَ قاتِلِه؛(۴)

از سلام بن مستنیر از امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه بالا روایت است که فرمودند: همانا مقتول مظلوم حسین است و ما اولیاء وی هستیم و قائم(عج) که از ماست هنگامی که قیام کند خونخواهی حسین علیه السلام را خواهد نمود، پس چنان می کشد که گفته می شود در قتل و کشتار اسراف کرده است. . . همچنین فرمود: مقتول حسین است و ولی(خونخواه) وی قائم (عج) است و مراد از اسراف در قتل آن است که کسی غیر از قاتل او را می کشد.

۱- مشتَرَک: حدیثی که یکی از رجال سند آن بین ثقه و غیر ثقه مشترک باشد. (کاظم، شانه چی، درایه الحدیث، ص۷۶).

۲- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص۳۲۸.

۳- اسراء(۱۷)، ۳۳.

۴- عیاشی سلمی سمرقندی، محمد بن مسعود بن عیاش، تفسیرعیاشی، ج۲، ص۲۹۰، ح۶۷.

بررسی روایت

راوی این حدیث سلام بن مستنیر می باشد که وی فردی است که در کتاب های رجالی توصیف و توثیق وی نیامده است، بنابراین به این حدیث نمی توان اعتماد کرد.

۱۸-۶-۳. وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ أَحْمَدَ بن إِدْرِيسَ عَنْ عَلِيِّ بن مُحَمَّدِ بن قُتَيْبَهَ عَنِ الْفَضْلِ بن شَاذَانَ عَنْ عَمْرِو بن عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بن عُذَافِرٍ عَن عُقْبَهَ بن يُونُسَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بن شَرِيكٍ فِی حَدِيثٍ لَهُ اخْتَصَرْنَاهُ قَالَ: مَرَّ الْحُسَيْنُ علیه السلام عَلَی حَلْقَهٍ مِنْ بنی أُمَيَّهَ وَ هُمْ جُلُوسٌ فِی مَسْجِدِ الرَّسُولِ صلی الله علیه و آله فَقَالَ: أَمَا وَ اللَّهِ لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّی يَبْعَثَ اللَّهُ مِنِّی رَجُلًا يَقْتُلُ مِنْكُمْ أَلْفاً وَ مَعَ الْأَلْفِ أَلْفاً وَ مَعَ الْأَلْفِ أَلْفاً. فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّ هَؤُلَاءِ أَوْلَادُ كَذَا وَ كَذَا لَا يَبْلُغُونَ هَذَا فَقَالَ: وَيْحَكَ إِنَ فِی ذَلِكَ الزَّمَانِ يَكُونُ لِلرَّجُلِ مِنْ صُلْبِهِ كَذَا وَ كَذَا رَجُلًا وَ إِنَّ مَوْلَی الْقَوْمِ مِنْ أَنْفُسِهِم؛(۱)

عبدالله بن شریک گوید: امام حسین علیه السلام از کنار گروهی از بنی امیه که در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بودند، گذشت، سپس فرمود: به خدا سوگند دنیا به پایان نمی رسد تا اینکه خداوند مردی که از من است را بر می انگیزد و از شما هزار و همرا ه هزار، هزار نفر و همچنین همراه هزار نفر، هزار نفر را می کشد، سپس گفتم: فدایت شوم همانا اینان فرزندان چنین و چنان به این تعداد نمی رسند، پس امام علیه السلام فرمود: وای بر تو، در آن زمان مرد از صلب وی چنین و چنان مرد است و همانا هم پیمان و هم عقیده هر قوم جزء آنان محسوب می شود.

۱- طوسی، محمد بن حسن، غیبت طوسی، ص۱۹۰، ح۱۵۳.

بررسی روایت

در سند روایت عقبه بن یونس و عبیدالله بن شریک هر دو مجهول هستند و نامی از ایشان در کتاب های رجالی نیست.

۱۹-۶-۳. عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بن مُحَمَّدٍ عَنِ ابن مَحْبُوبٍ عَنِ الْأَحْوَلِ عَنْ سَلَّام بن الْمُسْتَنِيرِ قَالَ: سَمِعْتُ ابا جَعْفَرٍ علیه السلام يُحَدِّثُ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَرَضَ الْإِيمَانَ عَلَى كُلِّ نَاصِبٍ فَإِنْ دَخَلَ فِيهِ بِحَقِيقَةٍ وَ إِلَّا ضَرَبَ عُنُقَهُ أَوْ يُؤَدِّيَ الْجِزْيَةَ كَمَا يُؤَدِّيهَا الْيَوْمَ أَهْلُ الذِّمَّةِ وَ يَشُدُّ عَلَى وَسَطِهِ الْهِمْيَانَ وَ يُخْرِجُهُمْ مِنَ الْأَمْصَارِ إِلَى السَّوَاد؛(۱)

سلام بن مستنیر گوید: شنیدم از امام باقر علیه السلام که می فرمود: هنگامی که حضرت قائم(عج) ظهور کند، ایمان را بر هر شخص ناصبی عرضه کنند. پس اگر از روی حقیقت ایمان آورد که هیچ، وگر نه گردنش را می زنند یا باید جزیه بپردازد چنانچه امروزه اهل ذمه (کافرانی که بر اساس شرایطی در پناه اسلام زندگی می کنند) آن را می پردازند، و همیانی به کمرشان می بندند و آنها را از شهرها بیرون کرده به روستاها می فرستند.

بررسی روایت

این روایت از سلام بن مستنیر نقل شده است و همانطورکه پیش از این اشاره شد وی فردی مجهول است؛ بنابراین، این روایت ضعیف است و نمی توان به آن اعتماد کرد.

۲۰-۶-۳. حدّثنا الحسینُ بن أَحمدِ المالِکی، قالَ: حدّثنا محمَّدٌ بن عیسی، عَن یونسَ بن عَبدُ الرَّحمنِ، عَن سورهِ بن کَلیب، عَن أَبی عَبدِ الله علیه السلام قالَ: ... فإِذا قامَ قائِمُنا سَقَطتِ التَّقیهُ وجَرَّدَ السَّیفُ،

۱- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، ج۸، ص۲۲۷، ح۲۸۸.

وَلَم یَأخُذ مِنَ النّاسِ ولَم یُعطِهِم إلاّ بِالسَّیف؛(۱)

امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که قائم(عج) قیام کند، تقیه باطل می شود و قائم(عج) شمشیرش را برهنه می کند و از مردم جز شمشیر نمی گیرد و به آنها جز شمشیر نمی دهد.

بررسی روایت

در سند روایت حسین بن احمد مالکی وجود دارد که وی فردی مجهول است و از مذهب وی اطلاعی در دست نیست.

پاسخی دیگر در نقد دیدگاه افراطی

اشاره

در پاسخ به وهابی ها و پیروان مکتب سقیفه که این روایات ضعیف را مستمسک قرار می دهند تا مردم را نسبت به حضرت مهدی(عج) بدبین نمایند، باید گفت چرا خود سری به پرونده خلفای سه گانه نمی زنند؟

حضرت مهدی (عج) برای اجرای عدالت، دنیا طلبان و زورمدارانی که تسلیم حق نمی شوند را از سر راه اسلام و مسلمانان برخواهد داشت؛ اما خلفای سه گانه برای رسیدن به چه هدفی مردم را قتل عام می کردند؟

در تاریخ ۲۵ ساله حکومت خلفای سه گانه، کشتارهایی در کشورهای همسایه انجام شده است که در طول تاریخ بشریت سابقه نداشته است. اکنون به چند نمونه از این کشتارها اشاره می کنیم:

الف)جنگ ذات العیون(سال دوازده ه.ق، زمان خلیفه اول ابوبکر)

۱. خالد بن ولید، همان کسی که اهل سنت از او با عنوان «سیف الله» یاد می کنند و دست راست خلیفه اول به شمار می آمد، در نبرد فتح الانبار، به

۱- ابن جحام، محمد بن عباس بزاز، تأویل ما نزل من القرآن الکریم فی النبی وآله، ص۲۸۸، ح۳۰۱.

تیر انـدازان خود دسـتور داد که چشـمان مردم را هـدف بگیرنـد. آنـان نیز در آن روز هزار نفر را کور کردنـد؛ تـا آنجاکه این جنگ به «ذات العیون» معروف گشت.

قَـدِمَ خَالِـدٌ عَلَى الْمُقَـدِّمَهِ، فَأَطَافَ بِالْخَنْدَقِ وَأَنْشَبَ الْقِتَالَ، وَكَانَ قَلِيلَ الصَّبْرِ عَنْهُ إِذَا رَآهُ أَوْ سَـمِعَ بِهِ، وَتَقَدَّمَ إِلَى رُمَاتِهِ فَأَوْصَاهُمْ، وَقَـالَ: إِنِّي أَرَى أَقْوَامًا لا عِلْمَ لَهُمْ بِالْحَرْبِ، فَارْمُوا عُيُونَهُمْ وَلا تَوَخُّوا غَيْرَهَا، فَرَمَوْا رَشْـقًا وَاحِـدًا ثُمَّ تَابَعُوا فَفُقِئَ أَلْفُ عَيْنٍ يَوْمَئِـذٍ، فَسُمِّيَتْ تِلْكَ الْوَقْعَهُ ذَاتَ الْعُيُونِ، وَتَصَايَحَ الْقَوْمُ: ذَهَبَتْ عُيُونُ أَهْلِ الأَنْبَارِ؛(۱)

خالد، پیشاپیش لشکر آمد. اطراف خندق می چرخید و آتش جنگ را شعله ور می کرد. او هر وقت جنگی را می دید و یا می شنیـد، بسـیار کم طاقت می شـد، پیش تیرانـدازان رفت و به آن ها این چنین سـفارش کرد: من می بینم که این مردم جنگیـدن نمی دانند؛ پس چشمان آن ها را هدف تیر قرار دهید و جای دیگر هدر ندهید؛ سپس خودش یک تیر رها کرد و تیراندازان به دنبـال او هزار چشم را در این روز هـدف قرار دادنـد؛ از این رو، این روز به «ذات العیون» نام گرفت، مردم فریاد می زدنـد که چشمان مردم انبار کور شد.

۲. ابن اثیر در الکامل فی التاریخ می نویسد:

ذِكْرُ فَتْحِ الأَنْبَارِ: ثُمَّ سَارَ خَالِدٌ على تَعْبِيَتِهِ إلى الأنبار، وأنما سمى الأنبار لأن أهراء الطعام كانت بها أنابير، وعلى مقدمتِه الأقرع بن حابس. فلما بَلَغَها أطاف بها، وأَنْشَبَ القتالَ، وكان قليلُ الصبرِ عنه وتَقَدَّم إلى رُمَاتِهِ أن يَقْصُدُوا عُيونَهُم فَرَمَوْا رَشْقًا وَاحِدًا،

۱- طـبری، ابو جعفر محمـد بن جریر بن یزیـد بن کثیر بن غـالب، تاریـخ الأـمم والرسـل والملوک(تاریخ الطبری)، چـاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۷ق، ج۲، ص۳۲۳.

ثم تابعوا فأصابُوا ألفَ عينٍ، فَسُمِّيَتْ تِلْكَ الْوَقْعَهُ ذَاتَ الْعُيُونِ؛(۱)

وقتی که شهر انبار فتح شد، خالد مأمور سر و سامان دادن به آن شهر شد (این شهر به آن دلیل انبار نامیده می شد که محل ذخیره مواد غذایی بود). پیشاپیش لشکریان وی شخصی به نام اقرع بن جابس بود که به محض رسیدن به شهر، اطراف آن را محاصره کرد و آتش جنگ را شعله ور ساخت. او مردی کم صبر بود، تیر اندازان را جلوی لشکر گذاشت و دستور داد تا چشم های مردم را هدف بگیرند و خود او نیز اولین تیر را رها کرد و لشکریان به دنبال او، چشم های مردم را هدف قرار دادند که به هزار چشم برخورد کرد؛ از این رو، این نبرد «ذات العیون» نام گرفت.

۳. شهاب الدین نویری در نهایه الأرب فی فنون الأدب می نویسد:

ذکر فتح الأنبار:قال: ثم سار خالد إلی الأنبار، وإنما سمیت الأنبار، لأن أهراء الطعام کانت بها أنابیر، وکان علی من بها من الجند شیرزاد صاحب ساباط، فلما التقوا أمر خالد رامته برشق السهام، وأن یقصدوا عیونهم، فرشقوا رشقاً واحداً، ثم تابعوا، فأصابوا ألف عین، فسمیت هذه الواقعه ذات العیون؛(۲)

داستان فتح الأنبار: سپس خالد به سوی الأنبار حرکت کرد، این شهر از آن رو انبار نامیده شده که محل نگهداری مواد غذایی بوده است، نگهبانان این شهر از لشکر شیرزاد صاحب ساباط بوده است.

۱- جزری، عزالدین بن الأثیر أبی الحسن علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، تحقیق عبد الله القاضی، چاپ دوم، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق، ج۲، ص۲۴۵.

۲- نویری، شهاب الدین أحمد بن عبد الوهاب، نهایه الأرب فی فنون الأدب، تحقیق مفید قمحیه وجماعه، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق، ج۱۹، ص۷۰.

هنگامی که با خالد روبه رو شدند، خالد دستور داد که آن ها به سوی آنان تیراندازی کنند و چشمان آن ها را هدف بگیرند، نخست خودش تیری پرتاب کرد و لشکریان نیز از او پیروی کردند؛ پس تیرهای آنان به هزار چشم برخوردکرد، به همین دلیل، این نبرد را «ذات العیون» نامیده اند.

۴. ابن کثیر در البدایه و النهایه می گوید:

فتح خالد للأنبار، وتسمی هذه الغزوات ذات العیون رکب خالد فی جیوشه فسار حتی انتهی إلی الأنبار وعلیها رجل من أعقل الفرس وأسودهم فی أنفسهم، یقال له شیرزاذ، فأحاط بها خالد وعلیها خندق وحوله أعراب من قومهم علی دینهم، واجتمع معهم أهل أرضهم، فمانعوا خالدا أن یصل إلی الخندق فضرب معهم رأسا، ولما تواجه الفریقان أمر خالد أصحابه فرشقوهم بالنبال حتی فقأوا منهم ألف عین، فتصایح الناس، ذهبت عیون أهل الأنبار، وسمیت هذه الغزوه ذات العیون؛(۱)

خالد، شهر انبار را فتح کرد و این جنگ ها «ذات العیون» نامیده شد. خالد سوار بر مرکب خود به انتهای شهر رفت و مردی از عاقل های فارس به نام «شیرزاد» همراه او بود. خالد شهر را محاصره کرد؛ ولی مردم در اطراف شهر خندق ایجاد کرده بودند. عده ای از مردان عرب زبان، اطراف خندق جمع شده بودند که به همراه صاحبان زمین ها مانع از نفوذ لشکر به داخل شهر شدند. خالد دستور داد سر یک نفر از آنان را جدا کنند. سپس فرمان داد که با تیر مردم را هدف قرار دهند تا این که چشم هزاران نفر از آنان

۱- ابن کثیر الدمشقی، إسماعیل بن عمر ابوالفداء القرشی، البدایه والنهایه، بیروت، مکتبه المعارف، بی تا، ج۶، ص ۳۴۹.

کور شود. فریـاد و نـاله مردم سراسـر آن جـا را فرا گرفت که چشم های مردمان کور شـد. بنابراین، این جنگ را «ذات العیون» نامیدند.

تذکر

اکنـون جـا دارد کـه از برادران اهـل سـنت بپرسـیم: خداونـد در کجـای قرآن گفتـه است که اگر کسـی اسـلام را قبـول نکرد، چشـمانش را کور کنید؟! آیا چنین کارهایی در زمان رسول خدا صـلی الله علیه و آله سابقه داشت یا از بدعت های خلیفه دوم بوده است؟

ب)کشتار هفتاد هزار نفر برای یک قسم (سال دوازده ه.ق، زمان خلیفه اول ابوبکر)

ابن اثیر جزری این مطلب را نقـل کرده که خالـد قسم خـورد اگر به مشـرکین دست پیـدا کنـد، جوی خون راه بینـدازد، به این ترتیب فقط برای یک قسم هفتاد هزار نفر را کشت:

واقتتلوا قتالا شدیـدا والمشـرکون یزیدهم کلبا وثبوتا توقعهم قدوم بهمن جاذویه فصابروا المسـلمین فقال خالد: اللهم إن هزمتهم فعلی أن لا أسـتبقی منهم من أقدر علیه حتی أجری من دمائهم نهرهم فانهزمت فارس فنادی منادی خالد الأسـراء الأسراء إلا من امتنع فاقتلوه فأقبل بهم المسـلمون أسراء ووکل بهم من یضرب أعناقهم یوما ولیله. فقال له القعقاع وغیره لو قتلت أهل الأرض لم تجر دماؤهم فأرسل علیها الماء تبر یمینک ففعل وسمی نهر الدم... وبلغ عدد القتلی سبعین ألفا؛(۱)

۱- جزری، عزالدین بن الأثیر أبی الحسن علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، ج۲، ص۲۴۲.

جنگ شدیدی درگرفت، مشرکین ایستادگی و پایداری می کردند و منتظر آمدن بهمن جاذویه بودند، مسلمانان نیز مقاومت کردند؛ پس خالد گفت: خدایا اگر آن ها را شکست دادم، سوگند یاد می کنم هیچ یک از کسانی را که به آن ها دست یافتم باقی نگذارم؛ مگر اینکه رود خون به راه بیندازم. اهالی فارس شکست خوردند، شخصی از مأموران خالد فریاد می زد: اسراء را بگیرید و هرکس مقاومت کرد، بکشید؛ پس مسلمانان آن ها را اسیر کردند و افرادی را مأمور کردند که شبانه روز گردن آن ها را بزنند. قعقاع و دیگران به خالد گفتند: اگر تمام مردم روی زمین را نیز بکشی، جوی خون راه نخواهد افتاد، آب را بر خون ها جاری کنید، تا از دست سوگندی که یاد کرده اید، آزاد شوید؛ خالد همین کار را کرد و نام آن رود را «رود خون» گذاشت. در این روز تعداد کشته شدگان به هفتاد هزار نفر می رسید.

پ) کشتار سی هزار نفر در یک روز (سال ۱۲ هجری قمری، زمان خلیفه اول ابوبکر)

ذکر وقعه الثنی: لما وصل کتاب هرمز إلی أردشیر بخبر خالد أمده بقارن بن قریانس فخرج قارن من المدائن ممد الهرمز فلما انتهی إلی المذار لقیته المنهزمون فاجتمعوا ورجعوا ومعهم قباذ وأنوشجان ونزلوا الثنی وهو النهر وسار إلیهم خالد فلقیهم واقتتلوا فبرز قارن فقتله معقل بن الأعشی بن النباش وقتل عاصم أنوشجان وقتل عدی بن حاتم قباذ وکان شرف قارن قد انتهی ولم یقاتل المسلمون بعده أحدا انتهی شرفه فی الأعاجم وقتل من الفرس مقتله عظیمه یبلغون ثلاثین ألفا سوی من غرق ومنعت المیاه المسلمین من

طلبهم؛(۱)

جنگ ثنی: وقتی نامه هرمز به اردشیر رسید و خبر خالد را برای او آورد، به قارن بن قریانس دستور داد که از مدائن به کمک هرمز برود. وقتی که به مذار رسید، شکست خوردگان به او رسیدند و همگی با هم جمع شدند و دوباره بازگشتند و در میان آنان قباد و انوشجان نیز بودند و در ثنی منزل گزیدند که نام نهری بود. خالد به سمت آنان رفت و جنگ کردند. قارن به جنگ آمد اما معقل بن اعشی بن نباش او را کشت؛ عاصم نیز انوشجان را کشت و عدی بن حاتم قباد را. و از ایرانیان گروه بسیاری کشته شدند که به سی هزار نفر می رسیدند! جدا از کسانی که در رود غرق شدند و آب مانع آن شد که مسلمانان بقیه ایرانیان را بگیرند!

ت) کشتار یک صد هزار نفر را در یک روز (سال سیزده ه.ق، زمان خلیفه دوم عمر)

ابن اثیر درباره جنگ های خلیفه دوم با ایرانیان می نویسد:

فما کانت بین المسلمین والفرس وقعه أبقی رمه منها بقیت عظام القتلی دهرا طویلا وکانوا یحزرون القتلی مائه ألف؛(۲)

هیچ جنگی بین مسلمانان و ایرانیان نبود که پس از آن جنازه ها مانند این جنگ بر جای بماند؛ استخوان کشته ها مدتی طولانی باقی ماند و کشته ها را یکصد هزار نفر می دانستند!

د)کشتار چهل هزار نفر، در یک روز (سال ۱۴، زمان خلیفه دوم عمر)

۱. طبری در تاریخ خود می نویسد:

فأما المقترنون فإنهم جشعوا فتهافتوا فی العتیق فوخزهم المسلمون

۱- جزری، عزالدین بن الأثیر أبی الحسن علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، ج۲، ص ۲۴۰.

۲- جزری، عزالدین بن الأثیر أبی الحسن علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، ج۲، ص ۲۹۰.

برماحهم فما أفلت منهم مخبر وهم ثلاثون ألفا وأخذ ضرار بن الخطاب درفش کابیان... وقتلوا فی المعرکه عشره آلاف سوی من قتلوا فی الأیام قبله؛(۱)

اما لشکر احتیاط، آنها فرار کرده و به صورت نامنظم در بیابان به راه افتادند؛ مسلمانان آنان را تیرباران کردند؛ به صورتی که حتی یک نفر از آنان زنده نماند وآنان سی هزار نفر بودند! پس از این ضرار بن خطاب پرچم کاویان را برداشت... و در جنگ ده هزار نفر کشته شد؛ جدا از کسانی که در روزهای بعد کشته شدند!

۲. ابن خلدون در مقدمه خود می نویسد:

فانهزم قلب المشرکین وقام الجالنوس علی الردم ونادی الفرس إلی العبور وتهافت المقترنون بالسلاسل فی العتیق وکانوا ثلاثین فهلکوا وأخذ ضرار بن الخطاب رایه الفرس العظیمه وهی درفش کابیان فعوض منها ثلاثین ألفا وکانت قیمتها ألف ألف ومائه ألف ألف وقتل ذلک الیوم من الأعاجم عشره آلاف فی المعرکه وقتل من المشرکین فی ذلک الیوم سته آلاف دفنوا بالخندق سوی ألفین وخمسمائه قتلوا لیله الهریر وجمع من الأسلاب والأموال ما لم یجمع قبله ولا بعده مثله؛(۲)

قلب مشرکان شکست خورد، جالنوس بر بالای دیوار خرابه ای ایستاد و فریاد زد که فارس ها عبور کنند. لشکر احتیاط به صورت منظم و زنجیروار در بیابان به راه افتادند، آنان در آن روز سی هزار

۱- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب، تاریخ الأمم والرسل والملوک(تاریخ الطبری)، ج۲، ص ۲۴۲.

۲- ابن خلدون الحضرمی، عبدالرحمن بن محمد، ، مقدمه ابن خلدون، چاپ پنجم، بیروت، دارالقلم، ۱۹۸۴م، ج۲، ص۵۳۵.

نفر بودنـد؛ پس همگی هلاک شدنـد. ضـرار بن خطاب پرچم فارس ها را که پرچم بزرگ کابیان بود، برداشت... در این روز ده هزار نفر از فـارس هـا در میـدان جنـگ کشته شدنـد. شـش هزار نفر از مشـرکانی که این روز کشـته شـده بودنـد را داخل گودالی دفن کردند؛ غیر از دوهزار و پانصد نفری که در شب هریر کشته شده بودند. مال و اموال غارت شده در این جنگ به اندازه ای جمع شده بود که نه پیش از آن سابقه داشت و نه پس از آن جمع شد.

ذ) جنگ برای آب و غذا و غنیمت (سال چهارده ه.ق، زمان خلیفه دوم عمر)

شمس الدین ذهبی در سیر أعلام النبلاء می نویسد:

لما كان يوم القادسيه ذهب المغيره بن شـعبه فی عشـره إلى صاحب فارس فقال: إنا قوم مجوس وإنا نكره قتلكم لأنكم تنجسون علينـا أرضـنا. فقـال: إنـا كنـا نعبـد الحجـاره حتى بعث الله إلينـا رسولا فاتبعناه ولم نجیء لطعام بل أمرنا بقتال عـدونا فجئنا لنقتل مقـاتلتكم ونسبى ذراريكم وأمـا ما ذكرت من الطعام فما نجـد ما نشـبع منه فجئنا فوجـدنا فی أرضـكم طعاما كثيرا وماء فلا نبرح حتى يكون لنا ولكم فقال العلج: صدق. قال وأنت تفقأ عينك غدا ففقئت عينه بسهم؛(۱)

زمانی که روز جنگ قادسیه شد مغیره بن شـعبه (فرمانده مسلمانان) به سوی فرمانده سپاه فارس رفت، فرمانده سپاه فارس به او گفت: مـا قومی مجوس هستیم و دوست نـداریم بـا شـما بجنگیم، شـما سـرزمین مـا را (بـا آمـدنتان) نجس کرده ایـد. مغیره به او گفت: ما قومی بودیم که سـنگ می پرستیدیم تا اینکه خداوند برای ما پیامبرش را فرستاد و ما از ایشان پیروی کردیم و آیین آن پیامبر را پذیرفتیم، و برای غذا هم به سرزمین شما نیامدیم؛ بلکه به ما دستور

۱- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان، سیر اعلام النبلاء، ج۳، ص۳۲.

داده شـده بود که با دشـمنمان بجنگیم؛ پس به هـدف جنگ با شـما و اسـیر کردن فرزنـدانتان به این دیار آمـدیم؛ اما آنچه در مورد غذا گفتم: ما (در سـرزمین خودمان) چیزی نیافتیم که سـیرمان کند، وقتی به سـرزمین شـما آمدیم در این سرزمین آب و غذای فراوانی پیدا کردیم؛ بنابراین از این جا نمی رویم تا اینکه این مواد غذایی بین ما و شـما تقسـیم شود. علج گفت: راسـت می گوید.

و) فتح همدان و کشته های بی شمار (سال ۲۷ه.ق، زمان خلیفه سوم عثمان)

طبری در تاریخ خود می نویسد:

وحـدثنی ربیعه بن عثمان أن فتـح همـذان کان فی جمادی الأولی علی رأس سـته أشـهر من مقتل عمر بن الخطاب وکان أمیرها المغیره بن شعبه قال: ویقال کان فتح الری قبل وفاه عمر بسنتین ویقال قتل عمر وجیوشه علیها (رجع الحدیث إلی حدیث سیف) قال فبینما نعیم فی مدینه همذان فی توطئتها فی اثنی عشر ألفا من الجند تکاتب الدیلم وأهل الری وأهل أذربیجان ثم خرج موتا فی الـدیلم حـتی ینزل بواج روذ وأقبـل الزینبی ابو الفرخـان فی أهـل الری حتی انضم إلیه وأقبـل إسـفندیاذ أخو رسـتم فی أهل أذربیجـان حتی انضم إلیه وتحصن أمراء مسالـح دسـتبی وبعثوا إلی نعیم بالخبر فاسـتخلف یزیـد بن قیس وخرج إلیهم فی الناس حتی نزل علیهم بواج الروذ فاقتتلوا بها قتالا شدیـدا وکانت وقعه عظیمه تعدل نهاوند ولم تکن دونها وقتل من القوم مقتله عظیمه لا یحصون ولا تقصر ملحمتهم من الملاحم الکبار؛(۱)

۱- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب، تاریخ الأمم والرسل والملوک(تاریخ الطبری)، ج۲، ص۵۳۶.

ربیعه بن عثمان برایم نقل کرد که جنگ همدان در جمادی الأولی و شش ماه گذشته از کشته شدن عمر، اتفاق افتاد. فرمانده این جنگ مغیره بن شعبه بود. برخی گفته اند که فتح ری، دو سال پیش از کشته شدن عمر بوده و زمانی که عمر کشته شده، نیروهایش در آن جا ساکن بوده اند. سیف گفته است وقتی ما در همدان بودیم، مقدمه لشکر ایران دوازده هزار نفر بودند که به اهل دیلم و ری و آذربایجان نامه نوشتند، سپس همگی آماده برای جنگ به دیلم آمدند تا به واجرود رسیدند. زینبی با اهل ری و اسفندیار برادر رستم نیز با اهل آذربایجان به کمک او آمدند. امرای لشکر عمر در قلعه گرد آمده، به نعیم خبر فرستادند. او یزید بن قیس را جانشین خود کرد و خود به سمت ایرانیان به راه افتاد تا به واجرود رسید و در آن جا جنگ شدیدی کردند که مانند جنگ نهاوند بود. از ایرانیان گروهی بسیاری که قابل شمارش نبود، کشته شد و جنگ با آنان از جنگهای بزرگ چیزی کم نداشت!

ه) پول بدهید، از شهرتان خارج می شویم (سال ۲۷ه. ق، زمان خلیفه سوم عثمان(

عبد الرحمن قرشی می نویسد:

وهرب جیش جرجیر فبث عبد الله بن سعد السرایا وفرقها فأصابوا غنائم کثیره فلما رأی ذلک رؤساء أهل أفریقیه طلبوا إلی عبد الله بن سعد أن یأخذ منهم مالا علی أن یخرج من بلادهم فقبل منهم ذلک ورجع إلی مصر ولم یول علیهم أحدا ولم یتخذ بها قیروانا؛(۱)

لشکریان جرجیر فرار کردند. عبدالله بن سعد لشکریان او را شکست

۱- قرشی المصری، ابو القاسم عبد الرحمن بن عبد الله عبدالحکم بن أعین، فتوح مصر وأخبارها، تحقیق محمد الحجیری، چاپ اول، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۳۱۲.

داد و آنها را متفرق نمود. آنان به غنائم زیادی دست پیدا نمودند، رؤسای اهل آفریقا وقتی با چنین صحنه ای روبه رو شدند، از عبدالله بن سعد درخواست کردند که در مقابل دریافت مالی از آنها از سرزمین آنها خارج شود، عبدالله این پیشنهاد را پذیرفت و (پس از گرفتن پول) به مصر بازگشت و هیچ کسی را به عنوان خلیفه برای آنها مشخص نکرد و از ایشان سوارکار (برای جنگ) نگرفت.

ی) جنگ گرگان، همه را کشتند، جز یک نفر (سال سی ه.ق، زمان خلیفه سوم عثمان)

در این جنگ هم جنایت بزرگی اتفاق افتاد. غیر مسلمانان، از فرمانده به ظاهر مسلمان درخواست کردند که ما درهای شهر را بر روی شما می گشاییم، به شرطی که حتی یک نفر از ما کشته نشود؛ اما لشکریان خلیفه همه را جز یک نفر کشتند و گفتند ما گفته بودیم که یک نفر از شما را نمی کشیم.

محمد بن جریر طبری در تاریخ خود می نویسد:

فأتی جرجان فصالحوه علی مائتی ألف ثم أتی طمیسه وهی کلها من طبرستان متاخمه جرجان وهی مدینه علی ساحل البحر فقاتله أهلها فصلی صلاه الخوف أعلمه حذیفه کیفیتها وهم یقتتلون وضرب سعید یومئذ رجلا بالسیف علی حبل عاتقه فخرج السیف من تحت مرفقه وحاصرهم فسألوا الأمان فأعطاهم علی أن لا یقتل منهم رجلا واحدا ففتحوا الحصن فقتلوا أجمعین إلا رجلا واحدا ففتحوا الحصن وحوی ما فی الحصن؛(۱)

۱- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب، تاریخ الأمم والرسل والملوک(تاریخ الطبری)، ج۲، ص۳۲۳.

به گرگان وارد شدند و با گرفتن دویست هزار دینار با آنان مصالحه کردند. سپس به اطراف طمیسه که شهری در کنار ساحل دریا و بعد از گرگان واقع و جزو مازندران بود، رفتند. با مردم آن جا جنگ کردند. نماز خوف که حذیفه که کیفیت خواندن آن را می دانست، خوانده شد و با آنان نیز به مقابله برخاستند و سعید با شمشیر بر سر مردم کوبید که از زیر بغل او درآمد و آنان را محاصره کردند. آنان درخواست امان کردند، به آنان این امان داده شد تا کسی از آنان را نکشند و لذا قلعه را باز کردند؛ ولی آنان همه را کشتند به جز یک مرد. سپس در قلعه را گشودند و آن چه که در قلعه بود غارت کردند.

۴. یک شبهه و پاسخ به آن

برخی ادعا کرده اند امام زمانِ ساخته امامیه با امام زمان راستین متفاوت است به طوریکه مهدی راستین، یاران پیامبر را گرامی می دارد، ایشان دعای خیر می کند و امهات المؤمنین را نیز دوست دارد و از آنها به نیکی یاد می کند؛ اما امام زمان ساخته روحانیت امامیه نه اینکه بر یاران رسول بغض می ورزند بلکه پیکرهای آنها را از قبرهایشان بیرون می آورد، آتش می زند. او حتی امهات المؤمنین را قصاص می کند و عایشه را حد می زند. این شبهه افکن مقصود خود از یاران رسول را شرح می دهد و می گوید: دو یار و خلیفه رسول خدا صلی الله علیه و آله یعنی ابوبکر و عمر را از قبرهایشان بیرون می آورد و از همه ستم هایی که در دنیا، پیش و پس از آن ها رخ داده است، از ابوبکر و عمر انتقام می گیرد؛ از انتقام قتل هابیل و قابیل گرفته تا گناه برادران یوسف که او را به چاه انداختند و ظلم نمرود که ابراهیم علیه السلام را به آتش انداخت و حتی انتقام گناه آتش پرستان را نیز از آن دو می گیرد.

پاسخ

ادعای این شبهه افکنان بر دو بخش است:

۱. امام زمان شیعه از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله انتقام می گیرد و پیکرهای آنها را آتش می زند.

۲. بر عایشه ام المؤمنین تازیانه می زند.

۱. ابتدا به بررسی بخش اول یعنی انتقام گرفتن وآتش زدن پیکر اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله می پردازیم. مستندات این ادعا چند روایت ضعیف و غیرقابل اعتماد است. همچنین روایات زیاد و متواتری که دلالت دارد حضرت مهدی به کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله عمل می کند و خلق و خوی او همانند رسول اکرم صلی الله علیه و آله از رحمت و عطوفت نسبت به بندگان خدا سرشار است، با این روایت صغیف تعارض و مخالفت کامل دارد که در این جا به بررسی و نقد این روایات می پردازیم تا حقیقت امر مشخص شود.

۱-۱. رُوِیَ فِی بَعْضِ مُؤَلَّفَاتِ أَصْحَابِنَا عَنِ الْحُسَیْنِ بن حَمْدَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بن إِسْمَاعِیلَ وَ عَلِیِّ بن عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِیِّ عَنْ أَبِی شُعَیْبٍ وَ مُحَمَّدِ بن نُصَیْرٍ عَنْ عَمْرِو(عُمر)بن الْفُرَاتِ عَنْ مُحَمَّدِ بن الْمُفَضَّلِ عَنِ الْمُفَضَّلِ بن عُمَرَ (عن ابی عبدالله):. . . کُلَّ رَیْنٍ وَ خُبْثٍ وَ فَاحِشَهٍ وَ إِثْمٍ وَ ظُلْمٍ وَ جَوْرٍ وَ غَشْمٍ مُنْذُ عَهْدِ آدَمَ علیه السلام إِلَی وَقْتِ قِیَامِ قَائِمِنَا علیه السلام کُلُّ ذَلِکَ یُعَدِّدُهُ علیه السلام عَلَیْهِمَا وَ یُلْزِمُهُمَا إِیَّاهُ فَیَعْتَرِفَانِ بِهِ ثُمَّ یَأْمُرُ بِهِمَا فَیُقْتَصُّ مِنْهُمَا فِی ذَلِکَ الْوَقْتِ بِمَظَالِمِ مَنْ حَضَرَ ثُمَّ یَصْلِبُهُمَا عَلَی الشَّجَرَهِ وَ یَأْمُرُ نَاراً تَخْرُجُ مِنَ الْأَرْضِ فَتُحْرِقُهُمَا... لَیَقْتَصَّنَّ مِنْهُمَا لِجَمِیعِهِمْ حَتَّی إِنَّهُمَا لَیُقْتَلَانِ فِی کُلِّ یَوْمٍ وَ لَیْلَهٍ أَلْفَ

قَتْلَه؛(۱)

امام صادق علیه السلام فرمود: حضرت مهدی پس از بیرون آوردن جنازه های ابوبکر و عمر از قبر و به دار آویختن آنها دستور می دهد آنها را با آتشی که از زمین بیرون می آید بسوزانند؛ سپس باد سیاهی می وزد و خاکستر آنها به دریا ریخته می شود و این کار در هرروز و هرشب هزار مرتبه تکرار می شود و نیز تمام گناهان خلایق از ابتدای عالم تا روز قیام مهدی به حساب ابوبکر و عمر می باشد و آنها باید عذاب همگی را تحمل کنند.

بررسی روایت

در سند روایت است که علامه مجلسی این روایت را از کتاب یکی از اصحاب نقل می کند که نام وی معلوم نیست. همچنین در سند روایت مفضل بن عمر وجود دارد که وی هم مدح شده و هم مورد طعن قرار گرفته است؛ شیخ مفید درباره وی گفته است: او از شیوخ اصحاب امام صادق علیه السلام و از ثقات فقهای صالح می باشد(۲)، ولی نجاشی درباره وی گفته است که او فردی فاسدالمذهب و مضطرب الروایه می باشد؛(۳) اما بر اساس قاعده مورد قبول رجال در تعارض بین مدح و ذم، ذم مقدم است. اما در مورد دیگر راوی این روایت محمد بن نصیر شیخ طوسی در مورد وی آورده است: محمد بن نصیر مدعی رسالت و نبوت شد و به تناسخ و مدعی ربوبیت امام هادی علیه السلام قائل بود، و نکاح

۱- محمد باقر بن محمد تقی، مجلسی، بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار علیه السلام، ج ۵۳، ص۱۴، ب۲۸.

۲- مفید، محمد بن نعمان، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج۲، ص۲۱۶.

۳- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص۴۱۶.

بـا محـارم و همجنس بازی مردها را حلال می دانست.(۱) عمر بن فرات نیز فردی غالی اسـت(۲)، حسـین بن حمدان نیز فردی بسـیار ضـعیف و فاسدالمذهب می باشد(۳)، همچنین علی بن عبـدالله حسـنی فردی مجهول است، بنـابراین در بی اعتبـاری این روایت و ضعف سندی آن هیچ شکی نیست و این روایت به هیچ وجه قابل قبول و اعتماد نیست.

۲-۱. وَ بِإِسْـنَادِهِ إِلَی بَشِـیرٍالنَّبَّالِ عَنْ أَبِی عَبْـدِ اللَّهِ علیه السـلام قَـالَ: هَلْ تَـدْرِی أَوَّلَ مَا یَبْـدَأُ بِهِ الْقَائِمُ علیه السـلام ؟قُلْتُ: لَا. قَالَ: یُخْرِجُ هَـذَیْنِ رَطْبَیْنِ غَضَّیْنِ فَیُحْرِقُهُمَـا وَ یُـذْرِیهِمَا فِی الرِّیـحِ وَ یَکْسِـرُ الْمَسْـجِدَ ثُمَّ قَـالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صـلی الله علیه و آله قَـالَ: عَرِیشٌ کَعَرِیشِ مُوسَی علیه السلام وَ ذَکَرَ أَنَّ مُقَدَّمَ مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله کَانَ طِیناً وَ جَانِبُهُ جَرِیدَ النَّخْلِ.(۴)

بررسی روایت

بشیر نبال که راوی این حدیث است توثیق نشده و علامه حلی درباره وی گفته است: من در روایت او متوقف هستم.(۵)

۳-۱. حَـدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن أَحْمَـدَ الشَّیْبَـانِیُ(السـنانی)رَضِـیَ اللَّهُ عَنْهُ قَـالَ: حَـدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن أَبِی عَبْـدِ اللَّهِ الْکُوفِیُّ عَنْ سَـهْلِ بن زِیَـادٍ الْآدَمِیِّ عَنْ عَبْدِ الْعَظِیمِ بن عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَـنِیِّ قَالَ: قُلْتُ لِمُحَمَّدِ بن عَلِیِّ بن مُوسَی علیه السلام إِنِّی لَأَرْجُو أَنْ تَکُونَ الْقَائِمَ مِنْ أَهْلِ بَیْتِ مُحَمَّدٍ الَّذِی یَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا کَمَا مُلِئَتْ جَوْراً وَ ظُلْماً فَقَال:... الْقَائِمَ الَّذِی یُطَهِّرُ اللَّهُ عَزَّ وَ

۱- طوسی، محمد بن حسن، غیبت طوسی، ص۳۹۸.

۲- طوسی، محمد بن حسن، رجال طوسی، ص۳۶۲.

۳- حلی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال(رجال)، ص۲۱۷.

۴- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار علیه السلام، ج۵۲، ص۳۸۶.

۵- حسن بن یوسف، حلی، خلاصه الاقوال(رجال)، ص۲۵.

جَلَّ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ أَهْلِ الْكُفْرِ وَ الْجُحُودِ وَ يَمْلَؤُهَا عَدْلًا وَ قِسْطاً هُوَ الَّذِی تَخْفَى عَلَى النَّاسِ وِلَادَتُهُ وَ يَغِيبُ عَنْهُمْ شَخْصُه...خَرَجَ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَل... فَإِذَا دَخَلَ الْمَدِينَهَ أَخْرَجَ اللَّاتَ وَ الْعُزَّى فَأَحْرَقَهُمَا؛(۱)

عبدالعظیم حسنی به امام رضا علیه السلام می گوید: من امیدوارم تو همان قائم از اهل بیت محمد باشی که زمین را پس از اینکه پر از ظلم و جور شده است، از عدالت پر می کند. حضرت در جواب او فرمود: آن قائمی که زمین را از عدالت پر می کند، ولادت او مخفی است و سپس غایب می شود و ... هنگامی که ظاهر می شود... و وارد مدینه می گردد "لات" و "عزی" را می سوزاند. (روشن است که مراد از لات و عزی همان ابوبکر و عمر هستند)

نکته

دلیل بر اینکه همانا مراد از لات و عزی، ابوبکر و عمر هستند روایتی از بحار است که به بیان آن می پردازیم:

«عَن عَبدِ العَظیمِ مثله بیان یعنی بِاللات و العُزّی صَنَمَی قُرَیش ابا بَکر وَ عُمَر».(۲)

بررسی روایت

در سند روایت محمد بن احمد سنانی وجود دارد که وی فردی مجهول است. همچنین محمد بن ابی عبدالله -که به نظر مرحوم آیت الله خویی همان محمد بن جعفر اسدی است-(۳) شخصی است که به گفته نجاشی از ضعفا نقل

۱- ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۳۷۷-۳۷۸، ح۲.

۲- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار علیه السلام، ج۵۲، ص۲۸۴.

۳- موسوی خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، ج۱۴، ص۲۷۱.

کرده و به جبر و تشبیه قائل است.(۱)

۴-۱. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن إِبْرَاهِيمَ بن إِسْحَاقَ رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن هَمَّامٍ قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بن مَابُنْدَاذَ قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بن هِلَالٍ عَنْ مُحَمَّدِ بن أَبِی عُمَيْرٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بن عُمَرَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بن مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ علیه السلام عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: لَمَّا أُسْرِیَ بِی إِلَی السَّمَاءِ أَوْحَی إِلَیَّ رَبِّی جَلَّ جَلَالُه... هَذَا الْقَائِمُ الَّذِی یُحَلِّلُ حَلَالِی وَ یُحَرِّمُ حَرَامِی وَ بِهِ أَنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِی... فَیُخْرِجُ اللَّاتَ وَ الْعُزَّی طَرِیَّیْنِ فَیُحْرِقُهُمَا؛(۲)

مفضل از امام صادق صلی الله علیه و آله از پیامبراکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است: هنگامی که به معراج برده شدم، خداوند به من مسائلی را وحی کرد... و از جمله اینکه: این قائم همان است که حلال مرا حلال و حرام مرا حرام می کند و به دست او از دشمنان خود انتقام می گیرم... سپس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آنگاه "لات" و "عزی" را درحالی که تر و تازه هستند، خارج نموده و آنان را می سوزاند.

بررسی روایت

در سند روایت احمد بن هلال وجود دارد که شخصی غالی و متهم در دین شمرده می شود(۳)، همچنین علامه حلی(۴) و نجاشی درباره وی گفته اند: مذمت هایی درباره او از امام حسن عسکری علیه السلام نقل شده است.(۵)

۱- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص۳۷۳.

۲- ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، ص۲۵۲-۲۵۳، ح۲.

۳- طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، ص۸۳.

۴- حلی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال(رجال)، ص۲۰۲.

۵- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص۸۳.

۵-۱. وَ بِإِسْنَادِهِ(الغیبه سید علی بن عبدالحمید) عَنْ إِسْحَاقَ بن عَمَّارٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَال:... ثُمَّ یُخْرِجُهُمَا غَضَّیْنِ رَطْبَیْنِ فَیَلْعَنُهُمَا وَ یَتَبَرَّأُ مِنْهُمَا وَ یَصْلِبُهُمَا ثُمَّ یُنْزِلُهُمَا وَ یُحْرِقُهُمَا ثُمَّ یُذْرِیهِمَا فِی الرِّیح؛(۱)

اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام چنین نقل می کند: ... سپس قائم(عج) آن دو نفر را درحالی که تر و تازه هستند، از قبر خارج می کند و مورد لعنت قرار می دهد و از آنان اظهار برائت می نماید و سپس آنان را به صلیب و دار می کشد و سپس پایین می آورد، می سوزاند و خاکستر آنان را در هوا پخش می کند.

بررسی روایت

این روایت را مرحوم مجلسی در بحار از کتاب غیبت سید علی بن عبدالحمید بدون ذکر سند از اسحاق بن عمار نقل می کند که اطلاعی از سند آن در دست نیست. در نتیجه این روایت مرسل است و نمی توان به آن اعتماد کرد.

۲. بخش دوم این شبهه درباره حد زدن بر عایشه به دست حضرت مهدی(عج) است. مستند این شبهه نیز یک روایت ضعیف است که به بیان و بررسی آن می پردازیم:

۲-۱. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن عَلِیٍّ مَاجِیلَوَیْهِ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بن أَبِی الْقَاسِمِ عَنْ أَحْمَدَ بن أَبِی عَبْدِ اللَّهِ(البرقی) عَنْ أَبِیهِ عَنْ مُحَمَّدِ بن سُلَیْمَانَ عَنْ دَاوُدَ بن النُّعْمَانِ عَنْ عَبْدِ الرَّحِیمِ الْقَصِیرِ قَالَ: قَالَ لِی ابو جَعْفَرٍ علیه السلام: أَمَا لَوْ قَامَ قَائِمُنَا لَقَدْ رُدَّتْ إِلَیْهِ الْحُمَیْرَاءُ حَتَّی یَجْلِدَهَا الْحَدَّ وَ حَتَّی یَنْتَقِمَ لِابْنَهِ مُحَمَّدٍ فَاطِمَهَ علیه السلام مِنْهَا. قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاکَ وَ لِمَ یَجْلِدُهَا الْحَدَّ

۱- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار علیه السلام، ج۵۲، ص۳۸۶، ح۲۰۱.

؟قَالَ لِفِرْيَتِهَا عَلَى أُمِّ إِبْرَاهِيمَ. قُلْتُ: فَكَيْفَ أَخَّرَهُ اللَّهُ لِلْقَائِمِ. فَقَالَ: لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بَعَثَ مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله رَحْمَةً وَ بَعَثَ الْقَائِمَ علیه السلام نَقِمَه؛(۱)

عبدالرحیم قصیر می گوید: امام باقر علیه السلام فرمودند: وقتی قائم ما قیام می کند، همانا حمیراء(یعنی عایشه) به او تحویل داده می شود تا حد بر او جاری شود و نیز انتقام فاطمه علیه السلام ، دختر محمد صلی الله علیه و آله، از او گرفته شود. سپس می گوید: پرسیدم فدای شما گردم چرا حد بر عایشه جاری می شود؟ حضرت فرمود: برای اتهامی است که به ام ابراهیم [کنیزی به نام ماریه قبطیه که همسر پیامبر صلی الله علیه و آله بود] وارد کرد [و او را به زنا با مردی قبطی متهم نمود]. پرسیدم: چرا خداوند اجرای حد عایشه را تا زمان قائم(عج) تأخیر انداخت؟ حضرت در پاسخ فرمود: برای اینکه خداوند پیامبر صلی الله علیه و آله را برای رحمت جهانیان مبعوث کرد و قائم(عج) را برای نقمت یعنی انتقام و عذاب.

بررسی روایت

در سند روایت هست که ماجیلویه این روایت را از عمویش نقل کرده است. خود ماجیلویه فردی موثّق است؛ اما عموی وی ناشناخته است، محمد بن سلیمان (بصری یا دیلمی) فردی متهم به غلو می باشد(۲) و عبدالرحیم قصیر نیز توثیق نشده است. این روایت افزون بر ضعف سندی از نظر متنی نیز مخالف روایاتی است که حضرت مهدی(عج) را در خلق، ویژگی و سیره عملی همچون پیامبر

۱- ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع، چاپ اول، قم، داوری، ۱۳۸۵ش، ج۲، ص۶۷۹-۵۸۰، ح ۱۰.

۲- طوسی، محمد بن حسن، رجال طوسی، ص۳۴۳.

اسـلام صـلی الله علیه و آله و پیـامبران دیگری ماننـد ابراهیم علیه السـلام، یوسـف علیه السـلام، ایوب علیه السـلام، موسـی علیه السلام و عیسی علیه السلام معرفی می نماید.

پیـامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله بنابر نصّ قرآن مجیـد "رحمه للعالمین" بود؛ چگونه آخرین خلیفه او به جای رحمت، نقمت برای جهانیـان می باشـد؟ افزون بر این، پیامبر رحمت در اجرای حـدود الهی میان خویشاونـدان خود و مسـلمانان دیگر تفاوتی نمی گذاشت؛ و اگر عایشه شایسته حد می بود به طور قطع پیامبر صلی الله علیه و آله از اجرای آن کوتاهی نمی کرد.

بنابراین باید گفت شیعه هرگز به آنچه این شبهه بیان می دارد، معتقد نیست، بلکه حضرت مهدی(عج) را در رفتار و کردار هم خوی پیامبراکرم صلی الله علیه و آله می داند.

نتیجه گیری

بنابر آنچه گـذشت و پس از بررسـی روایات مشـخص شد روایاتی که درباره جنگ و کشـتار وجود دارد، چند دسـته هسـتند؛ تعـدادی از این روایات به زمان پیش از ظهور حضـرت مهـدی(عـج) و تعدادی از آنها به زمان پس از اتمام حکومت حضـرت مربوط است و هیچ ربطی به امام زمان(عج) ندارد و نباید آنها را به وی نسبت داد.

اما پس از بررسـی دقیق مشـخص شد که آن دسـته از روایاتی که به ظهور حضـرت مربوط می باشد و چهره قیام او را خشن و خونین و همراه با جنگ و کشتار بسیار زیاد جلوه می دهد، دچار مشکل سندی و متنی جدّی هستند. این روایات از سوی افراد بسیار ضعیفی همچون محمد بن علی کوفی و ابو جارود و ... نقل شده است و بنابراین نمی توان برای این روایات اعتباری قائل بود و بر اساس آن چهره و عملکرد امام زمان(عج) را به هنگام قیام خونین و خشن دانست، بلکه

چنان که در فصل های بعدی به آن اشاره خواهد شد، سیره حضرت مهدی(عج) همان سیره جدّ بزرگوارشان، رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمومنین علیه السلام است. آن چنان که امام مظهر «رحمه للعالمین» می باشد و با مردم با محبت و مهربانی رفتار می کند و تنها با دشمنان حقیقی خداوند که همچنان خواستار ظلم و ستم هستند و به هیچ وجه هدایت الهی را نمی پذیرند وارد جنگ می شود و آنها را از صحنه روزگار محو خواهد کرد.

فصل دوم: انقیاد تام خلایق بدون هیچگونه خونریزی و کشتار(دیدگاه تفریطی)

اشاره

در مقابل دیـدگاه افراطی که در فصل پیشـین آمـد، یک دیدگاه دیگر به نام دیدگاه تفریطی وجود دارد که بنابرآن امام زمان (عـج) به هنگـام ظهور از راه ولاـیت و تصـرف تکوینی همه خلاـیق را مطیع و مسـخّر می کنـد و امور جهـان را بـا اعجـاز و به صورت غیر عادی انجام می دهـد، بنابراین کشـتار و اعـدام خیلی انـدک خواهـد بود و حتی به اندازه خون حجامت هم خونی ریخته نخواهد شد.

برای روشن شـدن این مطلب و دریـافت پاسـخ درست به احـادیثی که در این بـاره وارد شـده، می پردازیم. این احـادیث به دو دسـته تقسـیم می شونـد؛ یک دسـته، آن احادیثی است که این دیدگاه را بیان و تقویت می کنند که به طور عمده این روایات دارای مشـکل سـندی جدی است و دسته دیگر احادیثی است که این دیدگاه را نادرست می داند و به بیان دیدگاه درست می پردازند.

۱. بیان و نقد روایاتی که این دیدگاه را بازگو و تقویت می کند

ابتدا روایاتی را بیان می کنیم که این دیدگاه را تقویت می کنند و در ادامه به بررسی و نقد آنها می پردازیم:

۱-۱. قَالَ الْوَلِیـدُ: عَنْ أَبِی رَافِعٍ إِسْـمَاعِیلَ بن رَافِعٍ، عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِی سَـعِیدٍ الْخُدْرِیِّ، عَنِ النَّبِیِّ صـلی الله علیه و آله قَالَ: تَأْوِی إِلَیْهِ أُمَّتُهُ کَمَا تَأْوِی النَّحْلَهُ یَعْسُوبَهَا، یَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا کَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا، حَتَّی یَکُونَ

النَّاسُ عَلَى مِثْلِ أَمْرِهِمُ الْأَوَّلِ، لَا يُوقِظُ نَائِمًا وَلَا يُهْرِيقُ دَمًا؛(۱)

امت وی به سوی او پناه می برند چنانچه زنبور عسل به ملکه اش پناه می برد، زمین را پر از عدل و داد می کند چنان که پر از ظلم و جور شده است تا اینکه مردم به حالت اولشان (امنیت) بازگردند. (به هنگام قیام او) هیچ در خواب فرو رفته ای را بیدار نمی کند و هیچ خون و خونریزی نمی کند.

بررسی روایت

این روایت ضعیف و غیر قابل اعتماد است؛ زیرا یحیی بن معین از رجالیون اهل سنت درباره اسماعیل بن رافع واژه ضعیف را به کار برده است.(۲) همچنین در سند، عبارت مبهم «عمّن» وجود دارد که باعث ارسال و ضعف سند شده است.

۲-۱. حَدَّثَنَا ابو يُوسُفَ، عَنْ فِطْرِ بن خَلِيفَةَ، عَنِ الْحَسَنِ بن عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْعُكْلِيِّ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: يُبَايَعُ الْمَهْدِيُّ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، لَا يُوقِظُ نَائِمًا، وَلَا يُهْرِيقُ دَمًا؛(۳)

ابوهریره گوید: با مهدی(عج) بین رکن و مقام بیعت می شود، وی نه در خواب فرورفته ای را بیدار میکند و نه قطره ای خون می ریزد.(در قیام وی قطره ای خونریزی نمی شود).

بررسی روایت

اولاً-این روایت موقوف و غیر مسند به پیامبر صلی الله علیه و آله می باشد؛ ثانیاً راوی آن ابوهریره است که وی فردی بسیار ضعیف است و شرح حال وی پیش از این بیان شد.

۱- مروزی، نعیم بن حماد، الفتن، ج۱، ص۳۵۸-۳۵۹، ح۱۰۴۰.

۲- جرجانی، عبدالله بن عدی بن عبدالله بن محمد ابو أحمد، الکامل فی ضعفاء الرجال، تحقیق یحیی مختار غزاوی، چاپ سوم، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹ق، ج۱، ص ۲۸۰، ش۱۱۹.

۳- مروزی، نعیم بن حماد، الفتن، ج۱، ص۳۴۲-۳۴۳، ح۹۹۱.

۳-۱. حَدَّثَنَا ابن عَفَّانَ، حَدَّثَنَا قَاسِمٌ، حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بن زُهَيْرٍ، حَدَّثَنَا مُوسَى بن إِسْمَاعِيلَ، حَدَّثَنَا ابو هِلَالٍ، عَنْ قَتَادَهَ، قَالَ: يُجَاءُ إِلَى الْمَهْدِيِّ وَهُوَ فِي بَيْتِهِ وَالنَّاسُ فِي فِتْنَهٍ تُهَرَاقُ فِيهَا الدِّمَاءُ، فَيُقَالُ لَهُ: قُمْ عَلَيْنَا فَيَأْبَى حَتَّى يُخَوَّفَ بِالْقَتْلِ، فَإِذَا خُوِّفَ بِالْقَتْلِ قَامَ عَلَيْهِمْ، فَلَا يُهَرَاقُ فِي سَبَبِهِ مِحْجَمَهُ دَمٍ؛(۱)

قتاده گوید: مردم به سوی مهدی(عج) می آیند درحالی که او در منزلش است و مردم در فتنه ای که در آن خونریزی شدیدی می شود، دچار هستند سپس به او گفته می شود که به سوی ما برخیز و قیام کن، سپس او ابا کرده و سر باز می زند تا اینکه از قتل خویش می هراسد، پس هنگامی که از قتل هراسید، به سوی مردم قیام می کند، سپس به هنگام قیام وی به سبب آن هیچ خونی ریخته نمی شود.

بررسی روایت

این روایت افزون بر اضطراب متن دچار ضعف سندی است؛ زیرا این روایت موقوف و غیر مسند به پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است و اعتباری ندارد.

۲. روایات متعارض و بیان دیدگاه صحیح

در این بخش به بیان روایاتی می پردازیم که این دیدگاه را نادرست می داند و سرانجام به بیان دیدگاه درست می پردازد:

۱-۲. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بن مُحَمَّدِ بن سَعِيدِ بن عُقْدَهَ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بن الْحَسَنِ التَّيْمُلِيُّ مِنْ كِتَابِهِ فِي صَفَرٍ سَنَهَ أَرْبَعٍ وَ سَبْعِينَ وَ مِائَتَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ بن عَامِرِ بن رَبَاحٍ الثَّقَفِيُّ عَنْ مُوسَى بن بَكْرٍ عَنْ

۱- دانی، عثمان بن سعید، السنن الوارده فی الفتن، د. ضاء الله بن محمد إدریس المبارکفوری، چاپ اول، الریاض، دار العاصمه، ۱۴۱۶ق، ج، ۵، ص۱۰۴۲، ح۵۵۷.

بَشِيرٍ النَّبَّالِ وَ أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بن أَحْمَدَ الْبَنْدَنِيجِيُّ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بن مُوسَى الْعَلَوِيِّ عَنْ أَيُّوبَ بن نُوحٍ عَنْ صَفْوَانَ بن يَحْيَى عَنْ بَشِيرِ بن أَبِي أَرَاكَهَ النَّبَّالِ وَ لَفْظُ الْحَدِيثِ عَلَى رِوَايَهِ ابن عُقْدَهَ قَالَ: لَمَّا قَدِمْتُ الْمَدِينَهَ انْتَهَيْتُ إِلَى مَنْزِلِ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ علیه السلام ... قُلْتُ: إِنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّهُ إِذَا كَانَ ذَلِكَ اسْتَقَامَتْ لَهُ الْأُمُورُ فَلَا يُهَرِيقُ مِحْجَمَهَ دَمٍ فَقَالَ كَلَّا وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ حَتَّى نَمْسَحَ وَ أَنْتُمُ الْعَرَقَ وَ الْعَلَقَ وَ أَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى جَبْهَتِهِ؛(۱)

بشير بن ابى اراكه گويد: چون به مدينه رسيدم به خانه ابى جعفر علیه السلام گذرم افتاد. عرض كردم: آنان (مرجئه) مى گويند: چون اين كار روى دهد (ظهور رخ دهد)، همه كارها براى او درست شود و به اندازه خون يک حجامت هم خون ريخته نخواهد شد. فرمود: هرگز چنين نيست. سوگند به آن كسى كه جانم به دست اوست، كار به آن جا خواهد كشيد كه ما و شما عرق و خون بسته را پاک كنيم و با دست خود به پيشانى خود اشاره كرد. (كنايه از برطرف كردن عرق پيشانى است).

نكته

علامه مجلسى در توضيح عبارت «مسح عرق و علق» گفته است كه اين عبارت كنايه از سختى ها و دشوارى هاى جنگ و درگيرى است كه موجب پديد آمدن عرق و ايجاد زخم هاى خونين مى شود.(۲)

۲-۲. مُوسَى بن بَكْرٍ الْوَاسِطِيِّ عَنْ بَشِيرٍ النَّبَّالِ قَالَ: قَدِمْتُ الْمَدِينَهَ وَ ذَكَرَ مِثْلَ الْحَدِيثِ الْمُتَقَدِّمِ إِلَّا أَنَّهُ قَالَ لَمَّا قَدِمْتُ الْمَدِينَهَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام إِنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّ الْمَهْدِيَّ لَوْ قَامَ لَاسْتَقَامَتْ لَهُ الْأُمُورُ عَفْواً وَ

۱- نعمانى، محمد بن ابراهيم، غيبت نعمانى، ص۲۸۳، ب۱۵، ح۱.

۲- مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى، بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار علیه السلام، ج۲، ص۳۵۷.

لَا یُهَرِیقُ مِحْجَمَهَ دَمٍ فَقَالَ: کَلَّا وَ الَّذِی نَفْسِی بِیَدِهِ لَوِ اسْتَقَامَتْ لِأَحَدٍ عَفْواً لَاسْتَقَامَتْ لِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله حِینَ أُدْمِیَتْ رَبَاعِیَتُهُ وَ شُجَّ فِی وَجْهِهِ؛ کَلَّا وَ الَّذِی نَفْسِی بِیَدِهِ حَتَّی نَمْسَحَ نَحْنُ وَ أَنْتُمُ الْعَرَقَ وَ الْعَلَقَ ثُمَّ مَسَحَ جَبْهَتَهُ؛(۱)

موسی بن بکر واسطی از بشیر نبال گوید: به مدینه رسیدم و همانند حدیث پیشین را ذکر کرد جز اینکه گوید: چون به مدینه رسیدم، به ابی جعفر علیه السلام عرض کردم: آنان می گویند که چون مهدی قیام کند، همه کارها از برای او به خودی خود درست شود و به اندازه حجامتی خون نمی ریزد. فرمود: هرگز چنین نیست. سوگند به آن کس که جان من به دست اوست، اگر کارها به خودی خود برای کسی درست می شد، هر آینه برای رسول خدا درست می شد آنگاه که دندان های جلوی آن حضرت شکست و صورت مبارکش زخم برداشت. نه، هرگز، سوگند به آن کس که جان من به دست اوست، کارها به آن جا می انجامد که ما و شما عرق و خون بسته را پاک کنیم، سپس پیشانی خود را پاک کرد.

۳-۲. أَخْبَرَنَا عَلِیُّ بن أَحْمَدَ الْبَنْدَنِیجِیُّ عَنْ عُبَیْدِ اللَّهِ بن مُوسَی الْعَلَوِیِّ الْعَبَّاسِی عَنِ الْحَسَنِ بن مُعَاوِیَهَ عَنِ الْحَسَنِ بن مَحْبُوبٍ عَنْ عِیسَی بن سُلَیْمَانَ عَنِ الْمُفَضَّلِ بن عُمَرَ قَالَ: سَمِعْتُ ابا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَ قَدْ ذَکَرَ الْقَائِمَ علیه السلام فَقُلْتُ إِنِّی لَأَرْجُو أَنْ یَکُونَ أَمْرُهُ فِی سُهُولَهٍ فَقَالَ: لَا یَکُونُ ذَلِکَ حَتَّی تَمْسَحُوا الْعَلَقَ وَ الْعَرَقَ؛(۲)

مفضّل بن عمر گوید: ابا عبد اللّه علیه السلام از امام قائم(عج) یاد می کرد و من عرض کردم: من امیدوارم که کار او به آسانی انجام پذیرد

۱- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص۲۸۳، ب۱۵، ح۱.

۲- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص۲۹۵، ب ۱۵، ح۳.

شنیدم که فرمود: این کار صورت نمی پذیرد تا آنکه عرق و خون بسته را پاک کنید.

نتیجه گیری

بـا بررسـی این روایـات می بینیم آن طور نیست که همه کارهـا در زمـان قیام قائم(عـج)، به خودی خود و با اعجاز و تصـرّفات تکوینی انجام شود، هر چند در ولایت و تصرف تکوینی حضرت مهدی(عج) و امامان معصوم دیگر، هیچ گونه تردیدی وجود نـدارد. بلکه کـار، دشوارتر از آن چیزی است که افرادی چون مرجئه به آن اعتقاد دارنـد. بنابر روایات متعـدد، نمی توانیم ادعا کنیم که در هنگـام ظهور، هیـچ قتـل و کشـتاری رخ نمی دهـد؛ زیرا در آن دوران بحث از انتقـام، اجرای حـدود الهی و اقـامه حکومت عـدل جهـانی است و مسـلماً، این امر بزرگ بـدون برطرف کردن خارها و سـنگ های سـر راه آن حضـرت، میّسـر و محقق نمی شود.

از طرفی، تاریخ گواه است که پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و امامان معصوم: سعی کردند، امور جهان را به طور عادی و در مسـیر طبیعی خود انجام دهند، بنابر همین اصل است که دندان های پیشـین حضـرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در جنگ شکسـته شـد و زخم هـایی در جنـگ احـد و ... بر ایشـان وارد گشت. امیرالمـومنین علیه السـلام نیز در جنـگ احـد نـود زخم برداشت.(۱) البته هم رسول خدا صـلی الله علیه و آله و هم اهل بیت او، به ویژه بقیه اللّه الاعظم(عج) بر تصرّف تکوینی قدرت دارند و

۱- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار علیه السلام، ج ۲۰، ص۵۴.

همواره معجزات و امـدادهای غیبی و الهی، همراه آن حضـرات و همچنین مؤمنـان مخلص و ایثارگر مستضـعفان بوده و خواهد بود. به هر حـال، لزومی نـدارد که ادعا کنیم امام زمان(عـج) تمام کارها را از راه امور غیرعادی و به صورت اعجازگونه انجام می دهد و هیچ خونی را نخواهد ریخت.

فصل سوم: همسانی سیره حکومتی مهدی موعود(عج) با سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (دیدگاه میانه)

اشاره

۱. وحدت رویه حضرت مهدی(عج) با رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمومنین علیه السلام

احادیث صحیح و معتبری است که صریحاً روش حکومتی حضرت ولی عصر(عج) را همان روش حکومتی رسول خدا صلی الله علیه و آله وامیرمؤمنان علیه السلام معرفی می کند. چند نمونه از این روایات به شرح زیر است:

۱-۱. حَدَّثَنَا شَیْخُنَا مُحَمَّدُ بن عَلِیٍّ رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن مُوسَی بن الْمُتَوَکِّلِ رَحْمَهُ اللَّهِ عَلَیْهِ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الْکُوفِیُّ قَالَ: حَدَّثَنَا مُوسَی بن عِمْرَانَ النَّخَعِیُّ عَنْ عَمِّهِ حُسَیْنِ بن یَزِیدَ النَّوْفَلِیِّ عَنِ الْحَسَنِ بن عَلِیٍّ بن سَالِمٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَبِی حَمْزَهَ عَنْ سَعِیدِ بن جُبَیْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بن الْعَبَّاسِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: التَّاسِعُ مِنْهُمْ قَائِمُ أَهْلِ بَیْتِی وَ مَهْدِیُّ أُمَّتِی أَشْبَهُ النَّاسِ بِی فِی شَمَائِلِهِ وَ أَقْوَالِهِ وَ أَفْعَالِه؛(۱)

پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمایند: نهمین فرزند وی امام حسین علیه السلام قائم اهل بیت من است و مهدی(عج) امت من شبیه ترین مردم نسبت به من در شمائل و گفتار و کردار است.

۲-۱. مُحَمَّدُ بن الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بن الْحُسَیْنِ بن أَبِی الْخَطَّابِ

۱- خزاز رازی، علی بن محمد، کفایه الاثر، تحقیق سید عبداللطیف حسینی کوه کمری قم، بیدار، ۱۴۰۱ق، ص ۱۰-۱۱.

عَنْ جَعْفَرِ بن بَشِيرٍ وَ مُحَمَّدِ بن عَبْدِ اللَّهِ بن هِلَالٍ عَنِ الْعَلَاءِ بن رَزِينٍ الْقَلَّاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بن مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ ابا جَعْفَرٍ علیه السلام عَنِ الْقَائِمِ عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ إِذَا قَامَ بِأَيِّ سِيرَةٍ يَسِيرُ فِي النَّاسِ فَقَالَ: بِسِيرَهِ مَا سَارَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله حَتَّى يُظْهِرَ الْإِسْلَامَ؛(۱)

محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که می گوید: از ابو جعفر باقر علیه السلام درباره قائم(عج) پرسیدم و گفتم: هنگامی که قائم(عج) قیام کند، با چه روشی در میان مردم عمل خواهد کرد؟ حضرت فرمودند: با همان شیوه ای که پیامبر صلی الله علیه و آله در پیش گرفت در میان مردم عمل خواهد کرد، تا اسلام فراگیر و غالب شود.

۳-۱. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بن مُحَمَّدِ بن سَعِيدٍ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بن الْحَسَنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ رِفَاعَهَ بن مُوسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بن عَطَاءٍ قَالَ: سَأَلْتُ ابا جَعْفَرٍ الْبَاقِرَ علیه السلام فَقُلْتُ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ علیه السلام بِأَيِّ سِيرَهٍ يَسِيرُ فِي النَّاسِ؟ فَقَالَ: يَهْدِمُ مَا قَبْلَهُ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ يَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيداً.(۲)

عبدالله بن عطاء گوید: از امام باقر علیه السلام سؤال کردم: حضرت حجّت(عج) پس از ظهور، چه سیره و روشی در حکومت خواهند داشت؟ امام علیه السلام پاسخ می دهند: درست مانند رسول خدا صلی الله علیه و آله، تمام آنچه را که به نام اسلام بر دنیا حاکم است، از بین خواهد برد و اسلام را از نو عرضه خواهد کرد.

۱- طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، تحقیق حسن الموسوی خرسان، چهارم، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ ۱۴۰۷ ق، ج۶، ص۱۵۴.

۲- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ اول، تهران، صدوق، ۱۳۹۷ق، ص۲۳۲، ب ۱۳، ح۱۷.

نکته

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به فرموده قرآن(۱) با نرمی و عدم خشونت، ماقبل خود را بی اعتبار کرد. پیامبر با همه مردم این چنین بود حتّی با کافران هم این گونه رفتار می کرد و این رفتار وی به مسلمانها اختصاص نداشت. امام زمان(عج) نیز درباره کافران همان سیره را به کار خواهد بست؛ به طور مسلّم اگر امام با غیر مسلمانان با لطف و مهربانی رفتار کند، با مسلمانان مهربان تر خواهد بود.

۴-۱. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بن مُحَمَّدٍ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بن يَحْيَى الْخَزَّازِ عَنْ حَمَّادِ بن عُثْمَانَ قَالَ:... أَنَّ قَائِمَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ علیه السلام إِذَا قَامَ لَبِسَ ثِيَابَ عَلِيٍّ علیه السلام وَ سَارَ بِسِيرَهِ عَلِيٍّ علیه السلام؛(۲)

هنگامی که حضرت مهدی(عج) ظهور کند، لباسی همچون جامه های علی علیه السلام بر تن می کند و دقیقاً به سیره امیرالمؤمنین علیه السلام عمل خواهد کرد.

نکته

مراد از «عده من اصحابنا» در سندس روایت علی بن ابراهیم و علی بن محمد بن عبد الله بن اذینه و احمد بن عبدالله بن امینه و علی بن حسن می باشند که همگی مورد اعتماد هستند(۳). سند این روایت درست است و هیچ شک و شبهه ای در آن وجود ندارد؛ چرا که راویانش یکی از دیگری بهتر است و متن آن نیز با سیره معصومین علیه السلام موافق است.

۱- آل عمران(۳)،۱۵۹.

۲- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، ج۱، ص۴۱۱ه، ح۴.

۳- حلی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال(رجال)، ص۲۷۲.

مدلول این روایات آن است که چون حضرت مهدی(عج) ظهور کند، همه مردم، از خرد و کلان و پیر و جوان به او عشق می ورزند و از صمیم قلب او را دوست دارند.

۵-۱. عَلِيُّ بن إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابن أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مَنْصُورٍ عَنْ فَضْلٍ الْأَعْوَرِ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَذَّاءِ قَالَ:. . فَقَالَ(ابو جعفر علیه السلام) يَا ابا عُبَيْدَةَ إِنَّهُ لَا يَمُوتُ مِنَّا مَيِّتٌ حَتَّى يُخَلِّفَ مِنْ بَعْدِهِ مَنْ يَعْمَلُ بِمِثْلِ عَمَلِهِ وَ يَسِيرُ بِسِيرَتِهِ وَ يَدْعُو إِلَى مَا دَعَا إِلَيْهِ؛(۱)

ای اباعبیده کسی از ما چشم از جهان فرونمی بندد مگر اینکه پس از خود کسی را قرار می دهد که مانند او عمل می کند و به روش او رفتار می نماید و به آنچه او می خوانده، فرا می خواند.

نکته

بر اساس این روایت سیره هر امام لاحقی همچون سیره امام پیشین است، پس همه امامان معصوم: از سنت و سیرتی همگون برخوردارند و در نتیجه امام علی علیه السلام و امام مهدی(عج) سیرتی یکسان خواهند داشت.

۲. چگونگی رفتار امیر المومنین علی علیه السلام با دشمنان

اکنون که معلوم شد سیره امام مهدی(عج) همان سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمومنین علیه السلام است، باید ببینیم که سیره این بزرگواران در رویارویی با دشمنان چگونه بوده است تا آن روش را برای حضرت مهدی(عج) نیز قائل باشیم.

۱-۲. حضرت علی علیه السلام می فرمایند:

۱- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، ج۱، ص۳۹۷، ح۱.

أَ تَأْمُرُونِّی أَنْ أَطْلُبَ النَّصْرَ بِالْجَوْرِ فِیمَنْ وُلِّیتُ عَلَیْهِ؛(۱)

آیا مرا فرمان می دهید تا پیروزی را بجویم به ستم کردن در باره آن که والی او هستیم.

به طور یقین حضرت مهدی(عج) نیز از همین روش پیروی خواهد کرد، و امکان ندارد که بخواهد از راه ستم، حکومت بر مردم را به دست گیرد.

۲-۲. وَ سَأَلَهُ(سَأَلَ عَلی علیه السلام) عَمَّارٌ حِینَ دَخَلَ الْبَصْرَهَ فَقَالَ: یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ بِأَیِّ شَیْ ءٍ تَسِیرُ فِی هَؤُلَاءِ؟ فَقَالَ: بِالْمَنِّ وَ الْعَفْوِ کَمَا سَارَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله فِی أَهْلِ مَکَّهَ حِینَ افْتَتَحَهَا بِالْمَنِّ وَ الْعَفْوِ؛(۲)

چون امام علی علیه السلام به بصره وارد شدند، عمار عرض کرد: ای امیرمؤمنان با اینها چگونه رفتار خواهی کرد؟ حضرت فرمود: با گذشت و رحمت، هم چنان که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چون مکه را فتح کرد، با گذشت و رحمت با آنها رفتار نمود.

۳-۲. یک نقل تاریخی

دغدغه وسیره امام علی علیه السلام درباره روشنگری، نمایان کردن حقیقت و چگونگی رویارویی با دشمنان را از نقل های تاریخی نیز آشکارا می توان دریافت. برای نمونه به یک نقل تاریخی اشاره می کنیم:

آن حضرت در پگاه روز یازدهم جمادی الاولی درحالی که در میمنه سپاه مالک اشتر و در میسره آن عمار یاسر حضور داشت و پرچم به دست فرزندش محمد حنفیه بود، به سمت سپاه جمل حرکت نمود. آنگاه حضرت بر جایگاهی

۱- شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح، چاپ اول، قم، هجرت، ۱۴۱۴ق، ص۱۸۳، خ۱۲۶.

۲- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، دعائم الاسلام، تحقیق آصف فیضی، چاپ دوم، قم، مؤسسه آل البیت:، ۱۳۸۵ق، ج۱، ص۳۹۴.

ایستادند و با صدای بلند خطاب به سپاه خود فرمود: شتاب نکنید تا بر آنها حجت اقامه کنم. پس ابن عباس را خواند و قرآنی به او داد و فرمود: این قرآن را به سوی طلحه، زبیر و عایشه ببر و آنها را به آنچه در آن است، فرا خوان و به طلحه و زبیر بگو آیا شما با اختیار با من بیعت نکردید؟ پس چه چیز سبب شد بیعت مرا بشکنید درحالی که این قرآن میان من و شما حکم می کند. او می گوید: به خدا سوگند هنوز از جایم حرکت نکرده بودم که تیرهایشان همچون ملخ های پراکنده به سویم باریدن گرفت، به علی علیه السلام عرض کردم: ای امیر مؤمنان تا کی با ما چنین کنند؟! اجازه دهید از خود دفاع کنیم.

حضرت فرمود: بگذارید بار دیگر بر آنها حجت را تمام کنم. سپس فرمود: چه کسی این قرآن را می گیرد و آنها را به آن فرا می خواند و بداند که کشته می شود و من ضمانت بهشت او را از سوی خداوند برعهده می گیرم. هیچ کس از جای خود برنخواست جز جوانی کم سن از عبدالقیس که قبای سفیدی بر تن داشت و نامش مسلم بود. او گفت: ای امیرمؤمنان! من این کار را انجام می دهم و جان خود را به خاطر خدا بر این کار می گزارم.

حضرت از سر دلسوزی از او روی بازگرداند و فرمود: چه کسی این قرآن را می گیرد و بر آنها عرضه می کند و بداند که کشته می شود و بهشت برای اوست. مسلم دوباره سخن خود را تکرار کرد و گفت: من چنین می کنم. امام علیه السلام برای سومین بار سخن خود را تکرار کرد و غیر از آن جوان کسی به پا نخواست. علی علیه السلام قرآن را به او داد و فرمود: به سوی آنان برو و قرآن را بر آنها عرضه نما و به آن چه در قرآن است دعوتشان کن. او حرکت کرد و مقابل سپاه جمل ایستاد و قرآن را باز کرد و گفت: این کتاب خداست و امیرمؤمنان شما را به آن چه در آن است، فرا می خواند. عایشه گفت: خداوند صورتش را زشت کند با

نیزه بزنیدش و آنها نیز بر نیزه زدن به او بر یکدگیر سبقت گرفتند و از هر سو نیزه اش زدند.

امام علیه السلام در این حال آماده نبرد شدند و پرچم را به فرزندشان محمد بن حنیفه دادند و در میان سپاه فریاد زدند: هیچ فراری را نکشید و مجروحی را از پا در نیاورید، پرده کسی را ندرید، زنی را نترسانید و کشته ای را مثله نکنید. آن حضرت در حال سفارش به لشکر بودند که مردی از اصحابشان کشته شد. آن حضرت با مشاهده این واقعه فرمودند: خدایا تو شاهد باش.(۱)

نکته

البته برخی از محققان بر این باورند که امام مهدی(عج) در رویارویی با خروج کنندگان بر آن حضرت روشی متفاوت با روش امام علی علیه السلام برخواهد گزید؛ یعنی حضرت مهدی(عج) به هنگام جنگ می تواند اموال آنها را به غنیمت بگیرد، خانواده آنان را به اسارت ببرد و اسیران، فراریان و مجروحانشان را از پای درآورد؛ ولی رفتار حضرت علی علیه السلام تقیه و مصلحتِ یاران پس از خود بود که مبادا گرفتار دشمن شوندو دشمن با آنها بد رفتاری کند؛ به همین دلیل بود که در جنگ ها فراریان و مجروحان دشمن را تعقیب نمی کرد و آنها را نمی کشت، ولی بنده با این قول موافق نیستم زیرا احادیثی که این نظر را بیان و تقویت می کنند از نظر سندی مشکل دارند و نمی توان به آنها اعتماد کرد. برای نمونه به یکی از این روایات اشاره می کنیم:

أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بن الْحُسَيْنِ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ مُحَمَّدِ بن عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بن أَبِی هَاشِمٍ عَنْ أَبِی خَدِيجَةَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّهُ

۱- مفید، محمد بن محمد، الجمل و النصره لسید العتره فی حرب البصره، تحقیق علی میرشریفی، چاپ اول، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۳۳۶-۳۴۲.

قَالَ إِنَّ عَلِيّاً علیه السلام قَالَ: كَانَ لِی أَنْ أَقْتُلَ الْمُوَلِّیَ وَ أُجْهِزَ عَلَى الْجَرِیحِ وَ لَكِنِّی تَرَكْتُ ذَلِكَ لِلْعَاقِبَهِ مِنْ أَصْحَابِی إِنْ جُرِحُوا لَمْ یُقْتَلُوا وَ الْقَائِمُ لَهُ أَنْ یَقْتُلَ الْمُوَلِّیَ وَ یُجْهِزَ عَلَى الْجَرِیحِ؛(۱)

مرا چنین حقی بود که فراریان از جبهه جنگ را بکشم و زخمی ها را کارشان یکسره کنم، ولی این کار را به ملاحظه آینده یاران نکردم، باشد که اگر آنان نیز زخمی شدند، کشته نشوند و از برای قائم(عج) است که فراریان را بکشد و کار زخمی را یکسره کند.

بررسی روایت

این روایت از سوی محمد بن علی الکوفی نقل شده است که وی فردی بد نام و دروغگوست و علمای رجال بر بی اعتباری روایات وی حکم کرده اند، شرح حال وی پیش از این به طور مفصل بررسی شد.(۲)

۳. چگونگی مقابله حضرت مهدی (عج) با دشمنان حقیقی

یقیناً، پیش از ظهور و مقارن با آن ستمگران خون ریزی بر دنیا حکومت می کنند که از هیچ جنایتی فرو نمی گذارند. حال، امامی که قیام می کند، در برابر این همه کج روی ها و بیدادگری ها باید چگونه برخورد کند تا جهان را پر از عدل و داد سازد؟ بی تردید، دشمنانی که دست شان به خون بشریّت آلوده است، حق مردم را غصب کرده اند و یا پست و مقامشان به خطر افتاده است، در برابر حرکت اصلاح گرانه و نهضت امام ایستادگی می کنند. بنابراین، امامی که قیام می کند و مأموریّت دارد حکومت جهانی اسلام را تشکیل دهد، باید برای برطرف کردن موانع خود، نقشه و برنامه داشته باشد. اکنون مروری بر این

۱- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص۲۳۷، ب۱۳، ح۱۵.

۲- رک: ص۱۶.

برنامه ها خواهیم داشت.

امام عصر(عج) برای انتقام و خون خواهی از دشمنان اسلام، به ثمر رساندن انقلاب جهانی، اجرای حدود الهی و برقراری حکومت عدل جهانی ناگزیر از جنگ خواهد بود و در مقابل آن، دشمنان تا دندان مسلّح و کج اندیشان دنیانگر، با در دست داشتن امکانات گسترده اقتصادی، برخورداری از فن آوری پیشرفته و سازماندهی ارتش های قدرت مند پرچم مخالفت بر می دارند و مانع مسیر اصلاح گرانه امام می شوند. از سوی دیگر پیش از قیام، جنگاوران دریا دل و دست یارانی توان مند و کارآمد با هدایت خاص و عام آن حضرت تربیّت می شوند که تعداد آنان، در برخی روایات، سیصد و سیزده نفر(۱) و در برخی، ده هزار نفر و در تعدادی از آن ها، صدهزار نفر و ... بیان شده است.

اینک به نقل تعدادی از روایات می پردازیم که بیانگر رویارویی حضرت مهدی(عج) با دشمنان حقیقی و غلبه بر آنان است:

۱-۳. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بن إِدْرِيسَ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ ابن أَبِی عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بن عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بن مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ ابا جَعْفَرٍ علیه السلام:... قَالَ: وَ النَّهارِ إِذا تَجَلَّى قَالَ: النَّهَارُ هُوَ الْقَائِمُ علیه السلام مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ، إِذَا قَامَ غَلَبَ دَوْلَتَهُ الْبَاطِلِ.(۲)

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه می فرماید: او قائم اهل بیت: است، هنگامی که قیام کرده و بر دولت باطل پیروز می شود.

۲-۳. محمدُ بن الحَسنِ الشّیبانی فی «کَشف البَیان» قالَ: رویَ فی أَخبارنا عَن أَبی جَعفرٍ و أَبی عَبد اللهِ علیهما السلام أنَّ هذه الآیهَ (وَ نُرِیدُ أَنْ

۱- رک: نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، صدوق، ص۳۱۳.

۲- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیرقمی، ج۲، ص۴۲۵.

نَمُنَّ عَلَى الَّذینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّهً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثینَ - وَ نُمَکِّنَ لَهُمْ فِی الْأَرْضِ وَ نُرِیَ فِرْعَوْنَ وَ هامانَ وَ جُنُودَهُما مِنْهُمْ ما کانُوا یَحْذَرُونَ)(۱)مخصوصهٌ بِصاحبِ الأَمر الّذی یَظهرُ فی آخِرِ الزَّمانِ و یُبیدُ الجَبابِرهَ و الفَراعِنهَ و یَملکُ الأرضَ شَرقاً و غَرباً فَیملَأُها عَدلاً کَما مُلئت جَوراً؛(۲)

از صادقین علیهما السلام روایت است که فرموده اند این آیه درباره صاحب الامر حضرت مهدی(عج) می باشد که وی در آخرالزمان ظهور کرده، ستمگران و فراعنه را نابود کرده، شرق و غرب را فتح کرده، زمین را همان طور که پر از ظلم و ستم شده، پر از عدل و داد می کند.

۳-۳. أبی عَبدِ الله علیه السلام قالَ:... وَ یُولّونَ فَیقتُلَهم حتّی یدخُلَهم أَبیاتِ الکوفهِ وَ یُنادی مُنادیه أَلا لا تَتّبِعوا مَولیاً وَ لا تَجهَزوا عَلی جَریحٍ وَ یَسیرُ بِهم کَما سارَ علیٌّ علیه السلام یومَ البَصرهِ؛(۳)

امام صادق علیه السلام در روایتی با اشاره به درگیری سپاه امام مهدی(عج) با سپاه سفیانی می فرماید: ... و سپاه سفیانی می گریزند و امام مهدی(عج) آنها را می کشد تا اینکه می گریزند و به خانه های کوفه پناه می برند، منادی آن حضرت فریاد برمی آورد: هیچ فراری را تعقیب نکنید و مجروحی را از پا درنیاورید و با آنان همچون سیره امام علی علیه السلام در روز بصره رفتار می نماید.

۱- قصص(۲۸)، ۵-۶.

۲- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، حلیه الأبرار فی أحوال محمد و آله الأطهار:، چاپ اول، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه، ۱۴۱۱ق، ج ۵، ص ۲۸۰.

۳- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار علیه السلام، ج۵۲، ص۳۸۸.

نتیجه گیری نهایی

چنان که آمد روایاتی که به جنگ و کشتار بسیار زیاد اشاره می کند به سه دسته تقسیم می شوند که دو دسته از آنها یکی به زمان پیش از ظهور و دیگری به زمان پس از ظهور و حکومت حضرت مهدی(عج) مربوط است که نباید این دو دسته را به حکومت امام(عج) نسبت داد؛ و اما آن روایاتی که به زمان ظهور حضرت مربوط است و چهره قیام حضرت را بسیار خشن نشان می دهد، چنانچه بیان شد، از نظر سندی و متنی دچار مشکل جدّی بودند که در این میان نقش پر رنگ غالیان و افراد ضعیفی همچون حسن بن علی بن ابی حمزه و پدرش و ... در نقل این روایات مشاهده گردید.

در برابر روایاتی که قیام امام زمان(عج) را بسیار خشن نشان می دهد، دسته ای روایات نشان می دهند که در هنگام ظهور امام هیچ جنگ و کشتاری رخ نمی دهد. پس از بررسی آنها مشخص شد این روایات نیز قابل اعتماد نیستند و افزون بر آن امامان معصوم: نیز با این دیدگاه به شدت مخالفت کرده اند.

بررسی دقیق این روایات نشان می دهد که همه کارها در زمان قیام قائم(عج)، به خودی خود و با اعجاز و تصرّفات تکوینی انجام نمی شود، زیرا در آن دوران، بحث از انتقام، اجرای حدود الهی و اقامه حکومت عدل جهانی وجود دارد و مسلماً، این امر بزرگ بدون برطرف کردن خارها و سنگ های سر راه آن حضرت میّسر و محقق نمی شود.

در پایان به این نتیجه می رسیم که با توجه به روایات درست، سیره امام زمان(عج) در رویارویی با دشمنان همان سیره جدّ بزرگوارشان رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمومنین علیه السلام خواهد بود و اصولاً حضرت مهدی(عج) برای برقراری عدل،

که خواسته طبیعی و فطری انسان هاست، ظهور خواهد کرد، بنابراین هرگز رفتار او به گونه ای نیست که مردم آرزو کنند، ای کاش او را نبینند یا به دلیل بی رحمی هایی که انجام می دهد، او را از آل محمد صلی الله علیه و آله ندانند. در حقیقت حضرت مهدی(عج) ابتدا به روشنگری شریعت حق و آموزه های الهی برای دشمنان می پردازد و آنها را به سوی حق دعوت کند، سپس با کسانی که در واقعیت و حقیقت دشمن خدا و اهلبیت: هستند و حتی پس از دعوت به حق نیز لجاجت کرده، به ظلم و کارهای نابکارانه خود ادامه می دهند (سفیانی و...) وارد جنگ می شود و آنها را از بین می برند.

ملحقات و ضمائم

فهرست روایات

صفحه

راوی

روایت

ردیف

۹۰

حماد بن عثمان

أَنَّ قَائِمَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ علیه السلام إِذَا قَامَ لَبِسَ ثِيَابَ عَلِيٍّ علیه السلام

۱

۲۷

مفضل بن عمر

الَادنی غِلاءُ السِّعر، والَاكبَرُ المَهديُّ بِالسِّيفِ

۲

۴۸

معاویه بن عمار

إِذَا تَمَنَّى أَحَدُكُمُ الْقَائِمَ فَلْيَتَمَنَّهُ فِي عَافِيَةٍ

۳

۴۱

عبدالله بن سنان

إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ علیه السلام لَمْ یَکُنْ بَیْنَهُ وَ بَیْنَ الْعَرَبِ

۴

۱۷

ابوبصیر

إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ یَکُنْ بَیْنَهُ وَ بَیْنَ الْعَرَبِ وَ قُرَیْشٍ إِلَّا السَّیْفُ

۵

۱۶

ابوبصیر

إِذَا خَرَجَ یَقُومُ بِأَمْرٍ جَدِیدٍ وَ کِتَابٍ جَدِیدٍ

۶

۳۳

عبدالرحمن بن حجاج

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ أَتَی رَحْبَهَ الْکُوفَهِ

۷

۶۰

سلام بن مستنیر

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَرَضَ الْإِیمَانَ عَلَی کُلِّ ناصب

۸

۳۲

ابن ابی حمزه

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ نَزَلَتْ سُيُوفُ الْقِتَالِ

٩

٤٣

قاسم بن عبيد

إِذَا قَامَ بِالْغَضَبِ فَقَتَلَ مِنْ كُلِّ أَلْفٍ تِسْعَمِائَةٍ

١٠

٧٧

عبدالرحيم قصير

أَمَا لَوْ قَامَ قَائِمُنَا لَقَدْ رُدَّتْ إِلَيْهِ الْحُمَيْرَاءُ

١١

ص: ۱۲۳

صفحه

راوی

روایت

ردیف

۴۸

ابوحمزه ثمالی

إِمَّا مَوْتٌ فِی طَاعَهِ اللَّهِ أَوْ إِدْرَاکُ ظُهُورِ

۱۲

۱۴

رفاعه بن موسی

إنّ أَولَ مَن یَکرُّ إِلی الدُّنیا الحسینُ بن علیٍّ علیه السلام

۱۳

۵۷

حسین بن ابی علاء

إِنَّ عِنْدِی الْجَفْرَ الْأَبْیَضَ

۱۴

۲۶

مفضل بن عمر

إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ بَیْتاً

۱۵

۹۶

محمد بن حسن شیبانی

أنَّ هذه الآیَهَ (وَ نُرِیدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَی

۱۶

۲۸

ابوجارود

أَنَّهُ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ علیه السلام سَارَ إِلَی الْکُوفَهِ

۱۷

۵۳

حسن بن هارون

أَ یَسِیرُ الْقَائِمُ إِذَا قَامَ بِخِلَافِ سِیرَهِ عَلِیٍّ علیه السلام

۱۸

۳۴

مرسلا عن علی علیه السلام

بِأَبی ابن خَیرهِ الإِماءِ لا یُعطیهِم إِلا السَّیفَ

۱۹

۲۹

حارث اعور همدانی

بِأَبِی ابن خِیَرَهِ الْإِمَاءِ یَعْنِی الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِهِ علیه السلام

۲۰

۹۲

عمار

بِالْمَنِّ وَ الْعَفْوِ کَمَا سَارَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله

۲۱

۸۹

محمد بن مسلم

بِسِیرَهِ مَا سَارَ بِهِ- رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله

۲۲

۱۰

اعلم ازدی

بَیْن یَدَیِ الْقَائِمِ مَوْتٌ أَحْمَرُ وَ مَوْتٌ أَبْیَضُ

۲۳

۴۴

سعدان بن مسلم

بَیْنَا الرَّجُلُ عَلَی رَأْسِ الْقَائِمِ یَأْمُرُهُ وَ یَنْهَاهُ

۲۴

۸۸

عبدالله بن عباس

التَّاسِعُ مِنْهُمْ قَائِمُ أَهْلِ بَیْتِی وَ مَهْدِیُّ أُمَّتِی

۲۵

۸۱

ابوسعید خدری

تَأْوِی إِلَیْهِ أُمَّتُهُ کَمَا تَأْوِی النَّحْلَهُ یَعْسُوبَهَا

۲۶

۳۲

ابوالفرج ابان بن محمد

ثُمَّ یَبْعَثُ اللَّهُ لَهُ رَجُلًا مِنِّی وَ أَشَارَ بِیَدِهِ إِلَی صَدْرِهِ فَیَقْتُلُهُ

۲۷

۱۹

ابوبصیر

ثُمَّ یَتَوَجَّهُ إِلَی الْکُوفَهِ فَیَنْزِلُهَا

۲۸

۷۶

اسحاق بن عمار

ثُمَّ یُخْرِجُهُمَا غَضَّیْنِ رَطْبَیْنِ

۲۹

۵۱

حذیفه بن یمان

ثُمَّ یَفْتَرِقُونَ وَیَخْتَبِئُونَ تَحْتَ کُلِّ شَجَرٍ وَحَجَرٍ

ص: ۱۲۴

صفحه

راوی

روایت

ردیف

۵۱

ابان بن تغلب

دَمَانِ فِی الْإِسْلَامِ حَلَالٌ مِنَ اللَّهِ لَا یَقْضِی فِیهِمَا أَحَدٌ

۳۱

۴۷

معمر بن خلاد

ذُکِرَ الْقَائِمُ عِنْدَ أَبِی الْحَسَنِ الرِّضَا

۳۲

۳۵

مرسلا عن الصادق علیه السلام

ذَلِکَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ یَخْرُجُ فَیَقْتُلُ بِدَمِ الْحُسَیْنِ علیه السلام

۳۳

۱۰

ابوطفیل عامر بن واثله

عُمَرُ وَ قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِمَّا تَقُولُ

۳۴

۳۸

محمد بن قاسم

فَإِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَرَفُوا كُلَّ نَاصِبٍ [نَصَبَ] عَلَيْهِ

۳۵

۶۱

سلام بن مستنير

فإِذا قامَ قائِمُنا سَقَطتِ التَّقيهُ

۳۶

۲۰

ابوبصير

فِی صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ سُنَنٌ مِنْ أَرْبَعَهِ أَنْبِيَاء

۳۷

۱۴

جابر

فِی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ رُبَما یَوَدُّ الَّذِینَ

۳۸

۱۸

ابوبصير

فِی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ (هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ. . .

۳۹

۴۹

ابوحمزه

فِی قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ(قُلْ ما أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ

۴۰

۱۹

ابوبصیر

فِی قَوْلِهِ(. . . أَمْهِلْهُمْ رُوَيْداً) لِوَقْتِ بَعْثِ الْقَائِمِ

۴۱

۲۷

ابوجارود

فَيَضَعُ السَّيْفَ فِيهِمْ عَلَى ظَهْرِ النَّجَفِ

۴۲

۳۰

مرسلا عن علی علیه السلام

فَيُكَبِّرُ المُسلمونَ ثَلاثَ تَكبيراتٍ،

۴۳

۷۵

عبدالعظیم حسنی

الْقَائِمَ الَّذِی يُطَهِّرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ الْأَرْضَ

۴۴

۱۴

جابر

قَالَ الْحُسَيْنُ بن عَلِيٍّ عليه السلام لِأَصْحَابِ

۴۵

ص: ۱۲۵

صفحه

راوی

روایت

ردیف

۷

محمد بن ابی نصر

قُدَّامَ هَذَا الْأَمْرِ قَتْلٌ بَيُوحٌ

۴۶

۷

سلیمان بن خالد

قُدَّامَ الْقَائِمِ مَوْتَتَانِ مَوْتٌ أَحْمَرُ وَ مَوْتٌ أَبْيُضُ

۴۷

۵۶

رفید

قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام جُعِلْتُ فِدَاکَ

۴۸

۸

ابوبصیر

قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاکَ مَتَی خُرُوجُ الْقَائِمِ علیه السلام

۴۹

۴۶

زراره بن اعین

قُلْتُ لَهُ صَالِحٌ مِنَ الصَّالِحِینَ سَمِّهِ لِی

۵۰

۴۵

ابوخدیجه

کَانَ لِی أَنْ أَقْتُلَ الْمُوَلِّیَ

۵۱

۷۳

مفضل بن عمر

کُلَّ رَیْنٍ وَ خُبْثٍ وَ فَاحِشَهٍ وَ إِثْمٍ

۵۲

۹

ابوبصیر

لَا بُدَّ أَنْ یَکُونَ قُدَّامَ الْقَائِمِ سَنَهٌ یَجُوعُ

۵۳

۲۴

ابوهریره

لَا تَقُومُ السَّاعَهُ حَتَّی تَعُودَ أَرْضُ الْعَرَبِ مُرُوجًا

۵۴

۲۲

ابوهریره

لَا تَقُومُ السَّاعَهُ حَتَّی یَخْرُجَ عَلَیْهِمْ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَیْتِی

۵۵

۲۳

ابوهریره

لَا تَقُومُ السَّاعَهُ حَتَّی یُقَاتِلَ الْمُسْلِمُونَ الْیَهُودَ

۵۶

۱۰

کیسان رواسی

لَا یَخْرُجُ الْمَهْدِیُّ حَتَّی یُقْتَلَ ثُلُثٌ

۵۷

۱۱

ابوبصیر

لَا یَقُومُ الْقَائِمُ علیه السلام إِلَّا عَلَی خَوْفٍ سَدِیدٍ [شَدِیدٍ]

۵۸

۸۵

مفضل بن عمر

لَا یَکُونُ ذَلِکَ حَتَّی تَمْسَحُوا الْعَلَقَ وَ الْعَرَقَ

٥٩

٨

محمد بن مسلم

لَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى يَذْهَبَ ثلث [ثُلُثَا] النَّاسِ

٦٠

ص: ۱۲۶

صفحه

راوی

روایت

ردیف

۵۱

ابن زریر

لَا یَلْقَاهُ عَدُوٌّ إِلَّا هَزَمَهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ

۶۱

۲۶

مفضل بن عمر

لو قامَ قائِمُنا بَدأَ بِکَذّابی الشّیعه

۶۲

۳۱

مرسلا عن الباقر ع

لَو قَد قامَ قائِمُنا بَدَأَ بِالَّذینَ یَنتَحِلونَ حُبَّنا

۶۳

۴۵

محمد بن مسلم

لَوْ یَعْلَمُ النَّاسُ مَا یَصْنَعُ الْقَائِمُ إِذَا خَرَجَ

۶۴

۲۵

مفضل بن عمر

مَا عَلَامَهُ الْقَائِمِ

۶۵

۵۹

عبدالله بن شریک

مَرَّ الْحُسَیْنُ علیه السلام عَلَی حَلْقَهٍ مِنْ بنی أُمَیَّهَ

۶۶

۸

زراره بن اعین

النِّدَاءُ حَقٌّ قَالَ إِی وَ اللَّهِ

۶۷

۷۴

بشیر نبال

هَلْ تَدْرِی أَوَّلَ مَا یَبْدَأُ بِهِ الْقَائِمُ علیه السلام

۶۸

۵۹

سلام بن مستنیر

هُوَ الْحُسَینُ بن عَلی علیه السلام قُتِلَ مَظلوماً

۶۹

۳۵

جابربن یزید

هُوَ الْقَائِمُ إِذَا قَامَ بِالْغَضَبِ

۷۰

۹۵

محمد بن مسلم

وَ النَّهارِ إِذا تَجَلَّى قَالَ النَّهَارُ هُوَ الْقَائِمُ

۷۱

۳۴

مرسلا عن الصادق علیه السلام

وَ کَذَلِکَ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَیْتِ لَمْ یَظْهَرْ أَبَداً حَتَّى

۷۲

۴۱

جابر

وَ یَقْتُلُ النَّاسَ حَتَّى لَا یَبْقَى إِلَّا دِینُ مُحَمَّد

۷۳

۴۰

ابوبصیر

وَ یَنْهَزِمُ قَوْمٌ کَثِیرٌ مِنْ بنی أُمَیَّه

۷۴

۹۶

فضل بن شادان

وَ يُولّونَ فَيقتُلَهم حتّى يدخُلَهم أَبياتِ الكوفهِ

۷۵

۲۳

ابوهريره

وَيْلٌ لِلْعَرَبِ مِنْ شَرٍّ قَدِ اقْتَرَبَ

۷۶

۹۱

ابوعبيده حذّاء

يَا ابا عُبَيْدَهَ إِنَّهُ لَا يَمُوتُ مِنَّا مَيِّتٌ حَتَّى

۷۷

۳۶

عبد السلام بن صالح

يَا ابن رَسُولِ اللَّهِ مَا تَقُولُ فِى حَدِيثٍ

۷۸

۵۵

بشر بن غالب اسدى

يَا بِشْرُ مَا بَقَاءُ قُرَيْشٍ إِذَا قَدَّمَ الْقَائِمُ

صفحه

راوی

روایت

ردیف

۵۸

رفید

یَا رُفَیْدُ کَیْفَ أَنْتَ إِذَا رَأَیْتَ أَصْحَابَ الْقَائِمِ

۸۰

۳۱

مقاتل

یا وَلَدِی یَا عَلِیُّ وَ اللَّهِ لَا یَسْکُنُ دَمِی

۸۱

۸۲

ابوهریره

یُبَایِعُ الْمَهْدِیُّ بَیْنَ الرُّکْنِ وَالْمَقَامِ

۸۲

۱۳

اباقبیل

یَبْعَثُ السُّفْیَانِیُّ جَیْشًا إِلَی الْمَدِینَهِ

۸۳

۸۲

قتاده

يُجَاءُ إِلَى الْمَهْدِيِّ وَهُوَ فِى بَيْتِهِ

۸۴

۲۱

ابوبصير

يُجَرِّدُ السَّيْفَ عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَهَ أَشْهُرٍ

۸۵

۱۲

عبدالله بن عباس

يَخْرُجُ السُّفْيَانِيُّ فَيُقَاتِلُ حَتَّى يَبْقُرَ بُطُونَ النِّسَاءِ

۸۶

۴۲

كعب الاحبار

يَخرجُ المَهدىُّ إلى بِلادِ الرّومِ

۸۷

۱۳

ارطاه

يَدْخُلُ السُّفْيَانِيُّ الْكُوفَهَ فَيَسْبِيهَا

۸۸

۵۰

ابن زرير

يُرْسِلُ اللَّهُ عَلَى أَهْلِ الشَّامِ مَنْ يُفَرِّقُ جَمَاعَتَهُمْ

۸۹

۱۱

عبدالله بن سنان

يَشْمَلُ النَّاسَ مَوْتٌ وَ قَتْلٌ

۹۰

۲۳

ابوهريره

يُقْبَضُ الْعِلْمُ وَيَظْهَرُ الْفِتَنُ وَيَكْثُرُ الْهَرْجُ

۹۱

۱۳

ارطاه

يَقْتُلُ السُّفْيَانِيُّ كُلَّ مَنْ عَصَاهُ

۹۲

۳۸

عبدالله بن سنان

يَقْتُلُ الْقَائِمُ عليه السلام حَتَّى يَبْلُغَ السُّوقَ

۹۳

۳۹

کابلی

يَقْتُلُ الْقَائِمُ عليه السلام مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَهِ

۹۴

۱۵

ابوبصیر

يَقُومُ الْقَائِمُ بِأَمْرٍ جَدِيدٍ وَ كِتَابٍ جَدِيدٍ

۹۵

۵۴

یحیی بن علاء

يُنْتِجُ اللَّهُ تَعَالَى فِي هَذِهِ الْأُمَّهِ رَجُلًا مِنِّي

۹۶

۸۹

عبدالله بن عطاء

يَهْدِمُ مَا قَبْلَهُ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله

۹۷

۱۲

ابوبصیر

يقُولُ لِقَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ غَيْبَتَانِ إِحْدَاهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْأُخْرَى

اسامی و شرح حال تفصیلی راویان

۱. ابان بن عثمان: وی در اصل اهل بصره و در کوفه ساکن بوده و مذهب وی ناووسی است.(۱)

۲. ابو هریره: درباره اسم وی اختلاف وجود دارد که برترین آن عبدالرّحمن بن صخر است. یکی از مسائلی که بسیاری از علمای رجال اهل سنت بر آن اتفاق نظر دارند، این است که ابوهریره مدلِّس بوده و سخنی را که از دیگران می شنیده، به رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت می داده است. ذهبی از بزرگترین رجالیون اهل سنت در شرح حال ابوهریره می نویسد: «قالَ یزیدُ بن هارونَ: سَمِعتُ شُعبَهَ یقولُ:کانَ أبوهُریره یدلِّسُ(۲)؛ ابوهریره تدلیس می کرد».

همچنین ابن ابی الحدید به نقل از استادش ابوجعفر اسکافی می نویسد: «عَن علی أنّه قالَ: ألا إنّ أکذَبَ النّاسِ- أو قالَ: أکذبَ الأحیاءِ- عَلی رسولِ الله أبوهریرهُ الدّوسی؛ از امیرمؤمنان علیه السلام روایت شده است که فرمود:آگاه باشید که دروغگوترین مردم بر رسول خدا صلی الله علیه و آله ابو هریره می باشد(۳)».

۴. ابوالقاسم شعرانی: وی فردی مجهول است.

۵. احمد بن هلال عبرتایی: وی شخصی غالی و متهم در دین شمرده شده است(۴)، همچنین علامه حلی(۵) ونجاشی درباره وی گفته اند: «مذمت هایی درباره او

۱- طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، ص۳۵۲.

۲- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان، سیر اعلام النبلاء، ج۲، ص۶۰۸.

۳- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، ج۴، ص۶۸.

۴- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، ج۴، ص۸۳.

۵- حلی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال(رجال)، ص۲۰۲.

از امام حسن عسکری علیه السلام نقل شده است».(۱)

۶. اسماعیل بن رافع ابو رافع مدنی: یحیی بن معین از رجالیون اهل سنت درباره وی واژه ضعیف را به کار برده است.(۲)

۷. بشیر نبال: علامه حلّی درباره وی گفته است: «من در روایت او متوقف هستم».(۳)

۸. جابر بن یزید: نجاشی گفته است که وی فردی مختلط بوده است. (۴)

۹. حسن بن عبدالرحمن(حمانی): وی فردی مجهول است.

۱۰. حسن بن علی بن ابی حمزه: وی شخصی بسیار ضعیف، دروغگو و غالی بوده(۵)و علامه حلی در خلاصه، وی را واقفی دانسته است.(۶)

۱۱. حسن بن هارون: وی فردی مجهول است.

۱۲. حسین بن احمد مالکی: وی فردی مجهول است.

۱۳. حسین بن حمدان: وی فردی بسیار ضعیف و فاسدالمذهب است. (۷)

۱۴. زیاد بن منذر: کنیه وی ابو جارود است. امام باقر علیه السلام به این فرد نسبت سرحوب را داده است، سرحوب نام شیطانی کور است که در دریا زندگی

۱- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص۸۳.

۲- جرجانی، عبدالله بن عدی بن عبدالله بن محمد ابو أحمد، الکامل فی ضعفاء الرجال، ج۱، ص ۲۸۰، ش۱۱۹.

۳- حلی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال(رجال)، ص۲۵.

۴- حلی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال(رجال)، ص ۱۲۹.

۵- طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، ص۴۴۳.

۶- حلی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال(رجال)، ص۲۱۳.

۷- حلی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال(رجال)، ص۲۱۷.

می کند.(۱) همچنین مذهب او زیدیه است. (۲)

۱۵. سلام بن مستنیر: وی فردی مجهول است.

۱۶. در سند سوید بن عبد العزیز وجود دارد که نسائی درباره وی گفته است او ثقه نیست و ضعیف است.(۳)

۱۷. عبد الله بن لهیعه بن عقبه الحضرمی: وی فردی ضعیف است، چنان که ابن معین در توصیف وی گفته است: ضعیفٌ لا یحتجُ به. (۴)

۱۸. عبدالله بن عبدالرحمن الاصمّ: وی فردی ضعیف، غالی و از دروغ سازان بصره بوده است. (۵)

۱۹. عبدالملک بن بشیر: وی فردی مجهول است.

۲۰. عبیدالله بن شریک: وی فردی مجهول است.

۲۱. عقبه بن یونس: وی فردی مجهول است.

۲۲. علی بن ابی حمزه بطائنی: این شخص یکی از سران و بزرگان واقفیه است(۶). شیخ طوسی نیز به واقفی بودن وی اشاره کرده و(۷) ابن غضائری او را لعن

۱- طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، ص۲۲۹.

۲- طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، ص۲۰۴.

۳- عسقلانی الشافعی، أحمد بن علی بن حجر ابو الفضل، تهذیب التهذیب، ج۴، ص۲۴۲.

۴- ذهبی، شمس الدین ابو عبد الله محمد بن أحمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، ج ۴، ص۱۶۷.

۵- حلی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال(رجال)، ص۲۳۸.

۶- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۲۵۰

۷- طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، ص۲۸۳.

نموده است(۱).

۲۳. علی بن اسباط کوفی: وی ابتدا فردی فطحی بوده(۲) اما در اینکه آیا او از مذهب فطحی به سوی حق بازگشته یا خیر اختلاف وجود دارد.

۲۴. علی بن حسن تیملی: بنابر گفته آیت الله خویی وی همان علی بن حسن بن علی بن فضال بوده(۳) که شخصی فطحی مذهب می باشد.(۴)

۲۵. علی بن عباس جرازینی رازی: وی شخصی متهم به غلو و ضعیف است.(۵)

۲۶. علی بن عبدالله حسنی: وی فردی مجهول است.

۲۷. عمر بن فرات:وی فردی غالی است.(۶)

۲۸. عمرو بن شمر ابو عبدالله جعفی: نجاشی گفته است که وی فردی بسیار ضعیف است. (۷)

۲۹. عیثم بن سلیمان: وی فردی مجهول است.

۳۰. قاسم بن محمد بن حسن بن حازم: وی فردی مجهول است.

۳۱. قاسم بن ولید همدانی: وی مجهول است.

۳۲. محمد بن ابی عبدالله: به نظر مرحوم آیت الله خویی وی همان

۱- واسطی بغدادی، احمد بن حسین، رجال ابن غضائری، ص۸۳.

۲- طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، ص۵۶۲.

۳- موسوی خویی، ابوالقاسم، ج۱۱، ص۳۴۵.

۴- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص۲۵۸.

۵- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص۲۵۵.

۶- طوسی، محمد بن حسن، رجال طوسی، ص۳۶۲.

۷- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص۲۸۷.

محمد بن جعفر اسدی است[(۱)] که به گفته نجاشی وی شخصی است که روایت هایش را از ضعفا نقل می کند و به جبر و تشبیه قائل است.[(۲)]

۳۳. محمد بن حسن بن جمهور: بنابر نظر آیت الله خویی وی همان محمد بن جمهور است[(۳)] که فاسد المذهب و ضعیف است.[(۴)]

۳۴. محمد بن خالد: مرحوم آیت الله خویی نقل کرده است که به نظر نجاشی وی فردی مهمل است. [(۵)]

۳۵. محمد بن سلیمان (بصری یا دیلمی): وی فردی متهم به غلو است.[(۶)]

۳۶. محمد بن سنان: این فرد هم مدح شده و هم ضعیف به شمار می آید[(۷)] و بنابر قاعده مورد قبول رجال در تعارض بین مدح و ذم، ذم مقدم می باشد.[(۸)]

۳۷. محمد بن عبدالله بن مهران: این شخص فردی متهم به غلو و ضعیف است.[(۹)]

۳۸. محمد بن علی کوفی: وی فردی بسیار بدنام و دروغگوست و علمای رجال بر بی اعتباری روایات وی حکم کرده اند. این شخص در زمان امام حسن عسکری علیه السلام می زیسته و از معاصران جناب فضل بن شاذان بوده است.

۱- موسوی خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، ج ۱۴، ص ۲۷۱.

۲- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۳۷۳.

۳- موسوی خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، ج ۱۵، ص ۱۷۸.

۴- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۳۳۷.

۵- موسوی خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، ج ۱۶، ص ۶۲.

۶- طوسی، محمد بن حسن، رجال طوسی، ص ۳۴۳.

۷- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۳۲۸.

۸- شانه چی، کاظم، درایه الحدیث، ص ۱۱۷-۱۱۸.

۹- طوسی، محمد بن حسن، رجال طوسی، ص ۳۹۱.

فضل بن شاذان در وصف محمـد بن علی کوفی می گویـد:«رجلٌ کـذابٌ: او مردی بسیار دروغگوست». همچنین فضل درباره وی گفته:«کِدتُ أقنتُ علیه: نزدیک بود در قنوت نماز لعن و نفرینش کنم».(۱)

۳۹. محمد بن فضیل أزدی: فردی ضعیف(۲)و متهم به غلو است.(۳)

۴۰. محمد بن قاسم بن عبید:وی فردی مجهول است.

۴۱. محمدبن حسن شمون: وی فردی غالی(۴)، واقفی مذهب و فاسد المذهب است.(۵)

۴۲. مفضل بن عمر ابو عبدالله: وی هم مدح شده و هم مورد طعن قرار گرفته است. شیخ مفید درباره وی می گوید: او از شیوخ اصحاب امام صادق علیه السلام و از ثقات فقهای صالح است(۶) ولی نجاشی درباره وی می گوید: او فردی فاسد المذهب و مضطرب الروایه می باشد.(۷) بنابر قاعده مورد قبول رجال در تعارض بین مدح و ذم، ذم مقدم است.(۸)

۴۳. یونس بن ظبیان: وی فردی ضعیف و غالی است؛(۹) همچنین نجاشی درباره وی می گوید که هرآنچه که وی نوشته، مختلط است. (۱۰)

۴۴. یونس بن کلیب: وی فردی مجهول است.

۱- طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، ص۵۴۶.

۲- طوسی، محمد بن حسن، رجال طوسی، ص۳۴۳.

۳- موسوی خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الروهه، ج ۱۷، ص۱۴۵، ش۱۱۵۴۶.

۴- طوسی، محمد بن حسن، رجال طوسی، ص۴۰۲.

۵- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص۳۳۵.

۶- مفید، محمد بن نعمان، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج۲، ص۲۱۶.

۷- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص۴۱۶.

۸- شانه چی، کاظم، درایه الحدیث، ص۱۱۷-۱۱۸.

۹- طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، ص۳۶۳.

۱۰- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص۴۴۸.

حال رجال در یک نگاه

ردیف

نام راوی

غالی

ناووسی

فطحی

مجهول

زیدی

جارودی

مختلط

واقفی

ضعیف و غیره

۱

ابوهریره

*

۲

ابوالقاسم شعرانی

*

۳

احمد بن هلال

*

۴

اسماعیل بن رافع

*

۵

بشیر نبّال

*

۶

جابر بن یزید

*

۷

حسن بن عبدالرحمن

*

۸

حسن بن علی بن ابی حمزه

*

*

*

۹

حسن بن هارون

*

۱۰

حسین بن احمد مالکی

*

۱۱

حسین بن حمدان

*

۱۲

زیاد بن منذر

*

۱۳

سلام بن مستنیر

*

۱۴

سوید بن عبدالعزیز

*

۱۵

عبدالله بن لهیعه

*

عبدالله بن عبدالرحمن

*

ردیف

نام راوی

غالی

ناووسی

فطحی

مجهول

زیدی

جارودی

مختلط

واقفی

ضعیف و غیره

۱۷

عبدالملک بن بشیر

*

۱۸

عبیدالله بن شریک

*

۱۹

عقبه بن یونس

*

۲۰

علی بن ابی حمزه

*

۲۱

علی بن اسباط

*

۲۲

علی بن حسن تیملی

*

۲۳

علی بن عباس

*

۲۴

علی بن عبدالله حسنی

*

۲۵

عمر بن فرات

*

۲۶

عمرو بن شمر

*

۲۷

عیثم بن سلیمان

*

۲۸

قاسم بن محمد بن حسن

*

۲۹

قاسم بن ولید

*

۳۰

محمد بن ابی عبدالله

*

۳۱

محمد بن حسن بن جمهور

*

۳۲

محمد بن سلیمان

*

۳۳

محمد بن سنان

*

۳۴

محمد بن عبدالله بن مهران

*

۳۵

محمد بن علی کوفی

*

ردیف

نام راوی

غالی

ناووسی

فطحی

مجهول

زیدی

جارودی

مختلط

واقفی

ضعیف و غیره

۳۶

محمد بن فضیل

*

۳۷

محمد بن قاسم

*

۳۸

مفضل بن عمر

*

۳۹

محمد بن حسن شمون

*

*

۴۰

یونس بن ظبیان

*

*

۴۱

یونس بن کلیب

*

فهرست منابع

الف. منابع فارسی

۱. ابن بابویه، محمد بن علی،علل الشرائع،۲جلد، ترجمه محمد جواد ذهنی تهرانی، قم، مومنین، چ اول،۱۳۸۰ش.

۲. ـــــــــــــ،کمال الدین و تمام النعمه،۲جلد، ترجمه منصور پهلوان، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، دارالحدیث، چ اول، ۱۳۸۰ش.

۳. ابن قولویه، جعفر بن محمد،کامل الزیارات، ۱جلد، ترجمه محمد جواد ذهنی تهرانی، تهران، پیام حق، چ اول، ۱۳۷۷ش.

۴. آیتی، نصرت الله، بررسی تطبیقی سیره امام علی علیه السلام و امام مهدی(عج) در رویارویی با اهل بغی، مجموعه مقالات همایش بین المللی دکترین مهدویت، شماره۴، ۱۳۸۸.

۵. جمعی از محققان مرکز تخصصی مهدویت، آفتاب مهر، ۲جلد، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)، چاپ یازدهم،۱۳۹۰ش.

۷. زبری قاینی، محمد حسن، فرهنگ اصطلاحات علم الحدیث،۱جلد، مشهد، آستان قدس رضوی، چ اول، ۱۳۸۹ش.

۸. طبسی، نجم الدین؛ واعظی، سید حسن، درنگی در روایات قتل های آغازین دولت مهدی(عج)، مجله انتظار موعود، شماره ۶، ۱۳۸۱ش، صفحه۳۵۵.

۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الروضه من الکافی، ۲جلد، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، انتشارات علمیه اسلامیه،چ اول، ۱۳۶۴ش.

۱۰. مفید،محمد بن نعمان، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد،ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی،۲جلد، تهران، اسلامیه، چ دوم، بی تا.

۱۱. منتظری، حسینعلی، موعود ادیان، ۱جلد، تهران، خردآوا، چ دوم، ۱۳۸۴ش.

۱۲. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، ۱جلد،ترجمه احمد فهری زنجانی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ چهارم، ۱۳۶۲ش.

۱۳. __________، الغیبه، ۱جلد، ترجمه محمد جواد غفاری، تهران، صدوق، چ دوم، ۱۳۷۶ش.

ب. منابع عربی

۱۴. ابن أبی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، ۱۰جلد، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.

۱۵. ابن ابی شیبه، ابو بکر عبد الله بن محمد، المصنف فی الأحادیث والآثار، ۷جلد، تحقیق کمال یوسف الحوت، الریاض، مکتبه الرشد، چ اول، ۱۴۰۹ق.

۱۶. ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرایع، ۲جلد، تحقیق سید محمد صادق بحرالعلوم، نجف، مکتبه الحیدریه، ۱۳۸۵ق.

۱۷. __________، کمال الدین و تمام النعمه، ۱جلد، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، موسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۵ق.

۱۸. ابن جحام، محمد بن عباس بزاز، تاویل ما نزل من القرآن الکریم فی النبی وآله، ۱جلد، تحقیق فارس تبریزیان، قم، الهادی، چ اول، ۱۴۲۰ق.

۱۹. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، دعائم الإسلام، ۲جلد، تحقیق آصف فیضی، قم، مؤسسه آل البیت:، چ دوم، ۱۳۸۵ق.

۲۰. ابن خلدون الحضرمی، عبد الرحمن بن محمد، مقدمه ابن خلدون، بیروت، دارالقلم، چ پنجم، ۱۹۸۴م.

۲۱. ابن شهرآشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب:، ۴ جلد، قم، علامه، چ اول، ۱۳۷۹ق.

۲۲. ابن طاووس، علی بن موسی،اقبال الاعمال، ۱جلد، تعلیق شیخ حسین اعلمی، بیروت، موسسه الاعلمی، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.

۲۳. ابن قولویه، جعفر بن محمد،کامل الزیارات، ۱جلد، تحقیق جواد قیومی، قم، موسسه نشر اسلامی، چ اول، ۱۴۱۷ق.

۲۴. ابن کثیر الدمشقی، إسماعیل بن عمر ابوالفداء القرشی، البدایه والنهایه، ۱۴جلد، بیروت، مکتبه المعارف، بی تا.

۲۵. اردبیلی، محمد بن علی، جامع الرواه،۲جلد، قم، مکتبه محمدی.

۲۶. ازدی نیشابوری، ابو محمد فضل بن شاذان، الایضاح، بیروت، موسسه الاعلمی، چ اول،۱۴۰۲ق.

۲۷. استرآبادی، علی، تأویل الآیات الظاهره فی فضائل العتره الطاهره،۲جلد، قم، مدرسه امام مهدی، چ اول، ۱۴۰۷ق.

۲۸. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، حلیه الأبرار فی احوال محمد و آله الأطهار:، ۵جلد، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه، چ اول، ۱۴۱۱ق.

۲۹. تمیمی، ابی یعلی موصلی احمد بن علی، مسند ابی یعلی،۱۳ جلد، تحقیق حسین سلیم اسد، دمشق، دارالمامون للتراث، چ اول، ۱۴۰۴ق.

۳۰. جرجانی، عبدالله بن عدی بن عبدالله بن محمد ابو احمد، الکامل فی ضعفاء الرجال، ۷جلد، تحقیق یحیی مختار غزاوی، بیروت، دار الفکر، چ سوم، ۱۴۰۹ق-۱۹۸۸م.

۳۱. جزری، عزالدین بن الأثیر أبی الحسن علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، ۷جلد، تحقیق عبد الله القاضی، بیروت، دارالکتب العلمیه، چ دوم، ۱۴۱۵ق.

۳۲. حلی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال(رجال)،۱جلد، تصحیح سید محمد صادق بحرالعلوم، قم، مکتبه الرضی، چاپ دوم، ۱۳۸۱ق.

۳۳. حلی، عزالدین حسن بن سلیمان، مختصر بصائر الدرجات، ۱جلد، نجف، الحیدریه، چاپ اول، ۱۳۷۰ق.

۳۴. حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد،۱جلد، تحقیق موسسه آل البیت لاحیاء التراث، قم، موسسه آل البیت لاحیاء التراث، چ اول، ۱۴۱۳ق.

۳۵. خزازرازی، علی بن محمد، کفایه الاثر، ۱جلد، تحقیق سید عبداللطیف حسینی کوه کمری قم، بیدار، ۱۴۰۱ق.

۳۶. خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایه الکبری،۱جلد، بیروت، موسسه البلاغ، چ اول، ۱۴۰۶ق.

۳۷. دانی، عثمان بن سعید، السنن الوارده فی الفتن، ۶جلد، ضیاء الله بن محمد إدریس المبارکفوری، الریاض، دار العاصمه، چ اول،۱۴۱۶ق.

۳۸. ذهبی، شمس الدین ابو عبدالله محمد بن أحمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، ۸جلد، تحقیق الشیخ علی محمد معوض والشیخ عادل أحمد عبدالموجود، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۵م.

۳۹. __________، سیر اعلام النبلاء، ۲۳ جلد، بیروت، موسسه الرساله، چ سوم، ۱۴۰۵ق.

۴۰. راوندی، قطب الدین، الخرائج و الجرائح،۳جلد، تصحیح موسسه امام مهدی، قم، موسسه امام مهدی، چ اول، ۱۴۰۹ق.

۴۱. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ۱جلد، تحقیق صبحی صالح، قم، هجرت، چ اول، ۱۴۱۴ق.

۴۲. شیبانی، احمد بن حنبل، مسند احمد،۶جلد، بیروت، دارالفکر، بی تا.

۴۳. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمّد صلی الله علیه و آله،۱جلد، تصحیح محسن بن عباسعلی کوچه باغی، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی،

چ دوم،۱۴۰۴ق.

۴۴. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب، تاریخ الأمم والرسل والملوك(تاریخ الطبری)، ۵جلد، بیروت، دارالکتب العلمیه، چ اول،۱۴۰۷ق.

۴۵. __________،دلائل الامامه، ۱جلد، قم، مکتبه الرضی، چ سوم، ۱۳۶۳ش.

۴۶. طوسی، محمد بن حسن،اختیار معرفه الرجال، ۱جلد، تصحیح حسن مصطفوی، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ش.

۴۷. __________، تهذیب الأحکام،۱۰جلد، تحقیق حسن الموسوی خرسان، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چ چهارم، ۱۴۰۷ق.

۴۸. __________، رجال طوسی،۱جلد، تصحیح جواد قیومی اصفهانی، قم، مؤسسه النشرالاسلامی التابعه لجامعه المدرسین، چاپ سوم، ۱۳۷۳ش.

۴۹. __________، الغیبه،۱ جلد، تحقیق عباد الله تهرانی و علی احمد ناصح، قم، موسسه المعارف الاسلامیه، چ اول، ۱۴۱۱ق.

۵۰. __________، الفهرست،۱جلد، تصحیح جواد قیومی، قم، موسسه نشر الفقاهه، چ اول، ۱۴۱۷ق.

۵۱. عسقلانی الشافعی، أحمد بن علی بن حجر ابو الفضل، تهذیب التهذیب، ۱۴جلد، بیروت، دارالفکر، چ اول، ۱۴۰۴ق.

۵۲. عیاشی سلمی سمرقندی، محمد بن مسعود بن عیاش، تفسیرالعیاشی،۲جلد، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، المکتبه العلمیه الاسلامیه، بی تا.

۵۳. قرشی المصری، ابو القاسم عبد الرحمن بن عبد الله عبد الحکم بن أعین، فتوح مصر وأخبارها، ۱جلد، تحقیق محمد الحجیری، بیروت، دار الفکر، چ اول، ۱۴۱۶ق ۱۹۹۶م.

۵۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیرقمی، ۲ جلد، تصحیح سید طیب موسوی

جزائری، قم، مکتبه العلامه، ۱۳۸۷ق.

۵۵. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات کوفی،۱جلد، قم، داوری، بی تا.

۵۶. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، ۸ جلد، تحقیق غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ چهارم، ۱۴۰۷ق.

۵۷. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار علیه السلام، ۱۱۱جلد، تحقیق جمعی از محققان، بیروت، دارإحیاء التراث العربی، چ دوم، ۱۴۰۳ق.

۵۸. مروزی، نعیم بن حماد، الفتن، ۱جلد، تحقیق سهیل زکار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.

۵۹. مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، ۱جلد، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی تا.

۶۰. __________، الجمل و النصره لسید العتره فی حرب البصره،۱جلد، تحقیق علی میرشریفی، قم، کنگره شیخ مفید، چ اول، ۱۴۱۳ق.

۶۱. __________،الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد،۲جلد، تصحیح مؤسسه آل البیت:، قم، دارالمفید، ۱۴۱۳ق.

۶۲. مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر،۱جلد، تحقیق عبدالفتاح محمد الحلو، قم، مسجد مقدس جمکران - نصایح، چ اول،۱۴۱۶ق.

۶۳. موسوی خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، ۲۳جلد، قم، مدینه العلم، چاپ سوم، ۱۴۰۳ق.

۶۴. نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ۱جلد، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسین، چ ششم، ۱۳۶۵ش.

۶۵. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، ۱جلد، تحقیق فارس حسون، قم،

انوارالهدی، چ اول، ۱۴۲۲ق.

۶۶. نویری، شهاب الدین أحمد بن عبد الوهاب، نهایه الأرب فی فنون الأدب، ۳۳جلد، تحقیق مفید قمحیه وجماعه، بیروت، دار الکتب العلمیه، چ اول، ۱۴۲۴ق-۲۰۰۴م.

۶۷. واسطی بغدادی، احمد بن حسین، رجال ابن غضائری، ۱جلد، تحقیق سید محمد رضا جلالی، قم، دارالحدیث، چ اول، ۱۴۲۲ق.

۶۸. هیئت علمی موسسه معارف اسلامی، معجم احادیث امام مهدی علیه السلام، ۸ جلد، قم، موسسه معارف اسلامی، چ اول، ۱۴۲۸ق.

نرم افزارها:

۱. جامع الاحادیث نور، نسخه ۵/۳، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی،۱۳۹۰ش.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹